

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# پیکار



سال دوم - دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- "افزایش تولید": راه کارگردنبال روی یونیتهای اکثریت صفحه ۳
- "مرگ بر بختیار، نوکری اختیار" صفحه ۳۰
- تفنگ های ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی صفحه ۱۹
- بهادرنوی سخنگوی رژیم، مارکیستها: سرکوب روی یونیستها: آزاد صفحه ۲۲
- اخبار جنگ - گزارشی از وضعیت آوارگان جنگ صفحه ۱۶

ضمیمه این شماره

## پیام کمیته مرکزی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
به سازمان مجاهدین خلق ایران  
و پاسخ به یاوه گوئیهای روی یونیتهای فدائی (اکثریت)

## سیر مقاله

### مسئله گروگانها: خانه‌ای برفی که آب شد

زمانیکه رحانی نخست وزیر "مکتبی" و "فدا میریالیست" دو آتش جمهوری اعلامی در سفر اخیرش به نیویورک و شرکت در سازمان ملل عدرخواهی آمریکا از ایران رابه عنوان "گامی در جهت جلوگیری از تاجا و زبه ایران و یکی از مراحل توبه و نشانه تکامل معنوی آمریکا" اعلام کرد، هر آدم غافل می توانست بفهمد که این اظهار نظر سربسج و روشن به معنی چراغ سبزی است از سوی ایران جهت حل مسئله گروگانها و در همین رابطه تا مین شرایط مناسب برای بهبود و کسترش روابط ایران و آمریکا .  
بقیه در صفحه ۲

### ساواکها در زندان:

جاسوسی برای  
جمهوری اسلامی  
و تلاش برای احیاء

### ساواک

صفحه ۲۱

### محاصره اقتصادی کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۶

### بهبشی ویکی از پرونده های خیانت او در سفارت امریکا

صفحه ۹

اراشغال نظامی

افغانستان یکسال گذشت

### افغانستان گورستان تجاوزگران روسی

صفحه ۱۳

چین: کمونیستها  
روی یونیتهای را افشاء میکنند  
صفحه ۲۵

اعتصاب پیروزمند  
رانندگان منطقه ۴ شرکت واحد

صفحه ۳۱

بخشی از بیانیه  
"سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار"  
اوج نوین جنبش  
دانشجویی -

دانش آموزی و  
وظایف مبرم ما

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیما ز صفحه ۱ سر مقاله...

روندا وضع با وضوح بیشتری حقیقت فوق را آشکارا ساخت، بدنبال مراجعت رجائی از آمریکا، مجلس شورای اسلامی درست دو روز قبل از انتخابتاریاست جمهوری آمریکا با تعیین ۴ شرطی که همه از آن آگاهی دارند، آزادی گروگانها را تا شید نموده و دولت آمریکا، در عین حال که از شرایط جدید ایران را می بیند و این رضایت خاطر را با رها از زبان کارتر و سخنگوی وزارت خارجه ابراز کرد، کوشید تا با استفاده از نیازهای تسلیحاتی ایران، بویژه در شرایط جنگی کنونی و تا مین برخی از این نیازها و اما سا به اتکا - وابستگی سیستم سرما به - داری ایران و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی آنرا در یک موضع کاملاً دفاعی قرارداد و بجای برآورده ساختن شرایط مورد نظر ایران، شرایط خود را به ایران تحمیل نماید.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که دیگر نیازی به گروگانها ندارد و بهر برداری مورد نظر خویش را از این مسئله در جهت تحمیل و فریب توجهها و فروتن شدن عطف خدا میریالیستی آنها و ممانعت از رشد و گسترش مبارزه و فروریختن توهمشسان نسبت به رژیم حاکم، کرده بود و مهمتر از همه برای با زسازی سیستم سرما به داری وابسته، نیامند بهبود و گسترش روابط با امپریالیسم آمریکا بود، با زبونی تمام موش دادن به سازش خفت با ربا امپریالیسم، کوشید تا خود را از "سفر" گروگانها به ترتیب که شده برهانند و این بار از آزادی گروگانها جداگانه استفاده را در آمیخته و گسترش رابطه با آمریکا ببرد.

آخرین بخش سناریوی حل مسئله گروگانها را، رجائی نخست وزیر "مکتبی" اینطور اراشه میدهد:

"انشاء الله امیدواریم که بزودی مسئله ای بنا میگردد که آنها نماندند ششم... زیرا هم - چنانکه قبلاً گفته ایم این مسئله برای ما بصورت یک مسئله مرده ای است، برای اینکه دیگر از دست و پا گیری وقت گذرانی بیرون آمده باشد، جوابها می تهیه کرده ایم که به عنوان آخرین پاسخ بوسیله نماینده دولت الجزایر که برای همین منظور به ایران آمده است، به دولت آمریکا اعلام خواهم کرد، دیگر این آمریکا است که می تواند در هر موقع یا هر روز برای عیدیا تولد یا هر مسئله ای که میخواهد جاسوسان را از ایران ببرد" (جمهوری اسلامی، ۲۶ آذر)

زهی وقتا حتم و بیشرمی! رژیم که ۲۴ ماه تمام از واقعه سفارت تا با مرور پیش از آن داد سخن از مبارزه با امپریالیسم آمریکا میداد و سردمداران آن خواستار اصطلاح محاکمه جاسوسان و امپریالیسم بودند و در همین رابطه

کمونویستها را که برده عوام فریبی رژیم را می - دیندند، "فدائقلابی" خوانده و سرکوب میکردند، امروز با خفت و خواری تمام خواستار آنند و از امپریالیسم آمریکا اجزانه میخواهند تا با سپردن تضمینی به دولت الجزایر هر زمان که میخواهد گروگانها را از ایران خارج کنند. رژیم جمهوری اسلامی که در عوام فریبی گسوی سبقت را از رژیمها برده و روزوشب ارگانهای تسلیحاتی آن و رد مسارزه خدا میریالیستی سر میدهد و مدعی به از انودر آوردن "شیطان بزرگ" هستند، امروز بیش از هر موقع دیگر دست خود را رو می کنند، و برای برقراری رابطه با آمریکا و گسترش آن حاضر است به هر گونه سازش خفت باری تن در دهد.

نخست وزیر، معاون او و سایر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در روزهای اخیر موزان کوشیده اند تا ذهن توده ها را حتی نسبت به شرایط بسیار نازل و چهار رگانه ای که در ابتدای امر مجلس جهت آزادی گروگانها مقرر کرده بود، منحرف ساخته و سپردن تضمین ۲۴ میلیارد دلاری آمریکا در نزد دولت الجزایر را بجای آن قرار دهند و خفت با برتر از آن حتی همین تضمین ۲۴ میلیارد دلاری را تحت فشار آمریکا و بدخواه ها و به میزان بسیارنازلفتی کاهش دهند!

روزنامه اطلاعات ۱۱ دیماه ضمن اعلام آخرین نتایج مربوط به آزادی گروگانها مینویسد: "به گفته محافل وابسته به وزارت خارجه آمریکا، و اشتگتن پیشنها کرده است که مبلغی در حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار به یک حساب مسدود شده در الجزایر واریز کنند تا به محض آنکه ۵۲ گروگان به مقامهای آمریکائی تحویل داده شدند به حساب دولت ایران انتقال داده شود."

دست مریزاد! واقعا هم که جا دارد این مبارزه "خدا میریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی از طرف رئیس جمهور و دیگر مقامات آمریکا مورد تأیید قرار گیرد و امپریالیستهای آمریکا میسر و فراوان خود را از جل شدن مسئله گروگانها و نتایجی که به بار خواهد آورد ابراز دارند

روزنامه فوق الذکر در این مورد میگوید: "کارتر تا کید کرده که آمریکا بوسیله نمایندگان الجزایر بر پیشنهاهای ما قلانه ای برای پایان دادن به مسئله گروگانها ارائه داده است و افزود: خیال میکنم که بنفع ایران و مسلمانان بنفع ایالات متحده است که پیشنهاهای تازه ما را بپذیرند."

این روزنامه ها ما فاه میکنند که: "و این کریستوفر مامون وزارت امور خارجه آمریکا دیروز اعلام کرد: پاسخ تازه ایالات متحده به تهران میتواند حداقل بحران گروگانها باشد."

اکنون توده ها رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران آنرا مخاطب قرار میدهند و از آنها

میسرند که راه حل آمریکا برای بحران گروگانها چه چیزی جز قبول شرایط آمریکا و در یک کلام سازش خفت بار با امپریالیسم و صحنه گذاشتن بر تمامی روابط امپریالیستی آمریکا و ایران و با زسازی سیستم سرما به داری در ایران میتواند باشد؟ و صد البته که پذیرش چنین شرایطی از سوی ایران، نه یک امر متعاضی و فرعی، بلکه بعنوان جزئی از سیاست عمومی این رژیم در ارتباط با ماهیت فدخلقی و سرما به داری آن قابل تحلیل بوده و از همین رو کمونیستهای راستین برخلاف رویزینیستهای و یورتونیستهای برخلاف نیروهای ناپیگیردموکرات با حرکت و درک اصولی از ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم از همان فردای قیام هیچگونه مشروعیتی برای هیئت حاکمه کنونی (در هر شکل و ترکیب آن) فائل نبوده و بیگیرا نه به افشای ماهیت و عمل کردهای خائسانه و خیانتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب آن، در نزد توده ها برداشته و می بردازند. در همین رابطه کمونیستهای راستین اقدام عوام فریبانه و اصطلاح فدا امپریالیستی اشغال سقازت را از سوی جناحی از هیئت حاکمه وقت، بدرستی برای توده ها توضیح داده و هدف های فدخلقی ایران که رژیم جمهوری اسلامی از این اقدام دنبال میکند، در طول ۱۵ ماه گذشته افشا کرده و خواهند کرد.

هرگاه کارگران و زحمتکشان میهن ما در گذشته و ابتدای کار در برخورد به هیئت حاکمه و ماهیت آن بدلیل مختلف دچار توهم و خویش باوری بودند و واقعاً تصور میکردند این رژیم قادر است به خواستهای اساسی آنها پاسخ گوید لیکن با گذشت زمان و در پرتو تجربه روزمره خویش و به برکت کارگزاران که گران کمونیستها به تدریج دریا فته و درمی یابند که این رژیم نه میخواهد و نه میتواند، یک رژیم خدا میریالیست باشد.

اعتصاب کارگران، راهپیمائی و تظاهرات زحمتکشان و آوارگان، مبارزه مسلحانه خلق کرد جنبش و جگیرنده دانش آموزی و معلمان در مدارس... همه و همه بیانگر وحدت یابی مبارزه طبقاتی و سمت رو به رشد جنبش توده ای و ضعف و زلزله رژیم در سرکوب این جنبش و تشبیه قدرت ماشین دولتی است. بگذار لیبرالها و حزبها، بنی مدرن و بیخشیها بجان هم بیفتند توده ها در روند تکامل مبارزه طبقاتی خویش و با رهبری پرتوان پرولتاریا هر دو جناح ارتجاعی و کل هیئت حاکمه را به زباله دانسی تاریخ خواهند افکند و نیروهای سیستم سرما به داری کنونی، بنای جمهوری دموکراتیک خلق و سپس نظام سوسیالیستی را پی خواهند ریخت، آنروز دور نیست.

برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق!

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

# جنبش کارگری



## تسمینار انجمنهای اسلامی کارخانجات: توطئه چینی بر علیه کارگران

روره‌های ۲۶ تا ۲۸ آذرماه، "تسمینار" از انجمن - های اسلامی کارخانجات در محل "خانه کارگر" تهران برگزار گردید، در این جلسات که با مسدا توسط ریخت و برپور و سرکارا مساج کرد شد، سخنرانان مخلصی صحبت کردند که در واقع همگی به تکرار یک مطلب پرداختند که اساسا هدف تشکیل این جلسات و توطیعه انجمنهای اسلامی، میباشد

انجمنهای اسلامی که بوسیله حزب کمپرسی اسلامی تشکیل و هدایت مسوند در بسیاری از کارخانجات بوجود آمده اند و وظیفه‌ها سوسی برای سرما به داران و سرکوب مبارات کارگران را بعهده دارند، این انجمنها عمدتا از سرپرستها، عنا صرذکا رکروکارگران مسووم و نا آگاه، تشکیل میشوند، ما در پیکار ۸۶ به بررسی ماهیت و وظایف ضدکارگری این ارگانهای سرما به داران پرداختیم، ما آنچه که در اینجا قابل توجه است دفاع آشکارا و مفا مات رژیم و انجمنهای اسلامی از منافع سرما به داران میباشد، در این جلسات به اصطلاح کارگری از چیزی که صحبت نشد خواسته ها و منافع کارگران بود، بطور کلی هدف از تشکیل این سمینار بقرا رزیر بود:

۱- هر چه بیشتر انجمنهای اسلامی را تقویت و تشبیه کنند، تا با آرا دی عمل بیشتری به وظایف سرکوبگرانه و ضدکارگری خویش در کارخانجات با حمله عمل بیوشا کنند ار همین روست که رجاشی در محاسب افتشا حه اش مکتوبید: "انجمنهای اسلامی نه تنها با بدما نند، بلکه باید نانشد بعینه در صفحه ۲۶

## اخبار کوتاه کارگری

روز ۵۹/۸/۳۰ از طرف دولت، کارخانه کشمیر را تعطیل میکنند و حقوق و مرانی کارگران را نمی پردازند و لذا تعداد ۱۲۰۰ نفر کارگران این کارخانه سکا رسوسد، سکا سات کارگران هم طبق معمول به سسجای نمرسد، بدین ترتیب عده دیگری از کارگران و رجنسکان کشور توسط رژیم پیدا می کنند و فلاکت ناسی اریسکاری در می غلطند.

### گیلان

سعدا رمبارا با خبر ما سانه کارگران کار

## افزایش تولید: راه کارگر به دنبال رویزونیستهای "اکثریت"

آنحالی که راه کارگر و رویزونیستهای اکثریت در امر روز زیدن به ان سارور و زوایی سکا مکرگورس گذاشته اند، سرخوردن به سکا فشارشان در دفاع از منافع بورژوازی لازم میباشد، در شماره های ۸۰ و ۸۱ پیکار مخلصی دانشیم راجع به "افزایش تولید"، که طی آن به ما هیت سرما به داران رویزونیستی ان شعا در شرایط موجود، اشاره کردیم، و از جمله به بررسی انحراف رویزونیستی راه کارگر در این مورد پرداختیم.

بعینه در صفحه ۲۶

رژیم با استفاده از جنگ ارمجای کمونیستی فرصتی بدست آورد تا شعار "افزایش تولید" را هر چه گسترده تر تبلیغ نماید، علاوه بر رویزونیستها که در این امر به ساری رژیم سافتنند، پاره ای از نیروهای منززل نظیر راه کارگر نیز بدام ان سارور و زواری در غلطیدند، از اینرو نشان دادن ماهیت ان سارو اینکه چگونه تزلزلات رویزونیستی به دشمنان روی از رویزونیستها منتهی مکنر ده، ضرورت میباشد، ما در گذشته به این احرفات سرخورد کردیم ولی از

## مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی: حل بیکاری و کسب استقلال با عوام فریبی

داری وابسته ایران است و تا زمانیکه سیستم سرما به داری وابسته حاکم است هیچکدام از عوارض فوق و دیگر عوارض سرما به داری قابل حل نیستند و رژیم جمهوری اسلامی که کم تر خدمت سستم و سازشی آن بسته است به می خواهد و نه میتواند با برنامه هاشی نظیر مرکز گسترش تولیدی و عمرانی به این مسائل جواب دهد، در ابتدای به اجراء آمدن این طرح مقیدار زیادی کارگرماده و بدیلمه بیکار ۰۰۰ برای بدست آوردن کار به اینگونه شرکتها روی آوردند، ولی رفته رفته قول و قرارهای اوله سارا مرکز گسترش ریک مینا زدوا عماد شرکتهای تعا ونی در مسائل کوهی از مشکلات و سفا دهسا قرار مکنرند، علاوه بر ضعفها و مشکلات داخلی که ناشی از کم تجربگی و نداشتن سرما به هداسنت کشنده از طرف مرکز است، دهها بنداشن شرکتها را تحت کنترل مرکز قرار داده است و کلا ایسی شرکتها در متن یک سیستم سرما به داری وابسته حرکت میکنند و طبیعی است که خود وابسته سرما به های بزرگ خصوصی و دولتی قرار گرفته و نتیجه تلاشهای اعفا بطرق مستقیم و غیر مستقیم

بعینه در صفحه ۲۸

مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی، ارگانی است که در بسیاری از استانهای کشور تشکیل شده و وظایف آنها را است که به دو مسئله بیکاری و وابستگی اقتصادی پاسخ دهد، برنامه احرایشی مرکز گسترش به ان ترتیب است که دولت اعتباری در اختیار این مرکز قرار داده و مراکز گسترش در استانها از محل این اعتبار وامهایی در اختیار شرکتهای تعاونی که از بیکاران (کارگر، بدیلمه یا لاتر) تشکیل شده، قرار میدهند، شرکتهای تعاونی که تقریباً بین ۵ تا ۲۰ نفر عضو دارند، با این وام در یکی از رسته های صنعی، کشا ورزی و یا عمرانی سرما به گذاری میکنند، روشن مسودن ماهیت ایسی حرکت و اهداف واقعی رژیم از آن، خودنیا زبیه بحث جدا گانه ای دارد که در فرصت دیگری به آن سرچورد خوا هم کرد ولی آنچه مسلم است، اینست که مسئله مهم و درجه اول برای هیت حاکمه ایران سازشی سرما به داری وابسته و با چنین هدفی سکا رستن برنامه هاشی است که جریان کش سرما به را به نفع سرما به داران تسهیل و تسریع نماید، مسئله بیکاری و مسئله وابستگی اقتصادی هر دو از مفا مات لاسک اقتصاد سرما به

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



## کارخانه سپهان سپاهان: دستگیری ۱۵ کارگر مبارز!

بی اثر بودن حمله‌های خودی میبرد، به‌حماق سرکوب متوسل گردیده، و با سداران سرمایه‌را به کمک متطلبید، با سداران نیز در دفاع از سرمایه وحشانه‌ها جان کارگران می‌افتند و پس از ضرب - و جرح کارگران حدود ۱۵ نفر از آنها را دستگیر مینمایند.

رژیم جمهوری اسلامی که مخصوص پس از جنگ ارتجاعی کنونی، درگیر بحران‌های حادثه‌گشته است با اعمالی نظیر افزایش قیمت بنزین، اخراج کارگران و کارکنان موسسات دولتی، قطع سود و سزه و غیره سعی دارد تا فشار را بین حوزان اقتصادی را بردوش کارگران و زحمتکشان وارد آورد. قطع ایاب و ذهاب کارگران سپهان سپاهان، یکی از صدها نمونه‌ها است که مدین منظور توسط رژیم نجا گرفته است.

خواستهای کارگران سپهان سپاهان عبارتند از: دریافت حق ایاب و ذهاب، آزادی کارگران زندانی، اخراج پاسداران سرمایه از محیط کارخان، بازگشت کارگران اخراجی به سرکار و... که تنها در سایه اتحاد و تشکیلات کارگران و ایجاد شورای واقعیست که این خواست‌ها را می‌توانند به پیروزی رسیده و خواست‌های فوق تحقق یابند.

در پی تصمیم رژیم مبنی بر اینکه "مراپای کارگران قطع میشود و بر حقوق آنها اضافه می‌گردد"، روز ۵۹/۹/۳۰ بخشنامه‌ای از طرف مدیرعامل کارخانه سپهان سپاهان، به سه کارگر کارکنان ابلاغ میشود که طی آن حق ایاب و ذهاب که روزانه ۲/۵ ساعت هست، قطع گردیده و در عوض مبلغ ناچیزی به حقوق کارگران اضافه میشود. کارگران مبارزان این کارخانه که بدستی به ما هیئت فدکا رگری این بخشنامه می‌برده بودند با اجتماع در جلوی دفتر مدیرعامل به اعتراض دست زده و شعارها بی درجهت مخالفت با این اقدام فدکا رگری و دفاع از حقوق خویش، دادند. کارگران سپس بمدت ۳ روز دست به اعتصاب زده و خواهان لغو بخشنامه مزبور میگرددند.

در جریان مسازره بحق کارگران مدیرعامل فدکا رگری به انواع حمله‌ها (از جمله تهمت زدن به کارگران انقلابی و کمک خواستن از سرمایه‌داران عوام مغرب) متوسل میشود تا شاید مبارزان را به انحراف بکشد اما کارگران فریب او را نخورده و با افشای عملکردهای ارتجاعی عوامل سرمایه‌داران، با روحیه انقلابی، مصممانه به خواستهای خود پایداری می‌نمایند. به همین دلیل مدیرعامل مزدور که مانند تمامی مرتجعین به

خانه پوشش بر علیه مزدوران رژیم، اکنون جسو کارخانه توسط عناصر فدکا رگری، اخراج آمیز گشته است؛ مقررات شدید حضور و غیبا با حرام میشود شدت کار را افزایش داده اند (کارگری که قبلاً روی یک یا دو دستگاہ کار میکرد اکنون مجبور است روی چهار دستگاہ کار کند)، از حقوق ناچیز کارگران به‌سپاهان جنگ کسر میکنند، بر علیه نیروهای انقلابی لجن پراکنی میکنند (مثلاً فالانژها با وقاحت تمام عامل کشته شدن دو پاسدار در جنگ را سازمان بیگانه معرفی کردند!) و... اما با تمام این وجود کارخانه حالت آش-زیرخاکستر را پیدا کرده! مبارزان کارگران همچنان ادامه دارند.

### پارس الکتریک

حدود یکماه پیش هیئت مدیره و شورای کارخانه پارس الکتریک (که روزی بنویسندگان نیز در آن عضویت دارند) اقدام به اخراج ۶ نفر از کارگران آن قسمت لوله‌کشی میکنند. کارگران قسمت لوله‌کشی بوسیله اعلامیه‌ای که به درود بخواهید خوانده نصب کرده بودند، ضمن طرح خواستهایشان مبنی بر یکی شدن ساعات کارشان با بقیه به افشای توطئه اخراج کارگران پرداخته و خواهان پشتیبانی تمامی کارگران از اخراجیان مشوند. سایر کارگران اخراج برادرانشان را شدیداً محکوم کرده و به حمایت از آنان می‌پردازند. در اثر فشار کارگران شورا و هیئت مدیره فدکا رگری مجبور به عقب نشینی شده و کارگران اخراجی را بر سر کار باز میگرداند.

### کارخانه دانش زاده

این کارخانه که تولیدکننده شکلات میباشد مدتی است که بحالت نیمه تعطیل درآمده و از ۱۵ کارگر آن بنی ۱۰ نفر را اخراج کرده اند. کارفرمایان این کارخانه همگی از حامیان سرسخت رژیم شاه بوده اند که اکنون نیر به احتکار محصولات و افزایش بی رویه قیمت آنها پرداخته اند. حال بسبت که یکی از کارفرمایان بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به کارگران گفته است که "این انقلاب آن انقلابی نیست که شما انتظارش را داشتید!"

آری، سرمایه‌داران زالو صفت بخوبی در یافتند که انقلاب نوده‌ها نیمه تمام مانده و رژیم جمهوری اسلامی هم برخلاف ادعاهایش و طبیعتش در دفاع از منافع کارگران و زحمت‌کنان، بلکه دفاع از منافع سرمایه‌داران است!

ابجا دشکل واقعی کارگران، دست به مبارزه زدند. این مبارزات همچنان ادامه دارد.

### مبارزه و اعتصاب در کارخانه ورزیده کار

کارخانه‌گونی پلاستیکی ورزیده کاردارای ۵۰۰ کارگر میباشند که مدتها حقوقشان را دریافت نکرده بودند. به همین دلیل کارگران خود اقدام کرده، با تشکل شورای کارگری تشکیل میدهند و سپس جنبشهای کارخانه را با فروش رسانده و پول آنرا بین خود تقسیم میکنند. شخصی از جانب دولت برای نظارت و کنترل به کارخانه می‌آید که کارگران را به تولد بیشتر فرما میخواند، اسن عنصر فدکا رگری که کارگران را تحت فشار قرار داده بود، زما نیکه بیک کارگر سیلی میزند، موجب برانگیختن خشم کارگران میشود و در نتیجه کشتک مطلق میخورد. پاسداران سرمایه که بسرای دستگیری اعضای شورا بکارخانه می‌آیند با مقاومت و اتحاد کارگران مواجه میگرددند. در نتیجه دست از بازتر بر میگرددند!

کارگران یکماه و نیم است که حقوق خود را دریافت نکرده اند و چند روز هم اعتصاب میکنند اما اخبار به علت تمام شدن مواد اولیه کارخانه میخوابد. مبارزات کارگران برای بدست آوردن حقوقشان و راه انداختن کارخانه ادامه دارد.

### درگیلان اتحاد کارگرانمان تشکیل انجمن اسلامی گردید

دو هفته پیش، کارگران کارخانه بستندگی خاور طی یک اجتماع با شکوه به افشای عوامل سرمایه‌داران که قصد داشتند با تشکیل انجمن اسلامی، مبارزات کارگران را منحرف و سرکوب سازند، پرداختند و با اکثریت آراء اجازه تشکیل انجمن جاسوسی را ندادند.

جریان از این قرار بود که رئیس کارخانه فومنت و معاون فنی استانداری به همراه عده‌ای از افراد ناآگاه طی جلسهای تصمیم میگیرند که کارخانه را تصرف کرده با کارخانه فومنت ادغام نمایند تا برای فریب کارگران در اجتماع کارگران خاور دم زکا رکردن برای رفاه کارگران میزنند ولی کارگران که این مزدوران سرمایه‌ها خوب میشناختند فریب نخورده و حتی اقدام به اخراج یکی از سردمداران وابسته به کارفرما می‌نمایند. کارگران بدستی میگفتند که انجمن اسلامی در کارخانه فومنت مدافع کارفرماست و لذا خواهان انحلال آن و تشکیل شورای واقعی خود گردیدند. بدین ترتیب نه تنها کارگران خاور اجازه تشکیل انجمن اسلامی کارفرمایان را در کارخانه خود ندادند، بلکه به همراه کارگران مبارزان کارخانه فومنت در جهت انحلال انجمن اسلامی این کارخانه و

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

# خلق ها و مسئله ملی



شماره ۵۴ "نبرد بلوچ" منتشر شد

پنجاه و چهارمین شماره نشریه "نبرد بلوچ" ارگان تشکیلات بلوچستان سازمان ما منتشر شد این شماره حاوی سرمقاله‌ای در افشای ادارات دولتی، مقالات افشاگرانه، اخباری از مبارزات توده‌ها، مقاله‌ای در مورد جنبش دانش‌آموزی در منطقه و سخنی با دانش‌آموزان انقلابی و... می‌باشد نشریه پیکار موفقیت رفقای تشکیلات بلوچستان را در بر می‌گیرد، سازماندهی و ارتقاء مبارزه ملی و طبقاتی رحمتکشان بلوچ و تلاش در جهت همبستگی خلقهای ستمدیده سرسرایران را آرزو میکند.

## ۷۰ تن از مزدوران ضد خلق

### در نبرد با پیشمرگان قهرمان کومله کشته و زخمی شدند

کامیاران ۱۱/۹/۵۹

به پیشمرگان کومله (بیل شهید یوسف) که از کمین روز قبل بیروزمندان به روستای "وشره‌ل" بازگشته بودند خسرمیرسد که تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسداران به قصد روستاهای "وشره‌ل" "تازه آباد" و "خامان" از طرف "بیلگا" گاشان در حال حرکتند. بلافاصله پیشمرگان در بلندیهای اطراف "وشره‌ل" و "گنگره" سنگرمیکینند. ساعت ۱۲ ظهر خودرو دشمن در زیر حما بت سلاحهای سنگین و توپخانه بیلگا هکاشان در حال حرکت بطرف "وشره‌ل" در کمین پیشمرگان قهرمان افتادند. در نبرد پیشمرگان با نیروهای رژیم که حدود ۵/۵ ساعت طول کشید، بیش از ۷۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند، و جندبیل خودرو آنها منهدم گردیده متاسفانه در این نبرد شجاعانه، ۶ تن از پیشمرگان جان برکف کومله شهید شدند و خون سرخ خود را و شیکسه انقلاب رهایی بخش کارگران و رحمتکشان نمودند. اسامی پیشمرگان شهید کومله عبارت بودند از:

- ۱ - کاک عبدالله کما نگر: روشنفکر انقلابی مسئول سیاسی بل و اهل "کوانه" کامیاران
  - ۲ - کاک غلام دولابی: رحمتکش آگاه و انقلابی اهل روستای دولاب کامیاران نمونه با زری از قاطعیت و شجاعت انقلابی
  - ۳ - کاک بهروز شهریاری (وریا): رحمتکش آگاه و انقلابی اهل سندیج نمونه پاک صداقت و مصیبت انقلابی
  - ۴ - کاک عابدین امانی: روشنفکر انقلابی ۱۸ ساله اهل روستای "بیرمقدار" کامیاران
  - ۵ - کاک علی حسینی: درجه دار آگاه و انقلابی مسئول نظامی یک دسته از پیشمرگان
  - ۶ - کاک حبیب الهه‌ادی قورقی: اهل روستای "قورق" از توابع کامیاران (نقل و تلخیص از خبرنامه ۹۹ کومله)
- بیکار ضمن تجدید بیمان انقلابی با خلق ستمدیده کرد و سازمانهای انقلابی آن خاطره انقلابی ۶ رفیق شهید از پیشمرگان انقلابی کومله را گرامی میدارد. درود بر تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد

## چاپاول رحمتکشان توسط خوانین در بلوچستان

در تاریخ ۵۹/۹/۹

عیسی خان مبارکی "همراه با عده‌ای به ده "کوه جنگ" رفته و به اهالی رحمتکش میگوید: "تا به من پول ندهید با تمام همراهانم در اینجا می‌مانم" رحمتکشان تهدیدات این ده از بیم جان بهرترتیبی ۵۰۰ تومان تهیه کرده و در اختیار خان خونخوا رقرار میدهند. دوروز بعد قاصد "بهرامخان شیرانی" به همان ده مراجعه کرده و به زور از رحمتکشان پول گرفته و میرود البته این چندمین بار است که "بهرامخان شیرانی" از روستایان ستمدیده منطقه مالیات میکنند. خوانین بلوچستان از یکطرف تحت عنوان خودمختاری با عوامل سرسپرده‌ای چون



عکسهایی از مراسم بزرگداشت رفیق پیشمرکه بیلگا رکرسهید نسور حسینی در سوکان



# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

### محاصره اقتصادی کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد

بیش از یکسال از محاصره اقتصادی کردستان میگذرد. آنچه که در تنگنای حلقه این محاصره بیش از هر عامل دیگر موثر بوده، رشد جنبش توده‌ای بطور عمده جنبش مقاومت خلق کرد بطور اخص اینکسوربحران اقتصادی حدت یابنده از سوی دیگر میباشند. بنا بر این محاصره اقتصادی کردستان علاوه بر اینکه حربه سرکوبگرانه - ای در دست رژیم محسوب میشود، بجزایری است که رژیم از طریق آن از بار فشار بحران اقتصادی موجود بر روی خود تا اندازه‌ای کاسته و آنرا بر خلق زحمتکش کردتحمل میکند.

محاصره اقتصادی که از طریق محاصره نظامی همواره با سرکوب و کشتار زحمتکش کردستان توارم بوده، در واقع آخرین حربه رژیم بعد از آزمودن کلیه روشها و شیوه‌های سرکوب جنبش مقاومت در طی دو سال گذشته میباشد. رژیم با اعمال سیاست محاصره اقتصادی در پی آنست که با تحمیل گرسنگی و قحطی بر خلق زحمتکش کردستان قهرمان را بسوی قحطی تمام عیار و مرگ و میر ناشی از گرسنگی ربیماری بسوق دهد. هم‌اکنون، چاه‌ها و حوضچه‌های اصلی استان کردستان یعنی بوکان - میاندوآب - تبریز - بیجار - آمل - سنندج - کرمانشاه و مهاباد - ارومیه تحت کنترل شدید ساداتان و ارتش و جاسوسان قرار دارد. نیروهای سرکوبگر رژیم از انتقال هرگونه مواد غذایی و داروئی به کردستان بشدت جلو گیری میکنند. کمبود مواد سوختنی و گرانی و قحطی بویژه در فصل سرما پیدا میکند. برنج کیلوئی ۴۰ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴ تومان، نفت در مناطقی اصلا وجود ندارد و در برخی نقاط بشکله‌ای نزدیک به ۱۰۰۰ تومان، بیک لنگه آرد ۱۸۰ کیلوئی نزدیک به ۷۰۰ تومان و دهها نمونه از گرانی سرما و مواد مصرفی، خلق زحمتکش کرد را در زیر شدیدترین فشار اقتصادی قرار داده است. به علاوه مزدوران رژیم، تسلط زحمتکش، بویژه روستاییان کردستان را برای تهیه حداقل آذوقه مورد نیاز بسیاری زنده ماندنشان با وحشیگری سرکوب میکنند. در واقع اهمیت محاصره اقتصادی و تا شیران برروند جنبش مقاومت از این جهت برجسته تر میباشد که رژیم همزمان با انجام این محاصره وحشیانه تر از هر زمان دیگر بفره سرکوب خلق کرد پرداخته است. بنا بر این هدف رژیم از انجام محاصره اقتصادی کردستان در مجموع چیزی نیست جز سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد و تسخیر کردستان. اما اینکه رژیم سیاست محاصره اقتصادی را چگونه در خدمت سرکوب کامل خلق کرد بکار میگیرد، نیازمند تجزیه و تحلیل جزئیات سیاست محاصره اقتصادی خلق کرد و اقداماتی است که رژیم در کردستان انجام داده و خواهد داد. این جزئیات بشرح زیر میباشند:

### مبارزه روستائیان جوانرود برای اخراج پاسداران سرمایه

روز ۲۱ آذر ۵۹ مردم روستای "غلفله" از طریق کوهها خود را به جوانرود رسانده و برای اعتراض به جنایات پاسداران پس از یک راهپیمایی دست به تجمن زده و به مدت دو روز اعتصاب غذا کردند. خواسته‌های متحصنین عبارت بودند از:

۱- اخراج پاسداران از منطقه جوانرود و روستا - های اطراف، گماردن نمایندگان مردم در تمام ارگانهای دولتی، مجازات ۳ پاسدار مرتجع که در آزار مردم بویژه زنان و دختران نقش فعالی داشتند.

۲- معاون فرماندار، رئیس سپاه پاسداران و فرمانده گروهان ژاندارمری با و در محل تجمن حاضر شده و ضمن مذاکره با ۲۰ نفر از نمایندگان متحصنین سعی میکنند تجمن آنان را برهم بزنند. نمایندگان متحصن وقتی با جوابهای سربالای مسئولین مواجه میشوند به مقامات جمهوری - اسلامی میگویند: "شما همان کسانی هستید که فسادهای، جناسی را آزاد کرده و برای سرکوب آنها نهایی زحمتکش فرستاده‌اید. ما می بینیم که شما نمیتوانید به خواسته‌های حقه ما رسیدگی کنید پس خودمان دست به بالای زنییم و حق خود را میگیریم!" در پاسخ آنها مزدوران رژیم گفتند که "شما چنین حقی ندارید و باید اذکاره بکار - های شما رسیدگی کند ما ۳ پاسدار مزبور را وحشت از غم توده‌ها فرار از ابر قرار ترجیح داده‌اند. آری! توده‌ها درمی یابند که حق گرفتاری است و باید بخود آنها از طریق مبارزه خستگی ناپذیر به تحقق خواسته‌هایشان برسند.

### ادامه بمباران روستاهای پیرانشهر توسط رژیم جمهوری اسلامی

۵۹/۲/۱۲

رژیم جمهوری اسلامی در اعمال سرکوبگرانه اش، روستای کردستان را همچنان مورد حمله هوایی قرار میدهد. بدنبال بمباران روستای "میرثاوی"، "خدرثاوی"، "بیلوکه" و... تا نمونه‌های جمهوری اسلامی با بمب و راکت به روستای "گانی بلاغ" (پیرانشهر) حمله کردند در اولین حمله ۶ نفر از اهالی آنجا بشدت زخمی شدند و چندین خانه مسکونی ویران گردیده گروه مدد پزشکی کومله در روستای مذکور به مداوای زخمی‌ها پرداخت.

(نقل از خبرنامه ۱۰۰ کومله)

بختیاری و ویسی رابطه دارند و از طرف دیگر برای گرفتن امتیاز بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی و چپاول زحمتکش به زدوبند و ملاقاتهای پنهان و آشکار (چندی پیش "قلمبر" فرما نده عملیاتی سپاه در زاهدان با محمدخان و... دیدار داشته است) با فرماندهان نظامی و مسئولین دولتی مشغولند. آنها برای چپاول زحمتکش همراه با تفنگچیان خود از این دهه آن‌ده روانند و از مردم پول و مواد غذایی بزرگ دریافت میکنند.

(نقل و تلخیص از نشریه بلوچ شماره ۵۲)

### "سربازان حرفه‌ای" و مزدور بر علیه خلق کرد

در شماره‌های گذشته استفاده سربازان مزدور را برای سرکوب خلق کرد آورده‌ایم. اخیراً گروهی از این "مزدوران" را در اردوگاهی در روستای "قلج" در نزدیکی میاندوآب مستقر کرده‌اند. این مزدوران در یادگان مرغان دوره دیده‌اند و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان حقوق دریافت میکنند و با "هرو روز ما موریت سرکوبگرانه" ۱۸۰ تومان حق ما موریت نیز میگیرند. این سربازان حرفه‌ای در سرکوب زحمتکش شهرها و روستاهای مهاباد، بوکان، ما شین دژ... شرکت دارند و با توپهای دورزن زحمتکش کرد را به خاک و خون میکنند.

در روزهای اخیر، به گفته یکی از همکاران مزدوران، دیده‌بانی "هدفی" را برای شلیک توپ معین میکنند. پس از شلیک توپ متوجه می‌شوند که تراکتوری ۴ سرنشین آن که دهقانان زحمتکش کرد بوده مورد هدف قرار داده و سرنشینانش را بطور فجیع به قتل رسانده‌اند.

آیا این کشتارهای وحشیانه استقامت و مقاومت خونین خلق کرد را میتوانند بشکند؟ مرکز!

### دستگیری جاسوسان توسط پیشمرگان

سفر ۵۹/۹/۲۹

در این شب پیشمرگان جنبش مقاومت وارد شهر شده و چندین جاسوس دستگیر کرده‌اند. این اقدام انقلابی پیشمرگان دلیر با استقبال پر شور مردم مواجه شده و ثابت نمودند که پیشمرگان به اتکا به حمایت بیدریغ اهالی شهرها قادر به نفوذ به شهرهای زیر سلطه رژیم میباشند. روز بعد مزدوران رژیم، به تلافی وقایع شب گذشته به بازرسی بدنی ما بران پرداختند که این عمل ساواک گونه با نفرت عمیق اهالی مبارز سقز روبرو شد.

## پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد

### بخشی از بنیانه "سازمان دانشجویان ودانش آموزان پیکار"

## "اوج نوین جنبش دانشجویی - دانش آموزی ووظایف مبرم ما"

جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی به مثابه بخشی از جنبش خلق در طی این دوران اعتدال انقلابی با ویژگیهای خاص خود در ارتباط تنگاتنگ با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان همواره ادامه داشته است.

اوجگیری جنبش نمیتواند دانشجویان و دانش آموزان انقلابی را در برنگیرد. مبارزات دانش آموزان انقلابی اگرچه از آغاز سال تحصیلی جدید نیز همواره وجود داشته اما در دوره اخیر ارتفاع سطح مبارزه و خواستههای آنان را به روشنی میتوان مشاهده کرد.

در همان حال که در کردستان سنگرهای رزم قهرآمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی حامی آن کلاسهای درس دانش آموزان انقلابی را میسازد، بازگشایی مدارس سقز نظاهرات عظیم دانش آموزان انقلابی را در همان جو خفقان و حکومت نظامی به همراه دارد. در مشهد و برخی شهرهای شمالی کشور و شهرهای آزادستان فارس نظاهراتی وسیع و سراسری دانش آموزان انقلابی با خواستههای مشخص سیاسی اوج نوین جنبش انقلابی دانش آموزی را ترسیم میکنند در تهران، قم، اصفهان و... نیز مبارزات دانش آموزان انقلابی، درگیریهای حاد و... علی رغم یکپارچگی و متحد و سراسری شدن آنها درجات بالای مبارزه را در اوج نوین جنبش دانش آموزی را رقم میزند. در همین حین جنبش دانشجویی مبارزات پنهان و آشکار خویش را متجلی میسازد پرچمهای مبارزه برای بازگشایی سنگرهای خونین دانشگاهها در دست دانشجویان انقلابی فشرده میگردد تا به هتزاز آژنده و عرصه نوینی از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را به پیش برد.

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در چنین شرایطی بروظایف مبرم زیر تاکید دارد:

### وظایف عملی ما

اولین وظیفه ای که در برابر هر نیروی انقلابی و کمونیستی در مواجهه با این اوج نوین جنبش قرار دارد، تعیین موضع نسبت بدان و ارائه محوری ترین شعار است که در جهت



تداوم و گسترش این مبارزه عمل نماید. بنظر ما با بررسی سطح جنبش دانش آموزی بخوبی میتوان مشاهده کرد که جنبش دانش آموزی اگرچه در گریسرات بسیاری، از مبارزه برای ایجاد کانونهای منمنی - سیاسی مبارزه علیه فرهنگ آموزشی ارتجاعی کنونی و... گرفته تا مبارزه با هر می در جهت گسترش انقلاب و نیز مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و... میباشد ولی عمومی ترین و محوری ترین خواستی که میتواند به بد جنبش انقلابی دانش آموزی را حول خود متشکل ساخته و به گسترش انقلاب خدمت کند مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت سیاسی میباشد. روشن است که این خواست پیوندی عمیق با مبارزه کنونی زحمتکشان آگاه جامعه علیه خفقان و شکنجه و ترور رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی این فرزندان راستین کارگران و زحمتکشان دارد.

دفاع از آزادی بخش اعلامیه، نصب روزنامه دیواری، فروش نشریات انقلابی، برپائی نمایشگاهها، جلوگیری از اخراج دانش آموزان انقلابی و... ابعاد و عرصه های گوناگون این مبارزه را ترسیم میکند. نگرشی بر آنچه اکنون در مدارس میگردد نشان میدهد که مبارزه حول خواسته های فوق جنبه اصلی مبارزات دانش آموزان را تشکیل میدهد. آن وظیفه ای که در پیش روی دانش آموزان انقلابی و کمونیست قرار دارد آن است که با درک اول سطح شعارهای مبارزه و نشانیا پتانسیل بالفعل جنبش انقلابی دانش آموزی که تظاهراتهای سراسری و متحد در جهت مبارزه برای کسب آزادی فعالیت های سیاسی را تصویر میکنند به سازماندهی آن بپردازد. عدم درک این مسئله بویژه جنبه سراسری بودن آن از انحرافات است که در نقاط بسیاری عمل کرده و قطعاً به جنبش ضربه میزند. این تظاهراتهای سراسری اکنون در بسیاری نقاط کشور عملاً برآه افتاده است. وظیفه ما است که با سازمان دادن تظاهرات - های سراسری در جهت مبارزه برای کسب آزادی

## دستگیری دانش آموزان انقلابی ابرانشهر بوسیله پاسداران ارتجاع

در تاریخ ۵۹/۹/۲۳ در ابرانشهر پاسداران ارتجاع در تاریکی شب برای چندمین بار به خانه های دانش آموزان انقلابی رخنه و نفرزات آنان را دستگیر می نمایند. پاسداران وحشیانه بدون خانه ها هجوم برده و در بار زری خانه ها حتی داخل مواد خوراکی را هم جستجو می کردند. سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در ابرانشهر در رابطه با این دستگیری ها اعلامیه چاپ نموده که قسمتهاش از آن را در زیر میخوانید:

"یکبار دیگر در ابرانشهر پاسداران ارتجاع با هجومی وحشیانه چند نفر از دانش آموزان انقلابی را دستگیر و زندانی کردند. پیش از این هم چندین بار شاخه ها بکنونه اعمال فاشستی در شهر ما بوده ایم از سوزاندن نشریات انقلابی گرفته تا اوج، دستگیری، حبس و تبعید کارگران دانش آموزان، معلمان و کارمندان مبارزان انقلابی....."

"دستان دانش آموزان در شرایطی که شاه عدالتی را بر سر جنبش نهاده ای هستیم دیگر سگوت و تسلیم در برابر این اقدامات وحشیانه جایز نیست. با بدبیا خیریم و همه ما هم متحد و یکپارچه صدای اعتراض خود را بگوش توده ها برسایم و به شکل مختلف (اعتصاب، تحصن، تظاهرات و...) به مقاومت در برابر ارتجاع و افشای ماهیت پلیدش بپردازیم."

امروزی تفتوتی و سگوت تنها نمیتواند ارتجاع را تشویق به ادامه حرکات سرکوبگرانه خود کند. امروز سگوت ما مفهومی جز بیست کردن به جنبش توده ای مبهتمان و جنبش خلقها (بخصوص خلق ستم دیده بلوچ) نخواهد داشت! مستحکم با پیوند جنبش دانش آموزی با جنبش کارگران و زحمتکشان و مرکز بر ارتجاع دشمن آگاه توده ها سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار ابرانشهر - ۵۹/۹/۲۴

فعالیت سیاسی مبارزات را هر چه بیشتر از شکل خود بخودی بدر آورده، آن را جهت دهیم و این اهرم بر قدرت مبارزه انقلابی را به بهترین صورتی در خدمت انقلاب قرار دهیم. از مهمترین ابزارهای تحقق این عمل برپاشی شوراها و انقلابی دانش آموزان است. از آنجا که اکنون صفوف پیشرونده انقلاب نیساز

# دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

### ساری: یورش ارتجاع ومقاومت مردم

بدنبال درگیری های ساری که منجر به شهادت داد و سلمیانی از هواداران مجاهدین خلق گردید (۲۶ آذر ۵۹)، در روز ۲۹ آذر ماه یکی از اوباش "حزب" قصد حمله به بساط کتا بفروشی مجاهدین در خیابان طالقانی را داشت که موفق نشد و در حالیکه در دستش یک "سه راهی" داشت فرار کرد. عده ای از مردم وارد دنبال کردند تا دستگیرش کنند ولی وی در خیابان انقلاب "سه راهی" را به سوی آنان پرتاب کرد که در اثر انفجار آن ۶ نفر زخمی شدند و شیشه های چند مغازه شکست.

مردم زخمی ها را به بیمارستان برده و با تجمع در مقابل آن با شعارهای "مرگ بر ارتجاع" "مرگ بر آمریکا" و... تنفر خود را از اعمال ننگین مرتجعین نشان دادند. در فاصله زمانی کوتاهی عده مردم به هزار نفر رسید که با شعارها - یشان نفرت خود را از ارتجاع نشان دادند.

بدنبال این حوادث ۲۰ مادرمبارز برای اعتراض به یورشهای مرتجعین در استان ساری تحصن کردند. آنان میخواستند از دستگیری پاسدار قاتل شهید سلمیانی و قاتلان ژرمناب کنننده "سه راهی" مطمئن شوند. ما در آن مبارز می گفتند که ایندو حتما از ادخوا هندند و لذا می - خواستند تا هدما زات آنها باشند.

### قم: اعتصاب مجدد رانندگان تاکسی

شنبه ۲۲ آذر: بدنبال اعتصاب رانندگان تاکسی قم در روز ۲۱ آذر ماه جهت اعتراض به گرانی بنزین و نیز تحویل ۱۸ کوپن بجای ۳۰ کوپن و بدقولی مسئولین در رسیدگی بخواست آنان و نپرداختن ماهه لنگاوت (لیتری ۲۰ ریال) اکثریت رانندگان تاکسی مجددا در روز شنبه ۵۹/۹/۲۲ دست به اعتصاب زدند تا صدای خود را بگوش زحمتکشان شهر برسانند. آنان پس از مراجعه به دفتر خبرگزاری پارس به سمت شهربانی حرکت کردند و در مسیر با مزاحمت و تفرزات و اوباشان مشهور قم روبرو شدند و پس از درگیری کوچکی در اثر همبستگی رانندگان و دخالت پلیس در جلو شهربانی اجتماع کردند. تاکسی رانان زحمت کش با دادن فرصتی به شهربانی در جهت انجام خواسته یشان بطور مشروط بر سرکار برگشتند. رانندگان تاکسی قم در اعتصاب قبلی موفق به دریافت ۴ کوپن اضافی شده بودند و به یقین با اتحاد و تشکل خود داد و ستد مبارزه خواهد ساخت. عا دلتان شان نیز خواهد رسید.

### پرچم نبرد انقلابی برای بازگشائی دانشگاهها را برافرازیم

اکنون که عوام غربی های رژیم در زمینه های مختلف از جمله "انقلاب فرهنگی" دروغین و ارتجاعی اوباشی توده ها بیشتر و بیشتر آشکار میشود، اکنون که مسئله بازگشائی دانشگاهها در ذهن توده ها مطرح گردیده و جناحهای گوناگون رژیم را به موضعگیری برسر آن کشانده است، اکنون که کارگران و زحمتکشان در نبردی "باید شدت بیشتر به فتح سنگرهای جدید و گسترش انقلاب مشغولند، وظیفه ما ست تا با برافراشتن پرچم مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها - اولاً شرکت فعال در گسترش انقلاب و فتح سنگرهای جدید نماشیم و از سوی دیگر لائوترا تیاو انقلابی در رابطه با این مسئله مطرح برای توده ها را برافرازیم. به توده های زحمتکشان نشان دهیم که در نبرد ما هر چه بایده یاری دوستان واقعی و همبستگیشان دانشجویان انقلابی بشتابند.

بازگشائی دانشگاهها به پیش و پیش از هر چیز برای ما از این زاویه مطرح است که دانشگاهها همواره از سنگرهای پایدار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده است. بازگشائی دانشگاهها بویژه در شرایط کنونی که توده ها تشنه آگاهی انقلابی هستند قطعاً زبشتیبانی توده های بر - خوردا شده و ثابتنیا برضای وسیعی از فعالینست انقلابی بشیوه علنی که از ضروریات پاسخگویی به مسائل کنونی توده ها ست را به روی نیروهای انقلابی خواهد گذشت.

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی! توده های زحمتکش و مبارزان! اوج نویین جنبش توده ای و از جمله جنبش دانشجویی - دانش آموزی که در قله خویش افق خونین رهائی زحمتکشان را برپیشانی دارد به حرکت درآمده است. گسترش مبارزات توده های انقلابی و زحمتکش رژیم را مستأصل تر ننموده و امکانات فراوانتری برای فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست فراهم آورده است و در همان حین وظایف جدیدتری را در برابر آنان قرار میدهد. مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیت های سیاسی و بازگشائی سنگر خونین دانشگاهها - اکنون در دستورکار ما قرار دارد.

با تمام توان خود به تبلیغ حول ایسن دو محور اساسی جنبش انقلابی دانشجویی - دانش آموزی و سازماندهی جنبش برای پیشبرد آن بشتابیم!

۵ دیماه ۵۹



به همسویی و فشرده تر شدن نیروهای انقلابی را در دستنها با تمرکز و همسویی هر چه بیشتر و فو مبارزین انقلابی است که میتوان هر چه بیشتر و بهتر این اهرم را در دست گرفته بر آن مسلط شد و آن را در خدمت انقلاب قرار داد. اینجا دشواری های انقلابی دانش آموزان از اهمیت زیادی برخوردار میباشد. ارتباط فعال شوراهای انقلابی دانش آموزی مدارس مختلف از لزوم ت سازماندهی و هدایت جنبش سراسری میباشد. روشن است که ما هرگز برپاشی شوراهای انقلابی - دانش آموزی را لائوترا تیاوی در برابر فعالیت مستقل خود قرار نمیدهیم. ما همواره بر تبلیغ و ترویج نظرات سیاسی - ایدئولوژیک تشکیلاتی خود پای فشرده و سازماندهی توده های دانش آموزی و این نظرات را در دستورکار خود قرار داده ایم. اصولاً تبلیغ لائوترا تیاو کمونیستی جنبش دانش آموزی و لائوترا تیاو انقلابی - دمکراتیک این جنبش لائوترا تیاوی در برابر یکدیگر نیستند. عدم توجه به طرح و رشد لائوترا تیاو کمونیستی جنبش دانش آموزی به غلبه بهترین خط مئی برجینش انقلابی دانش آموزی ضربه زده و سبب میگردند تا خط مئی های انحرافی این جنبش را به کجراه بکشند. همچنین عدم توجه به لائوترا تیاو انقلابی دمکراتیک سبب میشود که در امر تمرکز و همسویی نیروهای انقلاب دچار شکست شده و تفرقه و تشتت و پراکندگی را افزایش دهد!

بسیار نیه سبب ضمن برخورد به انجمن اسلامی مدارس و دانشگاهها و لیبرالها و مواضع خائنانه سه جها نیهها، توده ایها و فدائیهها (اکثریست) و نیز افشای تزلیلات نیروهای انقلابی چون مجاهدین و راهکارگر و موضع تا شدید شرکت هواداران انقلابی مجاهدین در مبارزات دانش آموزی به تشریح موقعیت جنبش دانشجویی میپردازد ما بخشهای دیگری را به در مورد جنبش دانشجویی میاوریم:

رژیم جمهوری اسلامی که در پی افته بود - دانشگاهها این سنگرهای خونین مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اهرمهای اساسی در دست نیروهای انقلابی برای گسترش مبارزه و افشای رژیم هستند. رژیم جمهوری اسلامی که چه در طی سالها حاکمیت ننگین پهلوی و چه در دوران دوساله حکومت خود در پی افته بود که این سنگرها سنگرهای همیشه جاودانند و هر یورش مزدورانش با مشت محکم و پولادین دانشجویان انقلابی پاسخ داده شده بود تنها راه چاره خود را در تعطیل دانشگاهها میدید. پس استفا دهان حربه کهنه ارتجاع که رژیم مزدور پهلوی با رها ز آن استفا ده کرده بود مورد آزار ما بش مجدد رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد و انقلاب فرهنگی" پوششی برای تحقق منافع مرتجعان رژیم میگردد.





کلیشه عین دستخط مترجم دانشجویان خط امام که ترجمه حلاصه‌ای است مربوط به سند آقای بهشتی

۳ - یک نکته در حاشیه این سند: مترجم در بالای صفحه متذکر شده است که: (السته می دانیم که خطا پس به دانشجویان خط امام بوده) "در صورت مهم بودن ترجمه کامل"

ولی گویا از نظر دانشجویان خط امام این سند حاوی هیچ مسئله مهمی نبوده که ترجمه کامل آن را نخواسته اند تا آنجا که حتی لازم نبوده اند همین خلاصه را برای مردم ایران افشا کنند.

از: سفارت

به: RUEHA, S.W. P.

کراشکر: LAINGEN

موضوع: ملاقات با بهشتی

شماره: 554

تاریخ: 29 OCT (۷ آبان ۵۸)

مرجع: CNI

آدرس سند: 554 نوامبر ۹ ترجمه خلاصه مطالب

مهم در صورت خیلی مهم بودن، ترجمه کامل

۲- بهشتی با احساسات افکار عمومی را در مورد هرگونه کمکی به شاه مخلوع یادآور شد در مورد ارسال قطعات بدکی نظامی و قرار دادهای با رگانی سوال کرد، و به شایعات وسیع در مورد دخالت CIA در کردستان اشاره نمود و گفت که حمایت لفظی آمریکا از انقلاب کافی نیست و بیشتر عمل لازم است تا حرف

۴- ما با تاکید بر نظریات مبنی بر اینکه ایجاد نهاد های جدید دولتی بوسیله دولت موقت نمیتواند به منافع آمریکا و ایران خدمت کند آرزوهای نیکی دولت و مردم آمریکا را ابلاغ نمودم.

Precht نظرات ایشان را در مورد روابط ایران و آمریکا و آنچه در این زمینه انجام میشود جواب داد.

۵- بهشتی بر روی سه مسأله تکیه کرد، اول شاه اوگند ایران نمیتواند هیچ گونه حمایتی را از جانب هر کشوری که با ندرست به شاه تحمل کند

۶- مسأله دوم روابط با رگانی بود و این که این روابط در دوران انقلاب با حالت عادی فرقی میکنند و آمریکا با سبب جلوگیری از بسته شدن حسابهای ایران توسط دادگاههای آمریکا کمک کند.

۷- مسئله سوم این که آمریکا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر ایران قطعات بدکی نظامی را تعمیر نکرده و اطلاعاتش در زمینه نظامی کم بود

۸- من به مسأله‌ها بهر دو اتم و او را Precht خواستم تا نقطه نظرهای آمریکا را در مسائل ذکر شده توضیح دهد من تاکید کردم که همان طور که به سختی و زیربوردی گفته ام آمریکا شاه را به رسمیت نمی شناسد و فقط برای معالجه آمده و از هرگونه فعالیت سیاسی وی بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران جلوگیری خواهند نمود.

۹- بهشتی هیچ اعتراضی به این مسأله نکرد و

در مورد شایعات دخالت سیا در ایران، کردستان و غیره سوال کرد، من گفتم این شایعات بسی اساسی است و نه سیا و نه دولت آمریکا خود را در هیچ مسأله‌ای که تمامیت ارضی ایران در آن مطرح باشد وارد نخواهد کرد. من این اطلاع را با آگاهی کامل از فعالیت های امریکاداران می توانم به وی بدهم، این کاملاً برخلاف منافع ما در مورد تمامیت ارضی ایران است که بخواهیم

به هر شکلی در کردستان مشکلاتی ایجاد نکنیم.

۱۰- Precht گفت تا بحال برای حل بعضی مشکلات مالی آمریکا تلاش خود را کرده ولی از جانب ایران همکاری لازم با دادگاه های آمریکا نشده و ایران در بعضی قسمت ها کاملاً موفق بوده ما به دولت متذکر میشویم که زهرا قدامی برای حل این مشکلات و برای تحکیم روابط اقتصادی - تجاری با ایران فروگذار نخواهیم کرد، ولی دولت نیز باید بدانند که دولت آمریکا نیز به محدودیت هایی از نظر قانونی و غیره و ملاحظات سیاسی نسبت به نقشی که می تواند بازی کند روبروست.

۱۱- در مورد قطعات نظامی Precht مراحل را که توسط آمریکا متذکر شد و این که از ماه ژوئیه به این طرف هیچ مانعی برای نقل و انتقال قطعات از طرف دولت آمریکا ایجاد نشده.

۱۱- مشکلاتی در مورد ادخا ص بوده ولی آمریکا مایل است تا حرکت قطعات را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تامین شود، ما همچنین خواهیم تا در مورد تهیه قطعات بدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری کمک باشیم و در این زمینه احتیاج به اطلاعات مشخص داریم.

۱۲- بهشتی به پشتیبانی وسیع مردم از انقلاب اشاره کرد و گزارشی که شایع شده در مورد توطئه های منجمده در ارتش و او گرجین کودتا-ئی بشود آمریکا به سبب نقش وسیع در ارتش مقرر شده خسته خواهد شد سخن بهشتی از کودتا این طور نبود که احتمال موفقیت برای آن قائل باشد بلکه موفق نخواهد شد و هرگونه تلاشی از این نوع مشکلات جدی برای دولت آمریکا در ایران ایجاد نخواهد کرد، رهبری انقلاب تصمیم گرفته تا در چرخه رجویی "دوستانه و مثبت" به آمریکا و غرب نزدیک شود، ولی آنها عمیقاً بدبین هستند.

۱۳- با احترام به روابط نظامی ما با ایران فرصت ها را مختصم شدیم تا به اندازه ای گروه ارتباطی نظامی ما را اشاره کنیم. هیئت مستشاری ARMISH, MAAY از نظر تعداد خیلی زیاد بودند اکنون به ۶ نفر تقلیل یافته که فقط به منظور حفظ تماس با طرف ایرانی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت میباشد.

۱۴- Precht با یادآور شد که دردمترس درواشنگتن گاهی با افرادی از طبقه متوسط و حرفه ای سر - خورد نموده که اس احساس را داشته اند که در فضای سیاسی ایران جایی برای آنها نیست در حالی که قبلاً با شاه نیز مخالف بوده اند، و از

بهشتی خواست تا نظر رهبری انقلاب را در مورد کماسی که بطور روزافزونی دل سرد و مخالف با جریان انقلاب میشوند توضیح دهد.

۱۵- بهشتی قبول کرده که اشتباهاتی شده که غیر قابل اجتناب بوده، رهبری می دانند که سعی توانند بویاری به دور ایران بکشند و آن را از نفوذ خارج منفرد سازد با ایران را از منابع تکنولوژی و بارگانی که در مورد تیزاز آن است محروم سازد، رهبری انقلاب "مرزهای باز" می خواهند مرزهای بسته اکثریت به اقلیت یک میلیونی که حامی انقلاب نیستند اجازه اعمال نظرنمی دهد البته نظر رهبری آنست که اقلیت اقلیت نیز به کار گرفته شوند و در این جهت تلاش میکنند.

۱۶- تفسیر: آنها را ت بهشتی بیشتر این طور به نظر میرسد که منافع امریکارا به مابادآوری می کنند تا منافع ایران.

آنها را ت بهشتی به نظرمیرسد که برای با د- آوری این نکته به ماست که کوشش برای تشبیه روابطمان بیشتر به نفع امریکاست تا ایران ایران انقلابی به نفع هم و حمایت آمریکا خوش آمد خواهد گفت. لیکن به هیچ وجه قصد نداریم بدان وابستگی پیدا کند.

حالا یکبار دیگر متن سند را مرور میکنیم:

۱- (بند اول مهم نبوده!)

۲- بهشتی در بند دوم، احساسات و افکار عمومی مردم علیه رژیم شاه و هر کسی که به شاه کمک کند اشاره میکند و در واقع دشواری وظیفه ای را که در سازش با دشمن بعهده دارد و دست او را تا حد زیادی بسته است یادآور میشود. او خواستار قطعات بدکی نظامی است و خواهان ادامه قرار دادهای با رگانی، رژیم جمهوری اسلامی البته برای سازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و بازسازی ارتش، چشم براه کمک آمریکا بوده است. اما میداند چقدر وقت آقای بهشتی چنین انتظاری را از آمریکا داشته؟ در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ یعنی ۲۷ آبان ۱۳۵۸ یعنی ۶ روز پیش از تصرف سفارت بوسیله دانشجویان پیرو...! آیا میبینید که آقای بهشتی رژیم جمهوری اسلامی چقدر "فدا مریا لیست" است؟! (سند سوم هم مهم نبود!)

۳- در بند چهارم آمریکا شیها از طریق جاسوس و ما مورخ دسار تا کید می کند و آرزوی ما اینست که دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد نهاد های جدید دولتی به منافع امریکاداران خدمت کند، چگونه ممکن است دولت و کلا رژیم جدید ما هیتی خلقی داشته باشد و در عین حال آمریکا انتظار داشته باشد که منافع خود را در آن منعکس ببیند، آیا این تفاهم بین بهشتی و شما اینستگان امیرالایم دقیقاً دنا له همان سازش و نوافقی نیست که بر سر سرشوست انقلاب سنی آمریکا و ارتجاع داخلی بعمل آمده؟ سولیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران، در

مجله مسائل خارجی چاپ آمریکا نوشت: "توصیه من به دولت آمریکا این بود که با ید زمتلاشی شدن ارتش در اثر انقلاب جلوگیری کنیم، به عقیده من بسبب ارتباط خاص آمریکا با ایران ما می بایستی می دیدیم که آیا می توانیم ترتیبی بدهیم که نیروهای مسلح ایران دست نخورده بمانندند؟" (پیکار ۲۲ مورخه ۲۴ شهریور ۵۹)

آیا تلاش بهشتی برای تحکیم روابط با آمریکا و تسریع در ارسال و تعمیر قطعات یدکی و "ایجاد نهادهای جدید دولتی" جز به منظور خدمت به منافع آمریکا و ایرانی که بدان وابسته میباشد بوده است؟

۵- در بند پنجم و ششم و هفتم هیچ سخنی از قطع وابستگی و امثال آن که اینهمه میلیون ها نفر از توده های زحمتکش میهن ما آنرا فریاد زدند و در راه آن اعتماد کردند، به غیبا بانها ریختند و گشته و زخمی دادند، مطرح نیست. فقط موضوع شاه مطرح است آنها البته از ترس مردم! مساله دوم اما به روابط بازرگانی است که بهشتی روی آن تاکید میکنند و از آمریکا کمک می خواهند که گذاردها حسابهای بانکی ایران در آمریکا بوسیله دادگاههای آن کشور بسته شود.

مساله سوم تا مین و تعمیر سریع قطعات یدکی نظامی است. بهشتی از آمریکا کله میکنند که "چرا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر قطعات یدکی نظامی بوسیله آمریکا تسهیلات تعمیر نشده است!"

۸- در ماده هشتم ما مورسفات نظر دولت آمریکا را در اثربرابر اینکه نظر دولت متبوع او شاه دیگر بعنوان یک مقام رسمی تلقی نمی شود و اینکه آمریکا خواستار "استقلال و تمامیت ارضی ایران" است را با زگومی نماید و بهشتی هیچ اعتراضی ندارد.

۹- در ماده نهم ما مور "سبا" تاکید میکنند که آمریکا در کردستان نقشی ندارد و اینکه ایجا دشکل در کردستان برای رژیم جدید ایران "بهرخلاف منافع آمریکا" میباشد.

۱۰- در بند دهم با زسخن از حل مشکلات مالی و همکاری دولت آمریکا با ایران در دادگاههای آمریکا است تا هرگونه مشکلی از سر راه تحکیم روابط اقتصادی و تجاری آمریکا با ایران بر داشته شود.

۱۱- در بند دوازدهم یکی دیگر از ما مورسفات سفارت بنام "پهرست" تاکید می نماید که از ماه مرداد ۵۸ برای ارسال قطعات یدکی نظامی به ایران مانعی ایجاد نشده است. طبیعی است وقتی رژیم ایران اسلحه را برای سرکوب خلق کرد و دیگر خلقهای مبارز ایران می خواهند، وقتی می خواهند کمونیستها و انقلابیون را نشان ندهند، وقتی هدف ایران از دریافت اسلحه سرکوب مبارزان و زحمتکشان است، چرا آمریکا اسلحه ندهد؟ هم میدانیم که زمانیکه اولین جنگ کردستان (درپا وه) شروع

شد و آقای چمران "برای بزم روزم" به کردستان میرفت، آمریکا ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه به ایران تحویل داد. حتی پس از جریان سفارت و "تجریم اقتصا دی" و غیره با زهم بطور مستقیم و غیر مستقیم اسلحه آمریکا بی ایران وارد شده است. ما اخبار و اسناد زیادی در این رابطه در پیکار (شماره های اخیر) منتشر کرده ایم.

۱۱- (مکرر در اصل) در این اسناد زط-رف آمریکا شیا تا کید میشود که آمریکا مایل است تا حرکت قطعات یدکی نظامی را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تا مین شود. در مورد قطعات یدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری هم آمریکا اعلام آمادگی مجدد می نماید.

۱۲- در بند دوازدهم بهشتی تاکید میکنند که "رهبری انقلاب" تصمیم گرفته تا در چهار رجویی "دوستا نه و مشیت" به آمریکا و غرب نزدیک شود. حالا خوب معنی "نه شرقی نه غربی" را می توان فهمید که اینقدر بی شرمانه بر سر آن داد و فریاد برآید.

۱۳- در بند سیزدهم ضرورت وجود هیات مستشاری نظامی برای تسهیل تهیه لوازم آمریکا توسط دولت جمهوری اسلامی مورد بحث و تأکید قرار میگیرد.

۱۴- در بند چهاردهم و پانزدهم ما مورسفات سفارت تلویحاً سخن از لیبیرالها می بعمل می آورد که در حال حاضر در آمریکا هستند و از رژیم فعلی ایران ناراضی هستند و می خواهند از آقای بهشتی می پذیرد که اشتباهاتی شده است.

هموطنان مبارز ما توجه دارند که منظور از اینگونه "اشتباهات" همان فشارها می باشد که توده های انقلابی میهن ما علیه کلیه وابستگان به رژیم سابق و امیربالیستها داشته اند. همان فشارها می باشد که آقای بازرگان آنرا به "سیل" تشبیه کرده و گفت ما "باران می خواهیم، سیل آمد!" (ترس از انقلاب و توده های انقلابی) با لاجرم آقای بهشتی که از دامه آن "سیل" که بنیان امیربالیسم و سرمایه داری وابسته را می خواست از ایران براندازد، در حد خود جلو گیری نموده از طرف رژیم جمهوری اسلامی تاکید می کند که "رهبری انقلاب" خواستار "مرزهای باز" می باشد نه "مرزهای بسته"! این حرف اگر مخالف صحبت آیت الله خمینی است که گفت "ما بهتر است دور خودمان دیوار بکشیم" تعجب نکنید. آخر حرف بهشتی مصرف خارجی داشته و حرف آیت الله خمینی برای مصرف داخلی گفته شده است و هر دو در یک خط است.

۱۶- در بند شانزدهم و در پایان گزارش ایمن ملاقات فضای بار، آقای بهشتی، چنان چشم اندازی را برای روابط ایران و آمریکا ترسیم نموده که ما مورسفات می نویسد: "اینطور بنظر میرسد که بهشتی "بشنر منافع آمریکا را به ما با داری می کند تا منافع ایران را!" این را میگویند که تولیدک ترازی با آقای

بهشتی از خود آمریکا شیا هم بیشتر برای منافع آمریکا دل میسوزاند و میکوشد تا آنرا از خشم توفنده انقلاب توده ها محفوظ نگاه دارد!

آقای بهشتی تا کید میکند که "ایران انقلابی (منظور رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی است) به شفا هم و حمایت آمریکا خوش آمد میگوید!"

شنگ و نفرت برآینده خیانت و مردم فریبی که بهشتی و امثال او دارند: از یک طرف گوش فلک را از با صلاح مبارزه ضد امیربالیستی پر کردن، آنگاه برای منافع آمریکا سینه چاک دادن و به انقلاب ضد امیربالیستی توده های خلق خنجر زدن.

۱۱- چهره دشمنان خلق را هر چه بیشتر افشا کنیم

۱۲- توده ها را نسبت به دشمنان نقابدار نشان

۱۳- هر چه بیشتر آشنا سازیم

۱۴- با کا رو فعالیت انقلابی و کمونیستی؛

۱۵- پرچم انقلاب دموکراتیک - ضد امیربالیستی را در راه برقراری جمهوری دموکراتیک

۱۶- خلق و بسوی جا معه سوسیالیستی همواره

۱۷- برافراشته نگاه داریم و به پیش رویم

۱۸- سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۰/۱۲

اعلامیه شماره ۱۰۴



### مبارزه موفقیت آمیز دانش آموزان در شهرکرد

روز ۲۵ آذرماه، اعلامیه نیروهای انقلابی به دیوار "هنرستان صنعتی" شهر نصب شده بود که پس از چند دقیقه توسط معاون هنرستان کنده شد این عمل ارتجاعی موجب خشم و اعتراض هنر جوان کردید و با شعار "مرگ بر ارتجاع" در مقابل آن ایستادند. فردای آن روز، طرفداران "حزب جمهوری" دست به توطئه زده و اعلام کردند که یکی از هواداران نشان در اثر ضربه مشت یک دانش آموز انقلابی مریض شده است و خواستار اخراج وی شدند. روز پنجشنبه ۲۷/۹/۵۹ از طرف دفتر هنرستان و رفته اخراج آن دانش آموز انقلابی به دیوار زده شد، دانش آموزان مبارز با اعتراض به تصمیم ارتجاعی هنرستان دست به تظاهرات زدند. آنها شعار میدادند: "مجلس میرزمد، ارتجاع امیربالیسم میبازد"، "فعلیت سیاسی آزاد باید گردد"، "فرهنگ استعماری نابود باید گردد"، "خواستار توده ها، فرهنگ انقلابی است"، "تفتیش عقاید، توطئه ارتجاع است"، "آزادی سیاسی خواسته توده ها است"، "دانش آموزان انقلابی با مبارزه خود توانستند به خواسته خود مبنی بر نصب نشریات و اعلامیه های انقلابی را عملی سازند، یکی از هواداران "اکثریت" میگفت که "اگر بجای مدرس بودم، نمی گذاشتم نشریه های سازمان "پیکار" را به دیوار بزنند"، "تری رویز- سونبست های مرشد خدمت به بورژوازی چنان از نیروهای کمونیست و انقلابی وحشت دارند که حاضرند تن به هر کاری بدهند.

## توبودی رستم دستان نه با کاووس، بر کاووس یادی از جهان پهلوان تختی بمناسبت سیزدهمین سالگرد شهادتش

۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ دستان تبهکار رذخیمان ساواک به زندگی کوتاه و شرافتمندانه غلامرضا تختی، فرزندی مبارز "خان آبد" پایان داد. او در شهریور ۱۳۰۹ در تهران دیده به جهان گشود و زندگی سراسرنج و مشقت مردم جنوب تهران - که خود از زمان آنان و در میان آنها بود - او را با واقعیات زندگی زحمتکش آن آشنا ساخت و او را مبادی رزه علیه پیدا دوز و روجورگشا ند، تختی خیلی زود در صحنه ورزش درخشید ولی نه تنها همچون حبیبی ها... حاضر به چالپوسی رژیم شاه نگشت، بلکه ورزش و تشک کشتی را در خدمت فعالیت های سیاسی خود قرار داد، رفتار رومنش توده ای او و وی را محبوب توده های زحمتکش نمود و او این محبوبیت را در خدمت مبارزه علیه رژیم قرار داد. روحیه سلحشور و مانع از آن شد که یکدم ز فکر توده های با برهنه غافل بماند و در نتیجه رژیم و وابسته شاه به وحشت افتاد و کمر به قتل او بست. شهادت تختی، حرکت مبارزاتی بی نظیری را در میان توده های مردم و بویژه جوانان انقلابی دامن زد و جنبش دانشجویان انقلابی "شب هفت" و "چهل تختی" را بیکی از پر شور ترین تظاهرات توده ای در آن سالهای سیاه و خفقان علیه رژیم شاه و امپریالیسم بسط یافت و بر ای اولین بار در آن سالهای اختناق فریادها شیکه با "درود بر تختی"، "زحمتکشان بدانید تختی شهید گردید" شروع شده بود، رسا تر شده و با طنین "مرگ بر شاه" تجلی را که شایسته تختی بود به تجلیل از مبارزه او - برپا داشت. شهادت نیز چون زندگیش در خدمت مبارزه توده ها و خروش خشم انقلابی آنان قرار گرفت.

یادش گرامی باد

## راهپیمائی اعتراضی رانندگان وانت بار

جنگ ارتجاعی همچنان زحمتکشان را زیر فشار قرار داده است. بدنبال گران بنزین رانندگان وانت بار با مشکلات بیشماری روبه رو شدند. اتحادیه قلابی مرتباً آنها را سردوانده و با ننگها نیز آزاردن کوپن بنزین خودداری کردند روز شنبه ۲۲ آذر ما رانندگان زحمتکش در مقابل "اتحادیه" تجمع کرده و خواهان گرفتن حق خود بودند. مسئولین اتحادیه بجای رسیدگی به مشکلات رانندگان، با ساداران را به مقابله آنها فرستادند که آنها با تیراندازی هوایی سی در متفرق کردن رانندگان نمودند. ۲۴ نفر

## آندرش دوستی امپریالیسم آمریکا و افاضات رهبر حرکت اسلامی افغانستان

در سالگرد تاج و زوسپال امپریالیسم روس به افغانستان، لیبیرالها همکوت را حایز شمرند. روزنامه "انقلاب اسلامی" مصاحبه ای کرده است با "مولوی محمد بنی رهبر" حرکت اسلامی افغانستان "که در شماره پنجشنبه ۴ دی - ماه ۵۹ آروزنامه چاپ شده است. در قسمتی از این مصاحبه "از وی سؤال شده است که:

"اگر آمریکا به شما کمک کند قبول میکنید؟  
و وی جواب میدهد: "اگر از وی بشردوستی و بدون قید و شرط و بدون تعهد و قرار داد کمک کند قبول میکنیم... در جای دیگر از وی سؤال میشود:

"آیا شما با ضیاء الحق ارتباط دارید؟" و رهبر حرکت اسلامی افغانستان پاسخ میدهد: "بله و بسیار نظر دوستانه دارد، از اینکه روسیه ظلم میکند به کشور ما و تاج و زکرده است رنج میرد حضرت محمد بنی در پاسخ به این سؤال که: "امور مالی شما چگونه تامین میشود؟" میفرماید: "از کمک و خدمات مردم مسلمان است برخی از افراد متمول در افغانستان و پاکستان به کمک می کنند."

این سه مطلب را کنار هم بگذارید تا واقعیت ماهیت "حرکت اسلامی افغانستان" را بهتر

در ساد "حرکتی" که رهبرش انتظار بشردوستی را امپریالیسم آمریکا داشته و حاضر به قبول کمک - های آن باشد و ژنرال ضیاء الحق - مزدور پاکستانی امپریالیسم آمریکا با آنها "نظر دوستانه" داشته و مورمالی "شان نیز توسط "افراد متمول در افغانستان و پاکستان" رفع و رجوع شود، روشن است که چگونه "حرکتی" است بی جهت نیست که سردمداران رژیم جمهوری استبداد در ساره "مها همدن اسلامی" افغان داد سخن میزنند.

البته پس از "اعترافات" حضرت محمد بنی روبریونیست های حزب توده (و احیاناً برادران اکثریتی شان) نیز ساکت نخواهند نشست و سخنان مرتجع افغانی را شاهدی بر "اشبات" "حقانیت" آنها جمارتش شوروی به افغانستان و به خاک و خون کشیدن خلق این کشور خواهند آورد. روبریونیست های خاشن جزئیرو هسای ارتجاعی، امپریالیستی و وابستگان نشان نمی توانند چیزی دیگری را ببینند، آنها برای توجیه پشتپانی شان از تاج و زوسپال امپریالیستی و نوکری بی مقدارشان "ببرک کارمل" مجبورند که خلق افغانستان و نیروهای کمونیست و انقلابی افغانستان را که با مرزبندی قاطعانه با مرتجعین و فئودالهای وابسته به امپریالیستی غربی با سوسپال امپریالیسم رژیم دست نشانده - اش مبارزه میکنند، نادیده گرفته و آنها را با نیروهای وابسته به غرب در یک کتفه بریزند. اما آفتاب حقیقت برای همیشه در پشت ابرها پنهان نمی ماند.



زمین نشسته و خواستار مذاکره با نماینده نخست وزیر شدند، آنها خواسته هایشان را مبنی بر: الفای "اتحادیه" فطی و تشکیل اتحادیه واقعی، تحویل کوپن و کارنامه طریق بانک تحویل لوازم یدکی، توزیع بنزین عادلانه تشکیل اتحادیه برای رانندگان وانت بار پلاک سفید، برداخت ما به التفات بنزین ماه قبل و... اعلام کردند و بدون توجه به تحریکات کسانیکه از طرف نخست وزیر صحبت میکردند تصمیم گرفتند تا رسیدن به خواسته هایشان به مبارزات خود ادامه دهند.

از رانندگان را دستگیر کردند، بقیه رانندگان به اعتراض بلند شدند و چون نتوانستند با اتحادیه به توافق برسند تصمیم گرفتند به نخست وزیر بروند آنان در مسیر با شاعرهای: "اتحادیه قلابی منحل باید گردد"، اتحادیه واقعی ایجاد باید گردد"، "بنزین عادلانه توزیع باید گردد" و... خواسته هایشان را بگوش مردم میرسانند در مسیر نیز رانندگان دیگر به آنها می پیوستند. در حدود ۴۰۰۰ راننده وانت بار در این راهپیمائی اعتراضی شرکت داشتند. در مقابل دفتر نخست وزیر زحمتکشان را ننده بر



**آدم ربانی، شکنجه و ترور**

از اینگونه اقدامات که یک انقلابی را در خیابان برپا کند، او را شکنجه کنند تهدید بمرگ نماید و حتی او را شکنجه نماید در رژیم جمهوری اسلامی هم اتفاق افتاده است که یک نمونه آن ربودن و قتل دو رفیق شهید ما مسعود صالحی را در وطیب نجم الدینی بود، از دیگر انقلابیون وابسته به نیروهای دیگر مثل راه کارگر، مجاهدین و فدائیان خلق (اقلیت) و غیره نیز نمونه های متعددی دیده شده است.

حدوده و هفته پیش یکی از هواداران فدائیان خلق (اقلیت) را در حالیکه مشغول فروختن نشریات انقلابی بوده بزرگسنگی کرده او را به زور سوار توپمبلی میکنند چشم او را میبندند و با کتک و فحش به بیابانهای اطراف تهران پارس میبرند، او را کمالا لخت کرده و در سرما شکنجه میکنند منجمله برای ترساندن او کار دیده حلقش می مالند! او و راه را میکنند.

این رفیق انقلابی با رچه را از روی چشم - هایش باز میکنند و میگویند لباس هایش را کیه این سوآتسو انداخته بودند بردار و بپوشد ولی خدا انقلابیون دوباره بر سرش میریزند و پس از کتک زبانه او را میزنند، این رفیق انقلابی و مقاوم با دشواری زبانه خود را به شهر میرساند. خدا انقلاب با بد مطمن با شده هیچک از این شیوه های سرکوب جلوی پیشروی انقلاب را نمی- کبرد!

در ادامه ضروری است برای سازمانها و گروههایی که در افغانستان فقط دنیوی و دو موضع (آمریکا و شوروی) را می بینند و در نتیجه برخورد های انحرافی، متزلزل و بیارویزیونیستی از خود نشان میدهند و نکته را یادآوری کنیم:

۱- با حرکت از تحلیل ماهیت شوروی، لشکر کشی وی را به افغانستان از رزایی نشانید اشتباه شما در این است که فقط با حرکت از ماهیت و نقش امپریالیسم آمریکا به مسئله افغانستان نگاه میکنید و با در نظر گرفتن این مسئله به موضع کاملاً انحرافی و رویزیونیستی در مورد نقش شوروی در افغانستان میرسید.

۲- کوشش شما شیدا با حرکت از موضع مبتذل خلق مبارزان افغانستان به بررسی نیروهای موجود در این کشور برداخته و در نتیجه به پشتیبانی از انقلاب افغانستان و نیروهای انقلابی آن برخیزید.

توطئه های امپریالیسم غرب در افغانستان را افشا نمائیم! پیروز با مبارزات خلق قهرمان افغانستان بر علیه رژیم سرسپرده سوسیال امپریالیسم! پیروز با د انقلاب را شمشیر خلقهای تحت ستم سر علیسه امپریالیسم جهانی!

سربازان روسی با زار "جمهوریت" کابل را مورد دستبرد قرار داده و برای رده کم کردن آنجا را به آتش کشیدند، فرهنگ رویزیونیستی و امپریالیستی جز این نمیتواند بسیار آورد.

پس از دو سال جنگ مسلحانه در افغانستان هیچیک از دو جناح (وابسته به شوروی و غرب) موفق به جلب پشتیبانی شده ها نگشته و نتوانسته اند حاکمیت سراسری خود را استوار سازند. در این میان تنها نیروی رشدیابنده، نیروهای انقلابی هستند که با اتکاء به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان به مبارزه ادامه میدهند و با طراپس هراس مشترک امپریالیستها از انقلاب دورنمای تپانی و معامله بینهنانی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی برای یافتن "راه حل" مشترک شبا بدنا دیده گرفته شود. این روزها شایعات فراوانی در مورد روی کار آمدن ظاهر شاه خا شن بعنوان "راه حل" مشترک در افغانستان وجود دارد.

**سه نیرو در برابر هم**

علیرغم تصورات نادرست تبلیغات ارتجاعی که فقط دنیوی و در افغانستان در مقابل هم قرار میدهند در این کشورها با سه نیرو و سه موضع مختلف روبرو هستیم:

الف - سوسیال امپریالیسم و وابسته های داخلی وابسته به آن  
چنانچه اشاره شد شیرازه گروههای حاکم "خلق" و "پرچم" و فراکسیونهای منشعب از آنها کاملاً از هم پاشیده شده است. وتفا ده های درونی آنها بحدا فجاری رسیده است.

ب - امپریالیستها ی غربی و احزاب اسلامی "وابسته به آن" که اساساً زیر نفوذ فتوایها قرار دارند.

ج - موضع خلق افغانستان و نیروهای انقلابی، مترقی و مبارز  
کمونیستها و انقلابیون راستین افغانستان تنها با مرزبندی قاطع و دقیق با ایادی امپریالیسم و برپا انداختن یک جنبش وسیع آزادی- بخش در دفاع از منافع خلق میتوانند راه پیروزی انقلاب دمکراتیک و خدا امپریالیستی را هموار سازند. توضیح این نکته ضروری است که رویزیونیستها ی خا شن سه جهانی که در "مخالفت" با سوسیال امپریالیسم آتش تندی از خود نشان میدهند در حقیقت در حرف و عمل رهبری عمال امپریالیسم آمریکا را پذیرفته و شعاً روح مدت بهر پرچم این "رهبری" را تبلیغ میکنند، آنها با قرار گرفتن در کنار نیروهای مترجم مذهبی در برابر خلق افغانستان قرار گرفته و به منافع خلق خیانت میکنند. رویزیونیستها ی خا شن سه جهانی "زنجبران" نیز در مقابل خلق زحمتکش افغانستان چنین مواضعی را اتخاذ کرده اند.

رویزیونیستها ی خا شن "حزب تسوده" و "اکثریت" فدائیان را لبتا نرا در دفاع از سوسیال امپریالیسم انجام داده و در صف دشمنان خلق افغانستان قرار گرفته اند.

عده ای از افراد فراری حزب "خلق" که در جهت تامین منافع امپریالیستها ی غرضی بویژه آمریکا و استقرار مجدد نظام ریاستی سنتی حرکت میکنند، مرزبندی قاطعی داریم، آنها شی که در دهها گروه و حزب مذهبی افغانی در ایران و پاکستان کرده اند با نده با طرایبی نقبش خا شن نشان خیانتکار نسبت به خلق افغان می- باشند. آنها و ارتجاع حاکم از نظرها هیست و وابستگی خود، برای نیروهای انقلابی یکسانند با ندهای "اخوان المسلمین" دشمن عمده ما نرا نه روسها بلکه انقلابیون چپ افغانستان می- دانند. اغلب این باندهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب و زجمله آمریکا میباشند و مقابله آنها با شوروی نه از موضع دفاع از انقلاب و منافع توده های زحمتکش، بلکه از موضع ارتجاعی و سرسپردگی شان میباشد.

امروز نیروهای واقعا انقلابی و توده های آگاه از موضع خدا امپریالیستی به مبارزه خود علیه مرتجعین - امپریالیستها و بخصوص شوروی ادامه میدهند. در طول ۶ - ۷ ماه گذشته در هرات و حوالی آن تاج و زگران روسی همراه با باندهای خلق" و "پرچم" برای سرپا زگیری خانه های مردم را محاصره کرده و اقدام به دستگیری جوانان بالاتراز ۱۶ سال نموده اند چرا که توده ها از آنها گریزانند. با وجودیکه شب و روز صدای رگبار مسلسل و غرش تانکهای تاج و زگران لحظه ای قطع نمیشود ولی توده ها که در میان آنها نوجوانان و دختران دانش آموز نیز زیاد چشم میخورند همواره های پرشوری از مفاومت و مبارزه میآفرینند.

در اینجا جا دارد از رفیق ملالی دختر - دانشجوی کمونیست از تشکیلات "اخر" یاد کنیم که پس از تحمل شش ماه شکنجه وحشیانه جلادان در زندان "پلچرخ" و مقاومت حماسه آفرین تا جایی که حتی از افشای نام خانوادگی اش نیز خودداری کرد و همراه با گروه عظیمی از انقلابیون دیگر روانه کشتارگاه گردید. این واقعبینی است که هزاران زندانی سیاسی که در زمان شوه کسی - امین در شکنجه گاهها و سیاهالها و در راه آزادی شهادت رسیدند، از کمونیستها و روشنفکران انقلابی بودند. در میان هزاران انقلابی که در دوره زمانمداری بپرک کارمسل شهید شده اند با یاد "مجید کلکا نی" یاد کنیم که پس از ۱۵ سال مبارزه سرانجام بدست مسز دوران سوسیال امپریالیسم دستگیر و در ۸ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۸ خرداد ۵۹) در راههای زحمتکشان اعدام گردید.

با دشیدان بخون خفته خلق افغانستان را گرامی میداریم!

در حال حاضر در بین سربازان و افسران روسی آنچنان فساد و انحطاط اخلاقی موج میزند که آنها در هرتها جمی به محلات و روستاها به زنان و دختران تها و زمینها بید و اموال زحمتکشان را به سرقت میبرند. در سال گذشته گروهی از

گرمای باد خاطره رفقای شهید



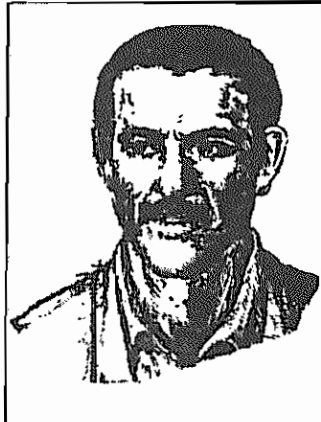
محمد باقر عباسی

- تولد ۱۳۲۵ در قم  
- آشنائی با زحمتکشان از دوره دبیرستان و مبارزه با میدرهاشی آنان .  
- پیوستن به یک جریان مذهبی مبارز و مخفی بنا به حزب ملل اسلامی و دستگیری و محکومیت ۳ ساله در ۱۳۴۲  
- ادا مه فعالیت مبارزاتی بی‌ساز و آساز از زندان و تشکیل یک گروه انقلابی همراه با چند تن دیگر از مبارزین .  
- علیرغم آنکه او به مارکسیسم گرایش داشت ، چون سازمان مجاهدین را سازمانی انقلابی میدانست همراه با عده ای دیگر از همزمانی منجمله رفیق علی رضا سیاسی به این سازمان پیوست  
- شرکت در عملیات نظامی و فعالیت های تبلیغی و افسارگرا نه علیه رژیم شاه خائن و انجام وظایف سازمانی با فداکاری و گذشتی که زیبا نزد رفقا بود  
- رفیق باقر عاشق مبارزه در راه آزادی زحمتکشان خلق بسود او اولین فرد انقلابی در دین سازمان مجاهدین خلق بود که به حقیقت مارکسیسم-لنینیسم دست یافت و اینرا پس از دستگیری در سال ۵۱ از پشت میله های زندان با افتخار و صدای بلند تقریبا دمیکرد .  
- شهادت او در ۲۱ دیماه ۱۳۵۱ بود که همراه با یکی از همزمانانش مجاهد محمد مفیدی بدست جلادان رژیم شاه خائن شیرباران گردید .



لیلا زمردیان

- تولد در ۱۳۲۸ در خانواده ای مرفه و مذهبی  
- آشنائی با مسائل اجتماعی و سیاسی از طریق شرکت در محافل و مجالس مذهبی نظیر حسینیه ارشد  
- دانشجوی رشته مددکاری اجتماعی و آشنائی با رنجهای توده های رنجمنکش در جریان تحقیقاتی که در مناطق جنوبی شهر تهران می نمود  
- آشنائی با سازمان مجاهدین خلق و سپس پیوستن بدان در سال ۵۱  
- ادا مه فعالیت انقلابی و مخفی شدن در سال ۵۲  
- کار آموزشی و سیاسی تشکلاتی در درون کارخانه ها منجمله کارخانه دارو سازی دکتر عبیدی قرقره زیبا و کفش ملی ...  
- آشنائی با مارکسیسم-لنینیسم و پذیرش آن در سال ۵۴  
- ادا مه فعالیت انقلابی ، تا زمان شهادت در ۱۴ دیماه ۱۳۵۵ بدست مزدوران ساواک  
- فدائی خلق حسن نیرووری  
- تولد در ۱۳۲۴ در یک خانواده کارگری در محله راه آهن تهران  
- در ۱۳۴۸ نامش با گروه انقلابی رفیق مسعود احمدزاده در چندین عملیات نظامی و انقلابی علیه رژیم شاه خائن و مبارزات لیستهای آمریکا شرکت داشت  
- ۴۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با مزدوران رژیم در منطقه لریستان به شهادت رسید



فدائی خلق حسن نوروزی

- تولد در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده کارگری در محله راه آهن تهران  
- در ۱۳۴۸ نامش با گروه انقلابی رفیق مسعود احمدزاده که در سالهای بعد به مرکزیت سازمان ج.ف.خ. رسید .  
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین عملیات نظامی و انقلابی علیه رژیم شاه خائن و مبارزات لیستهای آمریکا شرکت داشت .  
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با مزدوران رژیم در منطقه کردستان شهادت رسید  
- یکی از رفقای ما که در آن زمان هوادار سازمان چریکهای فدائی بود ، یادداشتی به مناسبت شهادت رفیق فرستاده و چنین مینویسد : " من در آن زمان از سماتهای سازمان چریکهای فدائی خلق بودم و با رفیق حسن از قدیم دوستی داشتیم بین سالهای ۵۱-۵۲ و تا چند هفته قبل از شهادت او را می دیدم و در قسمت تدارکات فعالیتها شرکت داشتم . بیاد می آورم عشق عمیق او را به کارگران و زحمتکشان طبقه اش و بیسه آرمانش سوسیالیسم و کینه و نفرت طبقاتی او را نه تنها نسبت به رژیم و دشمنان خلق بلکه به رویوتستهای خائن کمینه مرکزی حزب توده (نمونه برخورد پیدرش که در مقابل حرکت اپورونیستی و خیانتکارانه مرکز است حزب توده و فرار آنها ، از حزب جدا شده و در راه تداوم مبارزه شهید گشت ، برای او نمونه وفاداری به خلق بود ) . بیاد می آورم که رفیق مرزبندی انقلابی ای با رویزیونیسم خروشنجی داشت و همیشه رهبران رویزیونیست شوروی و برژنف را خائن به طبقه



فدائی خلق یوسف زرکاری

- تولد در ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری  
- برای امرار معاش از او ان کودکی بدکارگری برداشت .  
- در او اردیبهشت ۱۳۴۰ با پیوستن به سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد  
- در سال ۵۰ دستگیر شد و پس از یک سال آزاد گردید  
- نویسنده کتاب "خاطرات یک چریک در زندان" که حاوی تجارب او در مبارزه با پلیس و سروهای سرکوب کر رژیم شاه است .  
- در ۱۷ دیماه ۱۳۵۲ در یک درگیری در اصفهان به شهادت رسید .  
- کارگرهایی به سوسیالیسم و جنبش های آزادی بخش میدانست . و آنها را مورد تمسخر قرار میداد .  
- رفقای همزمانی چون حسن ، مسعود احمدزاده ، حمید مومنی و ... مبارزه علیه سرما به داری را جدا از مبارزه علیه رویونیسم ( رویزیونیسم خروشنجی در آن زمان ) نمیدانستند اما امروز در دین نام مبارزان چریکهای فدائی خلق ( اکثریتی - های خائن ) که با امداد ن بر خون رفقای همزمانی چون حسن می - خواهند آسروشی برای خود دست و پا کنند ، تمسخر خواهند شد که این رفقا علیرغم مسی حریکی خود که انحراف از مارکسیسم است با رویزیونیسم ها مرزبندی انقلابی داشتند و حاضر به هیچگونه مصالحه ای با آنها نبوده اند  
- با دین گرمای باد

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

**گزارشی از وضعیت  
آوارگان دربندرعباس**

گزارشی که در زیر میاید بر خوردی همه جا تبه به وضعیت ناسامان آوارگان اسکان داده شده دربندرعباس میا شد که ضمن نشان دادن ماهیت کشیف رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات فریب - کارانه اش، شناخت جدیدی جهت پیشبرد ورهیری مبارزات برحق زحمتکشان آواره در اخبیار کمونیستهای بیکیفر قرار میدهد:

"در اولین روزهای آغاز جنگ ارتجاعی بورژواها و خرده بورژواهای مرفه مناطق جنگزه شهرها را ترک کردند که اینها را نمیتوان جزو آوارگان دانست. در ادامه جنگ قشر متوسط خرده بورژوازی نیز از شهرها رفته و در نقاط دیگری ساکن شدند. آخرین کسانی که شهرهای جنگزده را ترک کردند، کارگران و زحمتکشان بودند زیرا به علت نداشتن پس انداز قبلی و یا ترس از دست دادن کارشان قادر به ترک شهرها نبودند. اینان مصائب و فلاکت و بدبختیهای جنگ - ارتجاعی را چه زمانیکه در خانه و شهر خویش بوده و چه در زمان آوارگیشان بخوبی حس کرده اند. دربندرعباس هم وضع بهمین منوال است. زحمتکشان در اردوگاه جها نگر دی (کوی ۲۲ بهمن) بطور دسته جمعی و در نقاط دیگر بصورت پراکنده جای گرفته اند و عده ای در پیاده رو خیا بناها و حتی کوچه ها میخوابند.

هیچکدام از مناطقی که زحمتکشان در آنها جای گرفته اند برق ندارند و فقط اردوگاه جها نگر دی آب لوله کشی دارد و آب مناطق دیگر را با تانکرها مین میکنند. تعداد آوارگان بطور دقیق مشخص نیست. استانداري تعداد آنها را تا ۱۵۰۰۰ نفر در سطح استان اعلام کرده است. البته استان داری برای اینکه از پذیرفتن آوارگان بیشتری خودداری کند و یا زیاده بودن آوارگان را دلیل عدم رسیدگی به آنها ذکر نماید از ذکر تعداد واقعی آوارگان سر باز میزند."

**اردوگاه جها نگر دی:**

اردوگاه جها نگر دی ۸ کیلومتری مرکز شهر در جنوب غربی کناره دریا قرار دارد و دارای ۵۰ اتاق و ۶۲ چادر است. در هر اتاق یا چادر یک تا سه خانوار جای گرفته اند (بطور متوسط ۹ تا ۱۰ نفر). تعداد آوارگان اردوگاه در حدود ۱۰۰۰ نفر است. اغلب این افراد (حدود هشتاد درصد) کارگران (شهر دی) - کشتیرانی آریا - آپسز کشی (....) و بقیه از قشر پایین خرده بورژوازی میباشند. بیشتر آوارگان اهل خرمشهر و آبادان هستند.

**بهداشت اردوگاه:**

**اخبار جنگ**

اردوگاه دارای توالیهای بسیار کشیف و ۴ یا ۵ حمام میباشد. که حمامها بطور کلی غیر قابل استفاده شده اند. فضولاتی را که از توالیها بیرون کشیده اند در اطراف چادرها خالی کرده اند که انبوه مگسهای روی آن ناقلین اصلی بیماریها هستند. آشغال، مدفوع سگ، بگربه و انسان در اطراف چادرها منظره ای غیر عادی است.

بیماریهای اسهال، استفراغ، آنفولانزا، چشم درد و... بسیار شایع است و تا قک بهداری و بهزیستی دکوری بیش نیست. خانم دکتر "مکتبی" در مانگاه اغلب بیماران را به مراکز درمانی داخل شهر معرفی میکند. اکثر بیماران با بهداری خود را از داروخانه های شهر خریداری میکنند. این خانم دکتر "مکتبی" از معاینه خیلی از زنان به بهانه نداشتن تخت معاینه و یا اینکه "اینجا مرد وجود دارد و صحیح نیست معاینه شوید" خودداری میکند. در حالیکه میتوان گفت هنگام معاینه مردها از اتاق بیرون بروند. برای اینان مکتب و اصول ارتجاعیسان مهم است نه در دورنج زحمتکشان! در تمام اردوگاه شیر آب برای استفاده عموم وجود دارد که گاهی بخاطر شلوفی دعواهای مختصری هم بوجود میاید. زنان زحمتکش ظرفها را بخاطر نبودن ظروف شوئی با شن و ماسه می - شویند که بدلیل غیر بهداشتی بودن کل محیط بسیار خطرناک است. بازم مکتبی ها شعار میدهند: "الانظافته من الایمان!"

**خواروبار:**

بعد از آنکه غذای روزانه ای را که از طرف نیروی دریایی در اختیار آوارگان قرار میگرفت قطع کردند مقدار خواروبار کمی وسایل در اختیار خانوادها قرار دادند و قرار شد برای هر نفر ماهانه ۵۰ تومان بهداری زندک این پول صرف خرید صبحانه، شام، شهار، سیب زمینی، پیاز، کره برفت و آمدومه و سائل ضروری دیگر شود! به آوارگان گفته شده که با دیدن وندوا زبانک کوپن خواروبار دریایی فت نما بند. اما در شهر هم به آسان میگویند چون شما آواره هستید بسا بسا از اردوگاه خواروبار دریایی فت کنید و در این میان مردم برای مدتها بی خواروبار مانده اند.

**انتظامات اردوگاه:**

انتظامات را عمدتاً با سداران در دست دارد و آنها بیش از هر چیز موظفند که "غریبه ها!" وارد اردوگاه نشوند تا تماس مردم با آوارگان قطع شده و مانع افشاکریهای آوارگان برای توده ها شوند. این با سداران حتی بیظا هر برای

را همدانی و در واقع برای اطمینان ب سسرتا زه واردی رانانای و چادر مورد سطرشان همراهی میکنند تا در ضمن آوارگانی را که بسا بیرون تماسی دارند شنا سائی کنند.

**کمیته مسئول توزیع:**

افراد این کمیته را مردم انتخاب نکرده اند بلکه از طرف رژیم به آنها مسئولیت توزیع خواروبار و سایر چیزها داده شده است. این مسئولین اجازت نمیدهند که مردم کمکیهای خود را مستقیماً به آوارگان بدهند و این کمکیها را بنا م کمیته و هلال احمر بین آوارگان تقسیم میکنند. مسئولین از ایجا دیک رابطه عاطفی ما بیسن آوارگان و دیگر مردم و ارتقاء آن وحشت دارند. چندین شب پی در پی از انبوا رخواروبار سرقت شده است و تقریباً همه مطمئن هستند که این کار افراد مسئول است. کارگری میگفت: "با دو چشم خود دیدم که پتوهای را که قرار بود به ما بدهند توپا زار میفروختند."

**اوضاع افراد اردوگاه**

- بچه های که به مدرسه نمیروند معمولا همیشه در خاک و شن با پایهای لخت بازی میکنند. - بچه های که به مدرسه میروند اگر همیشه سرکلاس حاضر شوند مثل بچه های خوب! در شان را بخوانند (البته بدون کتاب) میتوانند بسا بردن گواهی از مدرسه به آموزش و پرورش مبلغ ۲۰۰ تومان برای خرج تحصیلی یکساله! دریافت کنند.

- مردانی که میتوانند بیچنگند و پسران بالای ۱۶ سال هیچ کوپنی دریافت نمیکند و رژیم ارتجاعی با اینکار قصد دارد که آنها را وادار کند تا به جبهه بروند. بهمین خاطر آسان از خواروبار چیزی که به بقیه خانوادها تعلق میگیرد استفا دم میکنند.

زنان زحمتکش آواره همه مسئولیت خانوادها را به عهده دارند. از بخت و پز گرفته تا دریافت خواروبار و اتاق و... و چون درگیر با مشکلات هستند حالت تعرضی شان نسبت به مردان بالاتر است. زن زحمتکش میگفت: شوهرم کارگر شهرداری خرمشهر بود و حالا به بهبهان منتقل شده اند. پس از سه ماه کار تازه ۲۵۰۰ تومان داده اند. ماهه نظیر ما این ۲۵۰۰ تومان چکار کنیم. اینها هم هیچ کمکی نمیتکنند. و میگویند: با پیدا عتام بکنیم تا حقمون بگیریم. ۵۰۰ تومان نمیخوا هم ما مید بیشتر بدهند.

چندی پیش یکی از مسئولین کمیته با جانشین نما بنده ما به اردوگاه آمده و در مقابل اعتراس زنان زحمتکش میگوید: "اگر ما روزی ۱۰ تومن به هر نفر بدهیم در ماه میشود ۳۰۰۰ تومن و ما این پول را نداریم. هرکس به این

**جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق**





### پای صحبت آوارگان زحمتکش

دری ادا مه جنگ ارتجاعی و فشا ررورافزون رژیم به توده های آوارهای صحبت عده ای از آنان می نشینیم حرفهای ایس زحمتکشان ماهیت رژیم صدحلقی را هر چه بیسربرای توده ها افشا میکنند

**یکزن زحمتکش عرب ساکن ماهشهر:**

سؤال : ارکا آمده اید؟  
جواب : ار "طره" تزیدیک آبادان  
سؤال : معامات محلی چه کمکی تا بحال شما کرده اند؟  
جواب : نا اینجا نه ما موری ونه کسی سراغ ما آمده ونه هیچگونه کمکی به ما کرده اند.  
سؤال : مثل اینکه بیووسا بیل دیگر به شما میدهند؟  
جواب : فریاب نش بگردم ، بنحاه ، بصت تاپنو میآ ورنشو میخوآ هنده ای همه جنگ زده بدهند ، آخر به کجا میرسد؟ هر روز وسآ ررا دیومیشنوم که اعلام میکنند ۲۰۰ تا ۳۰۰ سوو چیزهای دیگر به مناطق جنگ زده برده شده اس ولی مثل اینکه آب میشود و به زمن میرود . مگر ما جنگ زده نیستیم پس چرا ارا بنهمه کمکها چیزی به ما نمیرسد؟  
سؤال : درجنگ چه صدماتی دیده اید و فکسر میکنید آیا دولت حاضر است برای شما کساری انجام دهد؟  
جواب : با غها ونخلستانها بمان تما ما از بسین رفت وهمه دارائی مان را از دست داده و آواره شده ایم . دولت با بدبته مردم کار میدهد ، و بعد از جنگ به ما بول بدهد تا خانه و وسایل دیگر را که در جنگ خراب شده اند ، دوباره بخریم ما با بلاهائی که تا حالا سرا آورده ، فکر نمیکنم کاری برایمان انجام دهد .  
آری زحمتکشان آواره در هر تجربه درمی - با بنده نه تنها رژیم زپا سخ به خواسته ها بشان نا توان است بلکه پاسخ مبارزاتشان را با سر - کوب و کشتار روزندانی میدهد .

### " زحمتکش آوارهای کفیک پایش آسیب دید هاست؟ "

سؤال : اهل کجا هستید؟  
جواب : آبادان  
سؤال : الان در کجا بسر میبرید؟  
جواب : در شادگان ، ۱۹۰ سرعالمه هستیم که در یک اتاق زندگی میکنیم .  
سؤال : دولت تا بحال چه کمکی به شما کرده؟  
جواب : چندین بار به فرمانداری رفتیم و گفتیم یک چا دربما بدهید ، آخر هم ندادند ، تازه

### نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

#### آوارگان بروجرد فریاد بر آوردند:

شماره آواره

#### نان، مسکن، آزادی

عده ای از جنگ زدگان مستقر در مدارس که حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر میشدند ، مقابل فرمان - داری شهر اجتماع کرده و در حالیکه شاعر میدادند نسبت به وضع خود مطرح انتقالشان به "جبرفت" اعتراض نمودند ، تظا هر کنگندگان با روحیه ای تعرضی شاعر میدادند :  
فرماندار رفتاری احضار ما بیدگردد!  
ما از بروجرد تمیرویم ، حتی اگر بمیریم!  
شاعر هر آواره نان ، مسکن ، آزادی !  
شورا های واقعی ، میان آوارگان ایجاد باید گردند تا خون در رک ما ست ، مدرسه مسکن ما ست !  
خوزستانی بیدار است ، از تو طئه بیزار است !  
آوارگان قیام کنید ، از حق خود دفاع کنیم!  
بردن ما به جبرفت ، تو طئه ارتجاع است !  
تعداد آوارگان و انبوهی از ساکنین - بروجرد که به منظور حمایت از تظا هر کنگندگان دور آنها حلقه زده بودند ، هر لحظه بیشتر میشود . آوارگان سپس در خبا بانهای اصلی شهر شروع به راه هیمائی نمودند ، مسیر راهیما بیا ن سوی خانه آیت الله نجفی نماینده ما بود ، شعارهای " اتحاد ، اتحاد ، آوارگان اتحاد " و " نان ، مسکن ، آزادی " در بین راه ، معامات مسئول شهر و پاسداران آیت الله نجفی را بوحشت انداخته بود ، آنها از وحشت حرکت انقلابی آوارگان به آنچه قول دادند که به خواسته های آنان عمل کرده و آوارگان همچنان در مدارس مستقر با شند . توده های زحمتکش با وجودیکه تظا هرات پیروز -

مندانه ای را آزموده بودند ، لیکن به قولهای آقایان جندان خوشبین نبودند و به همین خاطر نیز هنکا میکه پراکنده میشدند قرا تظا هرات روز بعد را گذاشتند .

یکشنبه ۵۹/۹/۲۳ - تظا هرات آوارگان که این بار از میدان شلوغ و بیرفت و آسیدی آغا زنده بود ، گسترده ترا روز قبل بود و وسیعا از جانب زحمتکشان بروجرد مورد حمایت قرار داشت . بلاکاردهای بکیا رجه وشاعر " نان ، مسکن ، آزادی " شهر را به هیجان آورده بود و دستجات حزب الهی و فالانزها را لرزاندند بود ، آنان که آمده بودند تا ما ننده همیشه به صفوف تظا هر کنگندگان حمله نمایند جرات نمیکردند بپای خود را از این راه - روها نزدیکی تر بگذارند . و در مقابل شعار " اتحاد ، اتحاد ، آوارگان اتحاد " ترسیده و تکبیر میگفتند .

هنکا میکه جمعیت به نزدیکی فرمانداری رسید دستجات فدائین حزب الهی قوت قلب گرفته و به صفوف تظا هر کنگندگان حمله ور شدند و وحشیانه با چماق و کلوله های برقی به تظا هر - کنگندگان بورش آورده وشاعر میدادند : " لرستان را گورستان بیکاری و خوزستانی میکنیم ! " آوارگان جنگ وهمچنین مردم مبارز بروجرد از این اقدام ضد خلقی و وحشیگری ارتجاعی بخشم آمده بودند ، درهمین حین یک کامیون پلیس به حمایت از فالانزها وارد میدان میشوند ، آنها گرچه صفوف تظا هرات آوارگان جنگ غیرما دلانه را بپراکنندند ، لیکن این دوروز نبرد توده های ستمدیده ، قدرت بولادین وهمستی عالی آنان را به نمایش گذاشت اما چهره پلیدی و ما هیت ضد خلقی رژیم را با ردیگر به توده ها شنا سانسند و انتقال وسیع آوارگان ( حداد قل برای یکدوره ) را به عقب انداخت .

" به نقل از فریاد آوارگان شماره ۸  
۱/۱۰/۶ / ۴ با اندکی تلخیص و تغییر "

جواب : هیچی ، چندی پیش مقداری پتسو آوردند و به هر خا نواده یکی میدادند حالا میخواست ۱۰ نفر با شندیا ۲۰ نفر  
سؤال : نظرت راجع به جنگ چیست؟  
جواب : اگر دیوانه با شمی جنگم ، برای چه جنگم؟ اگر جنگ کنم مجبورم خانه های مردم عراق را خراب کنم تا وقت آنها هم مثل من آواره میشوند ، اگر اینها با صدام دشمنی دارند به من چه چرا من با بدبختیش را بکشم تا آنها راحت بخورند و بخوابند .  
اینها مشتق است از خروار کینه های طبقاتی آوارگان زحمتکش با شدت روزی شعله های پیش ریشه و بنیان سرمایه داری را از این کشور براندازد .

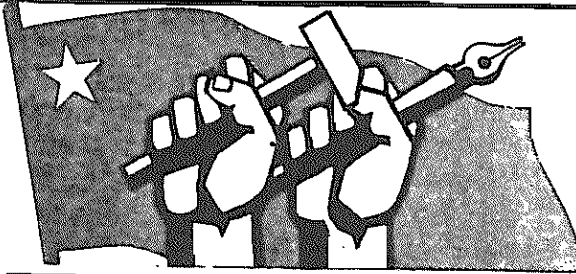
هر روز به ما حمله میکنند خودت می بینی ( اشاره به پای آسیب دیده اش میکند ) ، معلوم نیست این همه کمک که به ما میشود کجا میرود ، اگر حرفی هم بزنیم میگویند ضد انقلابی ، به نفع صدام تبلیغ میکنی ، عرب هم که هستم و او بیلا

#### " زحمتکش دیگری چنین میگوید : "

سؤال : اهل کجایی؟  
جواب : آبادان  
سؤال : کی به ماهشهر آمده ای؟  
جواب : حدود بیست روز قبل از شادگان آمده ام  
سؤال : دولت چه کمکی به شما کرده است؟

## مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

# هنرمقاومت هنرپرولتری



## تفنگهای ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی

چهارشنبه شب گذشته نماینده "تفنگهای ننه کارار" از تلویزیون پخش شد. مورد استقبال توده های وسیع مردم قرار گرفت. در عین حال رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد با نمایش این نماینده در تلویزیون بنا درست آنچه را که نماینده مورد بررسی قرار میدهد (برخورد ننه کارار به جنگ انقلابی میهن پرستان اسپانیا علیه فاشیسم، ژنرال فرانکو) با جنگ ارتجاعی کتونی رژیمهای ایران و عراق یکسان جلوه دهد و بدین سان "بی تفاوتی" و "انزجار مردم آگاه میهنمان را در قبال جنگ محکوم نماید."

از اینرو ما ضروری دیدیم برای افشای اینگونه تبلیغات مسموم کننده و بهره برداری نا جوانمردانه از آثار انقلابی به نفع خویش و در عین حال دفاع از هنر انقلابی - پرولتری این نماینده را مورد بررسی - هر چند کوتاه - قرار دهیم.

### تفنگهای ننه کارار: اثر برجسته "پرشت" تا پیشا منویس کمونیست آلمانی .

برشولت پرشت، شاعر، نویسنده و بزرگترین نماینده منویس کمونیست آلمانی همسواره در آثارش تکامل و تنفیر انسان را بررسی می کند، نشان میدهد که انسان "عادی" چگونه در جریان مبارزه طبقاتی تا گزیرا زمینین جایگاه خویش است، و چرا و چگونه باید علیه نظم فساد انقلابی حاکم برخیزد، چه هرکس به با حفظ صلح و آرامش به نظم موجود تن دهد، تنها به تسلاوم اسارت و بردگی خویش کمک نموده است. پرشت با بینش عمیق طبقاتی خود، چهره کربه تفکرات بورژوازی "انسان دوستی"، "حفظ آرامش" "بفکر خوب شدن بودن" و... را دریده و نشان میدهد در پس جملات عوامفریبانه و انسان دوستانه بورژوازی، کدام منافع طبقاتی خوابیده است و همچنین نشان میدهد که چگونه مذهب بعنوان وسیله ای برای حفظ وضع موجود، جلوگیری از "خشونت" و بازداشتن از مبارزه در خدمت ستمگران قرار میگیرد. پرشت همواره "بیطرفی" را محکوم کرده و خواهان بیان مریخ موضعگیری طبقاتی انسانها است (۱). تفنگهای ننه کارار نیز یکی از برجسته ترین آثار پرشت است که

این حقایق را با زگو میکنند. نماینده ننه کارار، تصویری است از اوضاع جنگ انقلابی میهن پرستان مترقی و کمونیست بر علیه فاشیست های اسپانیایی به رهبری ژنرال فرانکو.

فاشیست های متجاوز میکوشند حکومت جوان جمهوری اسپانیا را ساقط نموده و حکومت فاشیستی فرانکو را برقرار نمایند. آنان توانسته اند بخشهایی از اسپانیا را از تصرف انقلابیون خارج کرده و وحشیانه ضمن قتل عام میهن پرستان اسپانیا میکوشند باقی مناطقی تحت نفوذ جمهوری خواهان را به تصرف در آورند. ننه کارار زن زحمتکشی است که شوهرش از زمره میهن پرستان بوده و در جبهه نبرد با فاشیستهای آزپای درمیاید. "کارار" که در دوران حیات شوهرش فعالانه به میهن پرستان کمک میکرد، پس از مرگ شوهرش دچار ترس و نومیدی شده و بجای شدت بخشیدن به مبارزه در جبهه جنگ "ملاح خویش" را در دورنگاه داشتن خود و فرزندانش از شرکت در جنگ می بیند.

آغاز صحنه، ننه کارار را و پسر کوچکش را نشان میدهد که مراقب دریا بوده و "خوزه" برادر بزرگ خود را که مشغول ماهیگیری برای تأمین زندگی شان است می بیند. ننه کارار در جبهه جنگ فرزندانش را از فرستادن به جبهه منع کرده و فرزند بزرگش را به شکار ماهیگیری میفرستد و بهمین دلیل در روستای خویش در نزد عوام خاص انگشت نما شده و مردم ضمن تنبیح عمل ننه کارار آنان را بطریق گوناگون مسخره میکنند. برادر کارار نیز زاره دوری را پیموده است تا خود را به ننه کارار برساند و تفنگهای شوهر شهید کارار را به دست آورد و از آنها برای جنگ علیه فاشیستها استفاده نماید. چه او فردی انقلابی و میهن پرست و عضو ارتش ملی جمهوری خواهان اسپانیا (میهن پرستان) است. اما می بیند که ننه کارار خواهان "دور بودن" از این درگیریها است و تنها به حفظ حیات خویش و فرزندانش می اندیشد، چه او با جنگ و آدمکشی مخالف است اما برادر ننه کارار نظرات او را رد کرده و معتقد است که در حالیکه فاشیستها، به خونریزی مردم زحمتکش مشغولند و آنان که جنگ و خونریزی را بر سر راه

انداخته اند، نمیتوان و نباید با جنگ علیه این آدمکشان مخالفت نمود و موضع بیطرفی اتخاذ نمود. و برای برانداختن جنگ و خونریزی، لازم است که منشاء آن یعنی ستمگران را برانداخت. او از اینکه ننه کارار اینگونه پس از مرگ شوهرش تغییر موضع داده است، متحیر و متأسف است. ننه کارار تنها توسط اهالی و برادرش تحت فشار قرار ندارد، بلکه فرزند کوچکش نیز او را تحت فشار قرار میدهد و خواهان رفتن به جبهه و جنگیدن بر علیه فاشیستهای تجاوزگر و دفاع از انقلاب و آزادی مردم اسپانیا است. ننه کارار، حتی از جانب نامزد خود، فرزند بزرگش نیز تحت فشار قرار میگیرد، چه نامزد خود، حاضر نیست نامزد کسی باشد که در جبهه نبرد طبقاتی حاضر نیست. در درگیری فاشیستها و انقلابیون - ما هیچکس مشغول است و به منظور اعتراض، حتی نامزدی خویش را در غیاب خود به هم میزند.

فرزند کوچک و برادر ننه کارار را معتقدند که اگر خوزه را ماهیگیری برگردد، حتما به جبهه خواهد رفت و این "ننه کارار" را میآزارد. تنها همدم و هم نظر ننه کارار رکشیش "صلح طلبانه" است، که او نیز حاضر به رفتن به جبهه نیست. چه "ارشاد" و "نیا بش" را از جنگیدن در کنار انقلابیون باز میماند. فاشیستها میترسیدند! او و نیا صولا با جنگیدن مخالف است! او بهمین لحاظ شدیداً مورد تنفر و تمسخر فرزند و برادر ننه کارار قرار میگیرد. ننه کارار با اشاره میفهمد که برادرش برای گرفتن تفنگها به پیش او آمده است و از اینرو شدیداً مخالفت میکند فرزند کوچک ننه کارار، اما در آتش تهدید میکند که به همراه او آتش به جبهه خواهد رفت. ننه کارار برادرش را مورد لعن و نفرین قرار میدهد که "آرامش زندگی او را می خواهد بدمزند و او که مخالف آدمکشی است، حاضر به تحویل تفنگها به برادرش و اعزام فرزندش به جبهه نیست. چه او با تجربه ای که از مرگ شوهرش دارد، معتقد است که با بدگلیش را از آب بیرون بکشد و معتقد است که اگر کاری به کار "درگیریها" نداشته باشد، دست و پایش را در امان خواهد ماند! فرزند و برادر ننه کارار او را شدیداً تنبیح کرده و این عمل را به معنی پذیرش بردگی و سکوت در برابر ظلم و جناحیت ژنرالها را همدستی با فاشیستها میدانند. چه آنها معتقدند که در قبال چنین جنگی که بین انقلاب و ضد انقلاب در گرفتار است، نمیتوان و نباید بیطرف باقی ماند. عدم کمک به انقلابیون، عملاً خدمت به ضد انقلاب است و نظر ننه کارار را که خود را مخالف ژنرالها میدانند، اما حاضر به مبارزه با

(۱) - بررسی آثار او اندیشه پرشت که از اهمیت و لایه برای طبقه کارگر جهان در بیان هنر پرولتری برخوردار است در حوصله این مختصر نمی گنجد. دوستاران هنر پرولتری میتوانند برای شناخت بیشتر آثار او اندیشه پرشت به کتاب زندگی کاپله (مقدمه آن) و سایر آثار پرشت رجوع کنند.

## هراس ارتجاع از کتابهای انقلابی

با اعتلا جنبش توده‌ها و نقش نیروهای انقلابی و کمونیستی و انتشارات آگاه بخش در اوچگیری جنبش و آگاه‌ها، هراس و وحشت رژیم تا بدرجای رسیدن که تحمل چاپ و انتشار کتابهای کمونیستی و انقلابی را نپذیرد، سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در این مورد بیرونی‌ها و گوناگون از جمله یسوروش مسلحانه به چاپخانه‌ها، توقیف کتابهای انقلابی، یورش به کتابفروشی‌ها و جمع آوری کتابها، دستگیری وزندانی ناشرین و کتابفروشی‌های مترقی و... اعمال میشود. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که شب و روز از "مکتب انقلابی" خود دم میزنند و میلیونها تومان از دسترنج زحمتکشان را به انتشارات آگاه و عقب‌گرا اختصاص داده‌اند جمع آوری و توقیف کتابهای مترقی و... عجز و ناتوانی خویش را در مقابل ادبیات انقلابی و کمونیستی بنمایش میگذارد. در ادامه این سیاست، قشرون مرتجع اخیراً اقدام به توقیف محموله‌ای از آثار رلنشین در کمرک نموده‌اند و آنها را همراه با انبوهی از کتابهای انقلابی و کمونیستی که از چاپخانه‌ها، کتابفروشی‌ها و انقلابیون دربند به غارت برده‌اند به کارخانه‌ها رتن سازی میدهند که آنها را خمیر کرده و به مصرف تولید کارتن ابرسانند. طبق قرارداد ادبی، مرتباً تومیل‌های کارخانه کارتن سازی، کتابهای توقیف شده را از زندان اوین به کارخانه منتقل میکنند، آری با تصور و منع انتشارات انقلابی توانست رژیم محمد - رضا شاه را از تلاشی برهانند که زعمای رژیم جمهوری اسلامی بدشمال کردن همان سیاست به روشهای دیگر پیدا خسته است. جرقه‌های آگاه‌ها را با توقیف و "خمیر کردن" کتابهای انقلابی و کمونیستی نمیتوان خاموش ساخت.

## شکنجه به شیوه جلادان ساواک

در ماه گذشته (آذرماه) با سارا، ن، بسک انقلابی کمونیست را بهنگام مسافرت به با بل بین راه تهران - با بل، بعلت داشتن اعلامیه کومه له دستگیر میکنند. با سارا، ن سرمایه بعد از کتک زدن مفصل این انقلابی‌ها و اوردوروز تا زانودر آب نکه می‌دارند، بعداً ز چند روز با ز دو نفر از مزدوران او را گرفته و با سارا دیگری با قنای تفنگ آنقدر به شک او میزنند که رفیق انقلابی نیمه جان میشود. اما شکنجه گران جمهوری اسلامی سیر نشده و با شته‌های او را با سیخ طوری داغ میکنند که شدیداً آسیب میبینند و ایستادن را برای آن انقلابی دشوار میسازد.

کوشش فردی هرکس برای نجات خویش بلکه توسط مبارزه اجتماعی زحمتکشان برای رهائی اجتماعی تحقق خواهد پذیرفت، با زیگ - ران نمایش "تفنگهای ننه کارار"، نتوانسته‌اند، آنچه برشت بصورت انقلابی و دیا لکتیکی و بصورت زنده تصویر میکنند، به اجرا در آورند، به همین دلیل اجرای این نمایشنا مه بزرگ، از بازی بسیارضعیفی برخوردار بوده و نمیتوانند آنچه را که برشت میخواسته‌است بگویند بصورت زنده و طبیعی نشان دهند، این است که تغییر سر و تکامل ننه کارار بصورت "ممنوعی" و غیر مینظره برای تماشاگران جلوه گر میگردد، شاید علت آن بوده است که اصولاً کارگردان و گردانندگان این نمایش هدف دیگری را از این تئاتر دنبال می‌نموده‌اند و بهمین دلیل برجسته شدن مسئله اصلی مورد توجه برشت یعنی تکامل و تغییر سر نظرات و شخصیت انسان در عرصه مبارزه طبقاتی مورد "کم‌اعتناشی" قرار گرفته‌است. واقعیت چنین است

رژیم جمهوری اسلامی و چاکران رویزیونیست آنها، با تبلیغات کرکننده شان میکوشند جنگ ارتجاعی کنونی را جنگی انقلابی، برحق و بر - علیه امپریالیسم جلوه دهند! و توده‌های زحمتکش را به شرکت در چنین جنگی دعوت کنند. رژیم جمهوری اسلامی با نشان دادن این نمایش کوشید تا جنگ ارتجاعی کنونی را همانند جنگ انقلابی کمونیستها و میهن پرستان اسپانیا بر علیه فاشیستها جلوه دهد و از آنجا که بیطرفی در چنین جنگ انقلابی و عادلانه‌ای بر علیه ستمگران امکان پذیر نبوده و عملاً محمذگذاشتن بر حاکمیت ستمگران است، بهمین ترتیب عدم شرکت توده‌های زحمتکش در جنگ ارتجاعی کنونی را خدمت به ضد انقلابیون عراقی و نمود کرده و آنرا محکوم نماید! و بدین ترتیب با نشان دادن چنین نمایشی، ضمن سرزنش توده‌ها، آنان را به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی ترغیب نماید. اما تلاش رژیم جمهوری اسلامی با شکست روبرو خواهد شد، چرا که اولاً توده‌های ما هرگز بهره برداری فریبکارانه جمهوری اسلامی از جنگ انقلابی خلق اسپانیا بر علیه فاشیسم و مقابله آن با جنگ ارتجاعی کنونی را نخواهند پذیرفت. عدم شرکت در جنگ انقلابی خلق اسپانیا، خیانت به انقلاب و شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی، تنها هیزمکش جنگ افروزان شدن است. ثانیا مردم مادر قبال این جنگ نیز بی تفاوت نمائند و اگر موضعگیری انقلابی در آن جنگ، شرکت در جنگ انقلابی بود، موضعگیری انقلابی در قبال جنگ کنونی، تلاش برای تبدیل آن به جنگ داخلی و سازمان دادن مبارزات بر علیه جنگ کنونی است. نمایش تفنگهای ننه کارار علیه رفیق میل سردمداران رژیم، با ردیگر نشان داد که کمونیستها، شرکت در جنگ انقلابی و عادلانه را وظیفه کلیه انقلابیون و مردم زحمتکش دانسته و برخلاف لیبرالهای صلح طلب مخالف هرگونه جنگی نیستند.

اونیست را، خطا میسازند، آنها نمیتوانند ننه کارار که صد البته فرد زحمتکش و نیک صفت و انسان دوستی است، قانع کنند که بیطرف نمیتواند ماند و خود را از نتایج این جنگ طبقاتی برحذر نگاه داشت. اما نبردهای ناپذیر طبقاتی، جا معاً راه دو قطب تقسیم کرده و افرادی چون ننه کارار، نیز علیه رفیق "صلح طلبی" و "بی - طرفی" اش در زیر جناحیت ستمگران خرد خواهد شد. اما اگر ننه کارار این سخنان را به گوش نمیگیرد و از آن نمی آموزد، تجربه‌های تلخ لیکن گرانبار مبارزه طبقاتی این حقایق را به او مبادی موزد چه ناگهان نمش فرزندش خوزه را که مشغول ماهی - کپری بوده است برای او میا ورتند، او میببیند که چگونه فرزندش که در جنگ شرکت نکرده بسود، قربانی جنایات فاشیستها گردیده است. او در ابتدا میببرد که چرا فرزندش را که در جبهه شرکت نداشته و تنها مشغول تلاش برای تامین لقمه نانی بوده کشته اند و جواب می‌شود که دشمنان، حتی از محاکمه او خودداری کردند و بی هیچ سوال و جوابی او را اعدام نمودند. بدین ترتیب ننه کارار در رعینیت مبارزه طبقاتی می بیند که تلاش او برای دور بودن از نتایج نبرد طبقاتی جا معاً و حفظ جان خود و فرزندانش خیالی بچ و بی محتوا بوده است. سپس به درس آموزی از تجربه کمر همت می بندد و ضمن تحویل تفنگها به فرزند و برادرش، خود نیز پیشتا زنده و در مقابل سوال آنها که: تو کجا میای میگوید: "من نیز به جبهه میایم". و نمایش پایان میکشید!

## اهداف برشت و اهداف جمهوری اسلامی!

نمایشنا مه در هم شکننده توهما ت توده‌های زحمتکشی است که در قبال نبردهای طبقاتی بین انقلاب و ضد انقلاب می بیند، می‌توانند خود را کنار کشیده و از مخمصه‌ها در امان باشند و گلیم خود را به تنهائی از آب بیرون بکشند. "شهم بدون ردیگر شدن با ستمگران تاریخ که آفریننده این مخمصه‌ها، جنایات و بدبختی‌ها بیسرای زحمتکشان هیبتند، تفنگهای ننه کارار "تسوری بچ موضع ما و راه طبقاتی و بیطرفی را در مبارزه افشا کرده و نتوان میدهند که مخالفت با جنگ علیه ضد انقلابیون به بهانه "صلح طلبی" و مخالفت با آدمکشی "تا شید عملی جنایات آن و پذیرش حاکمیت آن است. بدین ترتیب لیبرالیسم پوسیده "انسان دوستانه" مورد هجوم قرار می - گیرد و از انسان زحمتکش و انقلابی و نبرد انسان بر علیه انسان جنایتکار ستمگر دفاع میشود. "تفنگهای ننه کارار" بیان تکامل و تغییر سر انسان است که این حقایق را در پروسه مبارزه طبقاتی درک کرده و به بچ "بیطرفی" پی برده و با لاخره نجات خود را در قرا گرفتن در صاف انقلاب و کوشش برای نجات زحمتکشان و توده - های انقلابی دیده و همت میکند که خود در جایگاه انقلابیون و زحمتکشان قرار گیرد. بیانگ - و ابعیت مسلم عصر ما که "نجات انسانها" نه در

ساواکیها در زندان:

جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

دستهای برنواں کارگران و زحمتکشان ما دو سال پیش، درهای سباجهای رژیم ضد خلقی شاه را کشود و هزاران زندانی انقلابی و کمونیست را ازنجیر رژیم شاه آزاد ساخت. ما هنوز چند روزی ازقیامت گذشته بود که بار دیگر همان سباجها محل اسارت انقلابیون گردید که سالها در آنجا با رژیم ضد خلقی ششماه مبارزه میکردند، مستهپی اینبار زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی و پاسدارانش میباشند. اکنون زندان هیچ شهری نیست که در آن دهها انقلابی و کمونیست به زنجیر کشیده نشده باشند. تنها در زندان اوین از کل ۲۴۰ زندانی ۹۵ نفر زندانی سیاسی - انقلابی ۷۵ ساواکسی و ۶۵ نفر نظامی و عقبه متفرقه میباشند.

رفتار پاسداران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی با انقلابیون همانند رفتاری است که ساواکیها با انقلابیون اسیر در زمان شاه داشتند. نوهین و کتک زدن، شکنجه انقلابیون در زندانهای جمهوری اسلامی امری عادی است. وضع بسیار بد بهداشت و غذای زندان، زندانبانان انقلابی را در معرض انواع بیماریهای کشنده قرار داده است. در مقابل اینهمه ستمگری بر زندانبانان سیاسی - انقلابی، ساواکیها حمایت پاسداران از بهترین امکانات رفاهی سرخوردارند. زندانبانان نمونه ای است که ما را با اوضاع زندانبانان و وضع ساواکیها آشنا میکند: زندانبانان افغان ۱۵ بنددار که ۲ بند آن به زندانبانان انقلابی و کمونیست و همچنین ساواکیها اختصاص داده شده است. در این دو بند حدود ۸۰ نفر از انقلابیون به بند کشیده شده اند. ساواکیهای این زندان از آنچنان رفاهی برخوردارند که بنا به اظهار خودشان در زندان امنیت بیشتری دارند تا بیرون از آن. این مزدوران حاضر به همه گونه همکاری با پاسداران و مسئولین زندان هستند و سخاظیر رفتار و توکل منشانه و سیردادن هدایا (بهدیه) پاسداران از تسهیلات فراوانی برخوردارند. اگر جمله غذا و وساک بیرون میتوانند سگاده کنند و ملاقات حضوری دارند. اغلب ساواکیهای اسیران حاضرند با دادن تعهد (از جمله تعهد همکاری با رژیم جمهوری اسلامی) آزاد شوند به استثنای برخی که به فردای رژیم چندان امید ندارند.

رفسا رسا واکبها سانه ما هیئت ان در زندان امعها ن میل نما مردنسا، سا عاصرا انقلابی بسا رخما نه وگنه سورانه است. آنها در هر فرصتی، حرکات زندانبانان سیاسی - انقلابی را

به پاسداران و مسئولین زندان گزارش میکنند. در پی این گزارشها پاسداران، بارها عناصر انقلابی را به سلولهای انفرادی برده و بپا شدت شکنجه کرده اند. گذشته از جاسوسی ساواکیها برای رژیم جمهوری اسلامی، آنها در دفترچه کوچکی برای زندانبانان انقلابی پرونده تشکیل داده و در آن مشخصاتی از قبیل نام و نام خانوادگی، آدرس منزل، علت بازداشت، مدت بازداشت، چگونگی فعالیت در زمان شاه، وابستگی تشکیلاتی و کیفیت آن و... را یادداشت میکنند. آنها این اطلاعات را از دو طریق بدست میآورند: ۱- از طریق صحبت با خود زندانبانان و به حسرت کشیدن او و کسب اطلاعات مذکور بویژه در ساعات و روزهای اولیه ورود به زندان که زندانبانان از اطرافیان خود شناخت ندارند. این مسئله هشدار است به انقلابیون که دستگیر میشوند تا با هشیاری آزادان اطلاعات مذکور را ساواکیهای جاسوس خودداری کنند.

۲- از طریق صحبت با پاسداران با استفاده از روابط حسنه پاسداران با آنها و با جاسوسی و تملق از پاسداران.

ساواکیها بعد از تکمیل اطلاعات خود از انقلابیون زندانبانان آنها را به بیرون از زندان برای همکاری خود در بیرون انتقال میدهند.

ساواکیهای زندانبانان افغان هر شب رادسوها ای امیربا لیستی گوش داده و در مورد برنامهای آنها بحث و گفتگو میکنند. آنها چند شب در هفته جلسه مشترک گذاشته و رویدادهای مهم را تحزیه و تحلیل میکنند. ساواکیها در برخی موارد پس از شنیدن اخبار تلویزیونی، نشستهای موری نیز سرپا میکنند. آنها همچنین با پشتیبانی پاسداران، در کربیهایی مصنوعی با مبارزین در بند بجا می نمایند که اغلب با برخورد هشیاران انقلابیون اسیر، توطئه هایشان نقش بر آب میشود. اخیرا نیز یکی از همین ساواکیها که به جیس "ابده" محکوم شده بود آزاد شده و در سیاه پاسداران افغان به کار مشغول شده است. اس گزارش کوه ای از حمایت رژیم جمهوری اسلامی از ساواکیها و دشمنی آن با نیروهای اسلامی در زندانبانان است. این وضعیت در تمام زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد و نشان میدهد که این رژیم چگونه دشمنان خون آشام و حسیکتان اسران را در زیر چتر حمایت خود قرار داده و در مقابل، به سرکوب و شکنجه انقلابیون پرداخته است.



پره سر (هشتر)

توده ها گروه ضربت را خلع سلاح کردند!

از چندین بیش عنصر مرتجع بنام "حاج - کرمی" که قبلا همراه او روسته "صدر" - همکاری "انجمن اسلامی چوکا" در شنا سازی عناصر انقلابی و همزدن جلسات و شوراها را کارگران شرکت میکرد، از طرف خلالی جلاد ما موراجا دیک "گروه ضربت" شده و به دستگیری و شکنجه و آزادار انقلابیون و زحمتکشان منطقه می پرداخت.

این با تدمرتع و مسلح با تهدید و اربا و سها نه کمک به جنگ زدگان مبلغ ۲۰ هزار - تومان از اهالی جمع آوری میکنند. آنها بجای کمک به آوارگان جنگ به کمک عده ای از او با شان زمان شاه نظیر پسرکمالی (زسندار بزرگ منطقه) دبیرستان بورجغری را به زورتصا حب کرده و تبدیل به زندان "گروه ضربت" مینماید. "حاج - کرمی" مقداری از پول را صرف هزینه های این زندان "کرده و با بقیه برای خودا تومبیل میخرد. وی شب چهارشنبه ۲۶ آذر دو بار به سما جمع کردن گروهی از مردم و بازاریان با زور و تهدید ۳۰ هزار تومان پول میگردد و از آنها می - خواهد که هر ماه بین ۱۵۰ الی ۵۰۰ تومان برای مخارج گروه ضربت پرداخت نمایند و الا زندانبانان در انتظارشان خواهد بود. مردم زحمتکش منطقه که از زورگوشی ها و اجافات این گروه ارتجاعی به ستوه آمده بودند روز شنبه ۲۹ آذر در مقابل شهرداری متحمن میشوند. مقامات رژیم برای سرکوب این تحصن ارگانهای سرکوبگرش را بسیج مینماید و در رئیس پاسداران هشتر، فرما ندارد و معاون استانداری همرا عده ای با سدار "به پره" - سرمیآیند. در ابتدا ما مورین رژیم میگوشتند با علم کردن "کنک" جنبش اعتراضی توده ها را ارمه بپاشند. یکی از پاسداران چوکا مردم را تهدید کرده و با فحاشی به نیروهای انقلابی و اینکه "تحصن گناه است" سعی مینماید مردم را متفرق سازد ولی یکی از دهقانان زحمتکش حرفهای قلدر منشا نه ورا قطع کرده و میگوید: "مسئله ما چیز دیگری است، ما از دست شما خواب راحت نداریم و آنوقت شما میگوشتد که جنگ است و تحصن حرام است". مردم از صحبت های اینس دهقان زحمتکش حمایت میکنند و خواستهایشان را بشرح ربر اعلام میدارند:

- ۱ - انحلال و اخراج گروه ضربت
- ۲ - عدم دخالت پاسداران در امور مردم اعم از سیاسی و ضمنی
- ۳ - پاسداران حق دستگیری هیچکس را ندارند

بغیه در صفحه ۲۲

نگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی

### "چشمک" رجائی به سرمایه داران آلمان

اخیرا رجائی نخست وزیر در مراسم با خبرنگاران آلمانی "ویس دو بیچه" گفته است: "نگرانی سرمایه گذاران و صاحبان صنایع آلمان در ایران بی اساس و منتج از سوء تفاهاتی میشود که در مناسبات اقتصادی دو کشور سابقا فکند است" (کیهان - ۵۹/۹/۲۶) رجائی اضافه کرده است: "ما قصد داشته ایم که مالکیت های خارجی در ایران را ضبط نمائیم و اگر چنین امری پیش آید بدون شک صنایع آلمان غرابت های خود را از ایران دریافت خواهند داشت، ایران در آینده در نظر دارد که با ایجاد سهمیلات ضروری، راه را برای سرمایه گذاری آلمانها و دیگر کشورهای خارجی هموار سازد، البته بشرطی که ایران قادر شود مناسبات صنعتی خود را با دیگر کشورها تعمیق بخشد...." آری رجائی به امیرالایم آلمان قول میدهد که در اولین فرصت ویس از ما مده شدن شرایط برای تحکیم پایه های سرمایه داری وابسته به امیرالایم آنها اجازه سرمایه گذاری در ایران را خواهد داد.

رژیمی که ادعای "فدا امیرالایم" بودن دارد! رژیمی که در حرف هرگونه وابستگی را ننگار مینماید پندتهنها با وارد نمودن اسلحه های رنگارنگ از امیرالایم آنها فدا انقلابی بودن خودش را ثابت نموده بلکه هم اکنون با چشم انداز پلانسی ای که برای امیرالایم آنها تصویر میکند آنها را به آینده بیشتر امیدوار میسازد، اما میسازد طبقا تی کارگران قهرمان و توده های انقلابی و زحمتکش ما این خوابهای پلاستی را تبدیل به کابوس وحشتناکی برای رژیم جمهوری اسلامی خواهند نمود.

### باز هم اخراج کارکنان

اخیرا دانشگاه علوم پزشکی ایران اقدام به "اخراج" ۶۴ تن از کارمندان جزو کارکنان این دانشگاه کرده است. "بها نه" مقامات دانشگاه این است که این افراد پس از ۵۸/۶/۱ استخدام شده و از آن زمان استخدام دولتی ممنوع شده است در صورتیکه اگر "خطائی" هم در کارها شده مریوط به مسئولین است نه کارکنان. مقامات رژیم جمهوری اسلامی به بیبها نه های گوناگون به اخراج کارکنان اقدام می دهند تا بدینوسیله "هزینه ها" را پاشین بیاورند (۱). کارکنان اخراجی بنا انتخاب نمائندگانی به مبارزه خود جهت ابطال حکم اخراج اقدام می دهند.

### بیزاد نبوی سخنگوی رژیم: مارکسیستها: سرکوب، رویزیونیستها: آزاد

آنها آزادی میدهد تا ارتجاع را رنگ آمیزی کنند و رژیمهای ضد خلقی را بعنوان "ملی" و "مستقل" جا بزنند. آری رژیم اکنون رسماً به نوکرانش رویزیونیستها را خائن خروشقی و سه جهانی آزادی میدهد تا به توطئه علیه انقلاب بپردازند، در حالیکه در آن رژیم ارتجاعی، کمونیستها نصیبی جز تیرباران و زندان و شکنجه نخواهند داشت، اما تخاصم میان ما و سرمایه داران در هر لباسی آشتی ناپذیر است و رژیم نیز دشمنان را بخوبی میشناسد. بگذار رویزیونیستها خائن توده های وابسته برای خدمت به رژیم بورژوازی ایران و کوشش برای ساختن جا پاشی برای سوسیال امپریالیسم روس از هیچ چاکرمنشی دریغ نکنند و بگذار رژیم به این نوکرانش آزادی توطئه بر علیه انقلاب بدهد. ما آزادی را با انکابه خلق قهرمان ایران بدست می آوریم و آن را در خدمت منافع توده ها بکار میگیریم.

و طبیعی است هم چنانکه ما کمونیستها در حکومت زحمتکشان به همه نمایندگان سرمایه داران، نوکران امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، اجازة فعالیت نخواهیم داد، آنها نیز خواهند گوشت از آزادی را از کمونیستها ها این دشمنان سر سخت طبقا تیشان سلب کنند، اما اگر شاه توانست، اینان نیز خواهند توانست نکته آخر اینست که ارتجاع بعضی مواقع سر نوکران خود را نیز می خورد! مثلا سرمداران بعث عراق که تا توانستند زنبورهای رویزیونیستها را خائن عراقی، بر ضد زحمتکشان و انقلاب استفاده کردند. پس از مدتی که دیگر ارتجاع عراق به آنها نیازی نداشت مورد شکنجه و تیرباران قرار گرفتند. دادن آزادی ارتجاع به رویزیونیستها خائن، با ظواهر این ازواج گیری جنبش توده ها و دنیا زبه رویزیونیستها برای منحرف کردن جنبش توده ها است هرگاه که دیگر نیازی به رویزیونیستها نباشد، ارتجاع به این نوکرانش نیز رحم نخواهد کرد.

بالاخره رژیم بطور رسمی حکم به آزادی فعالیت رویزیونیستها را خائن توده های وفاداری (اکثریت) داد. سخنگوی رژیم در مراسم مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اش (مندرج در مطبوعات اول دی) کمونیستها را بعنوان گروههای متخاصم که "علیه رژیم اسلحه بدست گرفته اند" و "طبعاً نمی توانند آزاد باشند" و "رویزیونیستها را بعنوان نیروهای که میتوانند آزادانه فعالیت کنند، اما چرا؟ مگر هر دوی اینها خود را نماینده کارگران و زحمتکشان و دشمن سرمایه داران نمی خوانند؟ چرا رویزیونیستها که ادعای مارکسیست بودن میکنند باید آزاد باشند و کمونیستها میبایست نه تنها حق فعالیت علنی نداشته، بلکه تیرباران و شکنجه و زندانی شوند و اقمیت را با بیستی در ما هیت مشترک بورژوازی رژیم و رویزیونیستها و نیز در دشمنی طبقا تسی میان کمونیستها از یک طرف و رژیم و رویزیونیستها ها از طرف دیگر دید. رویزیونیستها نوکران سرمایه داری هستند و تنها برای فریب توده ها، لباسی مارکسیستها را بپوش کرده اند. آنها دشمن مارکسیستها و طبقه کارگرند و به دلیل ما هیت بورژوازیشان نه تنها از حکومت های سرمایه داری شدیداً حمایت میکنند، بلکه در برخی مواقع که این دولتها در سرکوب انقلاب و انقلابیون دچار تنگنا میشوند، آزادی فعالیت رسمی و علنی را به رویزیونیستها میدهد تا آزادانه به خراب کاری در جنبش توده ها بپردازند. آنها مسزده خبانت به خلق و مشاطه گری بورژوازی را به آزادی فعالیت سیاسی شان دریافت میکنند. آری رژیم به رویزیونیستها آزادی میدهد تا آنها به ضدیت با جنبش مقاومت خلق بپردازند. آنها را آزاد میگذارد تا مانع مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان در نمانند سرمایه داری وابسته گردند. آنها را آزاد میگذارد تا مانع سنگ ها را بر روی آزادی، به کمونیستها حمله کنند و به لجن پراکنی علیه آنها بپردازند. رژیم به

### بقیه از صفحه ۲۱ پیکار

۲ - اخراج سپاهیان از منطقه "مقامات" رژیم که اوضاع را نا مناسب می یابند، کوشش مینماید بندها فریبکاری مردم را ساکت نمایند و فرمانداران را قتل میدهد که تا ۲۴ ساعت گروه ضربت را خلق سلاح نمایند، ولی مردم خواهان خلق سلاح و خروج فوری آنها میشوند. فرماندار مجبور میشود حکم خلق سلاح گروه ضربت را به ژاندار - مری بدهد ولی توده ها به انتظار ژاندار مری ننشستند و خود با عمل انقلابی به خلق سلاح گروه ضربت مبارزت کرده و زندانها را آزاد کردند

با سدا رگروه ضربت را به "زندان" خودشان می اندازند، حاج کریمی مرتجع از ترش خشم مردم فرا ز کرده و پسرکمالی، چماق دار معروف بدست توده ها "تنبیه" میشود و ما شین خرد میشود. دربار - رسی مرکز گروه ضربت ۴ کارتن تا بد ۱۰۰ کارتن سیگار و مقدار زیادی برنج و روغن بدست مردم می افتد.

توده های زحمتکش در اتحاد دو مبارزه قاطعانه خودشان است که به پیروزی میرسند. هر چه گسترده تر باشد جنبش او جگیرنده توده ها!

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

### سخنی با رفقای گزاشگر:

نوشته‌ای که در زیر می‌خوانید از جانب رفقای خورستان برایمان ارسال شده است و بدلیل آنکه برخی نکات هرچند ریز اما مفید در امر گزاشگری دارد، ماضین خلاصه کردن آنرا درج میکنیم:

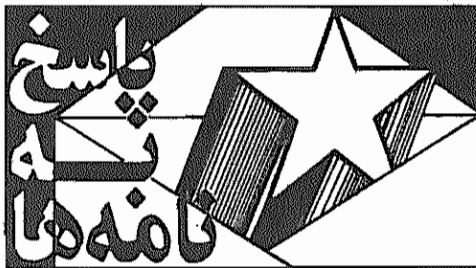
گزارشگر از دوزا و به گزارش و خبر تهیه میکند، یکی از جنبه تبلیغی و افشاگرانه و یکی از جنبه تحلیلی، در مورد دوم برخورد با گزارشگر به این ترتیب است که مثلاً یک گزارش از وضع عمومی فلان محله یا از فلان کارخانه و... میدهد که نشان میدهد که مثلاً کارگران آن کارخانه عموماً مخالف جنگ هستند، این گزارش باید روشن کند که این کارگران از چه موضعی مخالف جنگ هستند و مثلاً اگر یک رفیق درباره وضعیت عمومی یک کارخانه گزارش تهیه میکند حتماً باید تضادهای هیئت حاکمه را در نظر گرفته و روشن کند که کدام دسته از کارگران و از چه موضعی مخالف هیئت حاکمه هستند، آیا از موضع لیبرالها حرکت میکنند و یا برعکس، و یا اینکه کلاً نسبت به تمام جناحهای هیئت حاکمه به یکسان متنفرند.

در تهیه گزارش و برخورد با گزارشگر دو نوع انحراف مهم قابل برخورد است یکی انحراف اگنومیستی و دیگری انحراف لیبرالی. در مورد انحراف اگنومیستی باید گفت مثلاً یک رفیق گزارشگر تنها از وقایع کلیه برداری میکنند و به یکجا نینگری افتاده و نتوانند تفکیک و تحول شرایط یک موضوع مشخص را درک کنند مثلاً در ابتدای جنگ انعکاس اخبار جنگ، تعداد کشته شدگان و میزان غرابیها و... بطور روزمره بین مردم اهمیت درجه اول را داشت ولی بعد از مدتی دیگر این اخبار بعد از ضروری و محوری و تا زگی خود را از دست میدهد و جنبه فرعی پیدا میکند و دیگر در این دوران بیشتر عوارض جنگ مطرح است (بیکاری، گرانی، تورم، آوارگی و...) و رفیق گزارشگر با بستن بنو اندبا تحلیل مشخص از اوضاع و متناسب با نیازهای مشخص گزارش تهیه کند.

انحراف دیگر برخورد لیبرالی گزارشگر است که نقش خود را به عنوان یک گزارشگر کمونیست فراموش کرده و بی تفاوت از کنار مسائل ملی که در پیرامون ما اتفاق می افتد، می گذرد.

لازم به تذکر است که علاوه بر گزارشگران حرفه ای هر کدام ما نیز بنوبه خود باید یک گزارشگر باشیم، همانطور که هر کمونیستی همواره یک مروج و یک سازماننده است، پس تهیه خبر و گزارش و طبقه مسترو همیشگی کلیه رفقا است که از واقع و اتفاقات پیرامون خود گزارش تهیه کنند.

رفقا! برای برخورد دقیقتر در این مورد لازم است که همواره اخبار و گزارشات مندرج در بیکار، فریاد و آواگان، خبرنا مه کمیته خورستان (بویژه شماره ۶ بعد) را با دقت مطالعه نمایند.



در اینجا نکاتی چند را که در تهیه و تنظیم و ارسال اخبار و گزارشات با بستی رعایت گردد ذکر میکنیم و از رفقای ما خواهیم که مسئولانه در رعایت آن بکوشند.

(۱) - در گزارشات از هر قبیل (خبر، مباحثه، گزارش اوضاع جنگ، آوارگان و غیره...) سعی شود از پرداختن به موارد فرعی و غیر ضروری خودداری و در آستانه به برجسته کردن یک محور مشخص که گزارشتان می خواهد به آن موضوع مشخص پاسخ دهد، متمرکز گردد. برای نمونه در یکی از گزارشات که در رابطه با وضعیت بیمارستانهای مناطق جنگ زده به ما رسیده است رفیق گزارشگر بجای اینکه بی توجهی رژیم نسبت به وضع زخمیها وضع نابسامان و بهم ریخته رژیم را در حیطه بیمارستان نشان دهد به یک مورد خیلی فرعی و غیر مربوط چسبیده و آن را منعکس نموده است. مثال مورد نظر این بوده است که یک مرد مجروح لگن او را از دست پرستار زن نمی گرفته و امر را داشته که از یک مرد بگیرد.

(۲) - رفقا! همانطور که همواره تاکید نموده ایم در باره موشق، نیمه موشق، غیر موشق بودن اخبار حتمالاً برای هر خبر، ذکر بنام شماست اما بتوانیم از اخبار و گزارشات هر چه بیشتر و بهتر در پیرامون کارمان استفاده کنیم. برای مثال یکی از رفقای ما خبری از خبرها پیش به این صورت اشاره کرده "طبق اطلاعاتی که ما این هیچ چیز را مشخص نمی کند، تاریخ اتفاق افتادن خبر و یا تهیه گزارش حتماً ذکر گردد.

(۳) - رفقا در بیان گزارشات هرگاه از کارنال ارگان تشکیلاتی آن را ارائه میکنند، امثالاً ارگان را مشخص بنمایند و در صورتیکه گزارش و اخبارشان بصورت انفرادی ارائه میشود با نام مستعار و یا حرف اول اسمشان و همچنین شهری که در آن به کار گزارشگری مشغول میباشند را نیز ذکر بنمایند و همچنین تاریخ ارسال گزارشات را نیز در بیان گزارش ثبت بنمایند.

(۴) - رفقا نحوه برخورد تبلیغی شان را به عنوان صریح و بیگانه جمع بندی کرده و به عنوان دستاورد دیگر و گزارتوده ای طی گزارشی ارسال دارند. از هرگونه انعکاس برخورد تبلیغی به یک نفر (عابر، همسایه، مسافر، کاسبکار...) بجز در موارد مهم و حاسن خودداری گردد. تنها استنتاج و ما حمل آنچه که مفید می توانند باشد بصورتی واضح و بیگانه گزارش شود.

موجود نیست در آن صورت میتوانند آنرا بنمایند. استفاده نمایند.

(۷) - رفقا اخبار و گزارشات و مباحثات را بر اساس نوع آن که کارگری عام یا ویژه آوارگان است، جدا کرده و دسته بندی نموده و هر کدام روی برگ مجزائی نوشته شود، تا در تشکیل آن دوباره کاری نشود.

(۸) - قطعاً غذا بدیگسان باشد، بهتر است همه از اوراق دفاتر معمولی (مثلاً ۴۰ برگی) استفاده کنند با حداقل هر حوز (ارگان یک شهر) سعی نمایند اوراق مورد استعمال خود را از یک قطع استفاده کنند.

(۹) - حتماً اوراقی که اخبار و... در آن منعکس میشود، یک خط در میان نوشته شود و پشت کاغذ هم چیزی نوشته نشود تا در تنظیم آن توسط سایر دیگرنیازی به استفاده از کاغذهای مجدد و رو نویسی های "خردکارانه" نباشد.

(۱۰) - رفقای گزارشگر و خبرنگار بنمایند از کسب اخبار و تهیه گزارشات و مباحثات در خصوص خلق عرب مناطق جنگی غافل بنمایند، این امر یعنی توجه کافی به مسائل و مشکلات مفاغی که بسیاری این خلق ممکن است ایجاد شده باشد برای اهمیت زیادی دارد.

(۱۱) - شایسته است که نقل قولها را در گیومه ("") قرار داد.

(۱۲) - رفقا هیچ وجه مجاز نیستند اسم کسی را که با آنها برخورد میکنند و آنها هم کاری نزدیکی با رفقا برقرار میکنند، در گزارشات خود بنمایند اینکار را به لحاظ امنیتی خطرناک بوده و چه بسا در صورت نافرقتن، ارتجاع مزاحمت هایش برای آنان ایجاد نماید!

(۱۳) - رفقا موظفند اخبار داخلی را بطور جداگانه نوشته و برای ارگان تشکیلاتی مربوطه و سایر ارگان تشکیلاتی بالا بنفرستند، نه همراه اخبار عام برای تبلیغات.

### رفیق ح - کارگزار شهید

ضمن انتقاد به ریز بودن حروف نشریه، خواسته است که حروف آنرا بزرگتر کنیم، رفیق کارگزار! این اولین باری نیست که چنین تقاضایی میشود، بسیاری از رفقا بویژه کارگزاران و زحمتکشان از اینکه حروف بیکار ریز است دچار مشکلاتی در مطالعه آن میشوند، بهمین دلیل نیز ما حروف آن را تا اندازه ای درشت کرده ایم که البته هنوز کافی نیست اما ما سعی می توانیم حروف نشریه را بیش از این درشت چاپ کنیم. چه درشت چاپ کردن حروف جای بیشتری می طلبد و به توجه به شرایط عملی که ما شدیداً ز نظر میزان صفحات در مضیق هستیم (۳۲ صفحه در هفته) و بسیاری از مطالب تهیه شده برای بیکار رانان - کزیر حذف میکنیم بنا بر این نمی توانیم حروف کل نشریه را درشت تر از آنچه که هست کنیم. اما





### چین: کمونیستها، رویزونیستها را افشاء میکنند

رویزونیستهای ضدانقلابی حاکم برجی، با برپا کردن دادگاههای ارتجاعی خودکوشیده - اند اما حیثیت کمونیستها را لکه دار نموده و سوسیالیسم و مارکسیسم را طردار سازند. رویزونیستها هیچانی که طرفدار ی سرما به داری و امیرالیسم مناسند و نفرت عمیقی نسبت به کمونیستها جسی داسند، سعی نمودند تا با به محاکمه کشیدن رهبران انقلاب فرهنگی، خاطره و عشق رفیق ما ثوما رکسیست کمینیستها را از قلوب زحمتکشان پاک کنند و سندی خائنه برای حفاست ارتجاعی خود به



اخبار  
ومسائل  
جهانی

علیه بورژوا - رویزونیستها و خیا نتهای آنان تبدیل کرده و ترس این خائنین را از افشاگری در حضور میلیونها زحمتکن بر ملا نمودند. رویزونیستها کوشیدند تا وفاداران



"چپا تگ چینگ" عنصر دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی



"چان چونگ چیا شو" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی

### امپریالیسم آمریکا باز هم کسینجر را به میدان میفرستد

مبارزات دلیرانه خلقهای تحت ستم در خاور میانه عربی و ایران و ترکیه، مقاومت قهرمانانه خلق های فلسطین و لبنان، محسوق ماندن توطئه خائنه ما دات ولرزشی کینه در ارکان موجودیت رژیمهای ارتجاعی منطقه و خلیج افتخار است، امپریالیسم غارتگر و جنایتکار آمریکا را بفکر چاره جوئی تساهل زهای انداخته و آمریکا بکنبار دیگر "دیپلما سی سیار" کسینجر را به مصاف خلقهای منطقه فرستاده است.

سابقا در اوسط سالهای ۱۹۷۵ کسینجر این چهره مکار و کهنه کار امپریالیسم برای کشاندن نیروهای سازشکار عرب به پشت میز مذاکره با "اسرائیل" از سیاست تهدید و دلار اسفاده کرد و برانجام ما دات، این نماینده بورژوازی وابسته مصر را به اجرای طرح "چدا - سازی نیروها" و انعقاد صلح با "اسرائیل" کشاند.

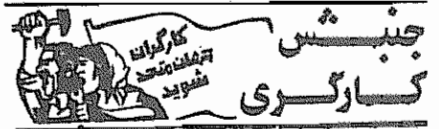
هم اکنون مسأله مهم برای امپریالیسم آمریکا پیدا کرده طرح "خودگردانی فلسطینی" ها در ساحل غوبی رود اردن (در ربرکننتلبرل اسرائیل)، پابان دادن به موجودیت انقلاب فلسطین در لبنان و سرکوب کامل نیروهای منبری در این کشور، و اردگردن اردن به قرا داد کمیت دیوید، نفیوت نیروی نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه خلیج و تحکیم وضع رژیمهای دست نشانده ای مثل سعودی و با لاف زده جلوکبری از رشد انقلاب و سرکوب آن در سراسر منطقه میسند، کسینجر از رورع دیماه به سفر نوظنه آسمر خود به منطقه برداخته و از فلسطین اشغال شده، عربستان سعودی، اردن و مراکن دیدن میکند. فیل از او در ۲۷ آدرماه گذشته "دیوید جونر" رئیس ستاد مشترک ارتنا آمریکا، سفر خود به اردن، فلسطین اشغالی و مصر را آغاز نموده بود.

امپریالیسم آمریکا بر اساس ماهیت اشکلی و پوسنده خود با کراسایت برای ادا مصلحت غارتگرانه خود به محبت مانده برسی و ارتجاعی - برسی تسلط و ورستیها منگی با سدوا و بریش سلطحات سمرقمه نظیر او اکس و عمره پدا نشان اسی ررسمها را برای سرکوب انقلاب بوده ها محپرسا رده و سحرارت صدا انقلابی خود را در سراسر جهان در احمیا زمان نگدارد، اما انقلاب بوده ها در سراسر منطقه سخانی رسیده است که با سفرهای کسینجر هر چه هم مودسانه، کامسوری و سچا وز - دانساندارای آرایدارد کسینجر انقلاب را ارورسیدن ساجا امپریالیسم و ارتجاع در منطقه مانع گردد. ■

پرولساریا را به بازس و تسلیم بکشاند، اما کمونیستها اسنادکی نموده و این توطئه را افشا کردند. رمقی "جماک جنگ" همسر رمقی ما شو، خطاب به خائنین گفت: "اکرما سمررا قطع کنید تا نگوهر را زانس که سجا تسلیم سوم." آری کمونیستها هرگز تسلیم بورژوازی نخواهند گردید، آنان حاضرند در راه دفاع از مارکسیسم و فلسطین و طبعه کارکریوسه خلادان سوزواری به سهادت برسند، اما هرگز خود را تسلیم دشمنان طبعه کارکر نخواهند کرد.

کمونیستها در راه آرمان کمونیسم بی حکنه و در اس راه منظور آسی با سدر به پیش هوا هدر رفت و هما بگونه که سوزوری آنان حتی اس متزک سرما به داری سرفطی میسند. ■

امضا برسانند، رویزونیستها خائنین، رقیب ما ثورا "جماکنار" معرفی کرده و رهبران انقلابی طبعه کارکر را محرم مبارزه علیه لیسو - سا شوچی رویزونیست جاش ونگ سا شوینک مرند و دادگاه صد انقلابی خود محکوم کردند، اما رهبرانی که به آرمان سولساریا و مسادار مانده و عشق ملبسویا نموده ستمنده چین و جهان را در دل دارند، به دفاع از مارکسیسم تسلیم و طبعه کارکر بلسند، در رویزونیستها را رجات ملبسویا رحمتکن محکوم نموده، کمونیستها در دفاع خود، رویزونیستها حاکم راندرسی "مریح ونا سست" آریایی نموده، آنان را سوزواری مرید و متحدان امپریالیسم خطاب کرده و از راه انقلابی خود دفاع نمودید، کمونیست ها دادگاه رویزونیستی را به صحنه افشاگری



بقیه از صفحه ۳ همینجا...  
هم‌توند!

۲ - قدرت کبری انجمنهای اسلامی، باعث می‌شود که جناح حزب جمهوری اسلامی بنواهند. موقعیت خود را نسبت به جناح لیبرال‌ها که عمدتاً در مدرسیت کا رخانات نمودند، نقویت کند. خواست نصفه مدرسان "غیرمکتبی" کا رخانات و دخالت دادن انجمنهای اسلامی در مدیریت و نظارت، و کنترل بر آن، که توسط سخنرانان مطرح می‌گردد، بسیار نگرانی و اذیت است.

۳ - وحشت رژیم از رشد آگاهی کا زگران و فعالیت نیروهای کمونیست و انقلابی در کا رخانات، انعکاس خود را در گذشته‌های نهایی سخنرانان نشان داد. عوامل حزب جمهوری اسلامی با لجن‌سراکنی بر علیه کمونیست‌ها و انقلابیون، سعی در فاطله انداختن، بسن کا زگران و این نیروها دادند. آنها که میدان را برای بکه‌نازی خود مناسب می‌بینند با ایجاد محیط خفگان و سانسور سعی در جلوگیری از فعالیت آگاه‌گرا نه کمونیست‌ها دارند.

۴ - رژیم که آتش سرتوهم‌سوده‌ها و مسوولان اسفاده‌ها را احساسات مذهبی و وطن پرستانه آنهاست، با تسلیفات ترک‌کننده اش سعی دارد و نمود کند که کویا "انقلاب" اسلامی ایران سر-علیه امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران است. از اینرو بیشترین زمان این جلسات صرف روضه-خوانی و عوام‌فریبی عمال فدکا رگرج-زب جمهوری اسلامی در اینجور در دید، زمانی که حسی کارگر-ان متوهم عضو انجمنهای اسلامی صاحب‌ارخواسهای صنفی کا زگران می‌گردند، می‌سین رژیم با گفتن اینکه الان جنگ است و "فدا انقلاب" مسخواهد سو، استفاد هکنند و اینکه این خواستها مادی "وبسی" ارر شدند و "ما برای اسلام انقلاب کرده‌ام" و نظایر این اراجیف، موضوع را ماستمالی کرده و نشان دادند که حتی حاضران ناخامی‌های از خواستهای رفاهی کا زگران نرسینند.

حزب مرتجع و سرکوبگر جمهوری اسلامی که علیرغم عوام‌فریبی‌های به اصطلاح "فدا امپریالیست" اش استنک و روبرو رسی سردر نردوده‌ها افشا می‌گردد، مذیو خا به تلاش میکند از طریق ارگان-ها بش نظیر انجمنهای اسلامی کا رخانات، با میاسی بر علیه کمونیست‌ها و انقلابیون، حلسوی رشد آگاهی کا زگران را گرفته و مینارزات آنها را سرکوب نماید. رژیم با تحمیل جنگ ارنحایی کنتونی به نوده‌ها فرصی هر چند کوتاه مدست آورد که این تسلیفات ضد مردمی را افزایش دهد، اما آگاهی‌شدن رورافرو نوده‌ها، شاهد خنسی شدن این عوام‌فریبی‌های رژیم‌هستیم.

گسرس مبارزات کا زگران در کا رخانات سر-علیه کم‌شدن حقوقی و ماسا، اخراج و بیکاری، و... سا مکرر آست که دیگر حنای رژیم برای نوده‌ها رورسوری و نکنر می‌گردد!

بقیه از صفحه ۳ افزایش...

اما کوبی این برخورد به مزاج راه‌کارگر خوش سبامده و او را واداشته است که عزم را جزم کرده به نعنمن اسراف روبرو بیوستی خودبشناد! رفقای راه‌کارگر در شمار ۳۰۰ نفری خود، طسی مقاله‌ای به تنها برشما را افزایش نولیدند "قا طمانه" یای فشرده اند، بلکه این موضوع را وسیله‌ای قرار دادند "ما بس تفکر بیکار" را مورد نقد قرار دهند! راه‌کارگر با ابتدای برای آنکه نشان دهد که "بیکار تا چه حد جانب صداقت را رعایت کرده است"، سعی دارد بگوید که بیکار در آوردن نعل فولیها، شرط امانت داری رایجا نبیا ورده و با بریدن سرونه جملات راه‌کارگر، مفهومی را خلاف آنچه مورد نظر راه‌کارگر بوده، مورد نقد قرار داده است. بسا برای این خودبسه آوردن کا مل گفته خویش در راه‌کارگر ۴۵ مسی-پردا زد، اما خواننده هر چه می‌گردد تا مفهومی خلاف آنچه بیکار را زوشته راه‌کارگر استنباط کرده، بسیار با ما بس می‌گردد. ما در بیکار ۸۱ نونسیم که: رفقا می‌گویند: "افزایش تولید ضروری است" (راه‌کارگر صفحه ۹) و حتی آنچنان پیش می‌روند که ۱۲ ساعت کا زگران در قبسال دریافت ۸ ساعت حقوق، یعنی ۴ ساعت بیگاری کا زگران را تا شید و تشویق کرده و آنرا "فداکاری قابل ستایش" می‌خوانند، در اینجا فریساد اعتراض راه‌کارگر ببلند می‌شود که گفته است: "با بدخواهی برجریان امور حاکم گردید که این شما بر به وسیله‌ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کا زگران تبدیل نشود، هم‌بند در تعدادی از کا رخانات کا زگران مطرح کرده اند که ۱۲ ساعت کار می‌کنیم و ۸ ساعت حقوق میگیریم این فداکاری قابل ستایش است، ولی با پدرا راه‌سیر سودجویی سرمایه‌دار است. این مطلب نه تنها گفته ما را نقض نمی‌کند، بلکه آنرا تا شید کرده و انفاقا همین نکته روشن می‌کند که راه‌کارگر چگونه مسخواهد "فواصطی برجریان امور حاکم" کند که شما را افزایش تولید "وسله‌ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کا زگران" بکردد؟ راه‌کارگر از چه راهی مسخواهد "راه‌سیر سودجویی سرمایه‌دار" ببندد؟ خوب سود رفقای راه‌کارگر که با بقدر دم را "تحلیل متخص از شرایط متخص" می‌رند و ما راه "دگما نیسم" و "کلی با فی" متیم می‌کنند، خود راهی متخصی ارائه میدادند که جلوی غارت و سودجویی سرمایه‌داران را می‌گرفت! اما راه‌کارگر با شعرا افزایش تولید هرگز نمیتواند چنین راه‌هایی را شان بدهد. تنها راهی که تحلیل راه‌کارگر در مقابل کارگران قرار میدهد، راه تسلیم به سوز و آزی، راه خدمت به رژیم سرمایه‌داری و نپا یسا همان راهی است که روبرو بیوستی اکثریت می‌سما بند.

سعی می‌کنیم این مطلب را سمنر توضیح دهیم:  
**پوشاندن تناقضات در پی متهم کردن پیکار!**  
ما در بیکار ۸۱ از قول راه‌کارگر نوشته

بودیم: "هر کدا ما را سجا (سرمایه‌داران) خواهان همکاری در جنگ مقاومت با سنده، ا فدا می‌سیر علسه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت." (پرا سترها از ما ست)، اما راه‌کارگر اعتراض می‌کند که چرا نفل قول کا مل او را نسا ورده اسم و ما را متهم می‌کنند که "بایی سرونه کردن مطلب عنوان شده"، سچی کرده ایم برای خود کسب حفا نسبت کنیم! راه‌کارگر خود نفل قول کا ملش را مآورد تا "فوز"ش را خوب کند، اما "فوز" دیگری در پشتش سما ن مشود که "فوز با لانوز" می‌گردد! اما چگونه؟

راه‌کارگر در راه‌کارگر امان نفل قول فوق می‌گوید: "... ولی مبدا سیم که در حال حاضر عمدتاً سرمایه‌داران به تنها خواهان مقاومت نیستند، بلکه اکثریت سندر راه‌ان حرا سکاری نیز خواهانند کرد. بس حفظ امکانات بسیج در حال حاضر در جامعه ما اهمیت بیشتری دارد." سنا برای این راه‌کارگر معضلات است که در شرایط فعلی، سرمایه‌داران عمدتاً خواهان شکست روبرو و حنسی خرابکاری و کارشکنی در تولید می‌شند، کما - اینکه در حای دسگری از همس مقاله می‌بوسد: "زمانی که تنها با کنترل سوسط سورا های واقعی کارگری و فشار سراسر سرمایه‌داران و با به عبارت دیگر اعلان جنگ به سرمایه‌داران می‌توان تولید را افزایش داد و این امر برای مقابله با خطر فلاکت جهانی از جنگ (حال ارتجاعی با سندها عا دلانه) با شاد و چنانی از سحران، ضروری است، بیکار همچنان به مکرر رسیده کلام "افزایش تولید به نفع سرمایه‌داران است" می‌پردا زد. زمانی که ما سرمایه‌داری در شرایطی نیست که تولید را افزایش دهد و حتی خود ما بل است در جریان آن کارشکنی کند، یعنی زمانی که سرمایه‌داری دچاریک بحران انقلابی است، بیکار می‌گوید که کنترل تولید توسط سورا های کارگری و از آن طریق افزایش تولید سنا روبرو زواشی است." (با کندها ارما و پراسنا از راه‌کارگر است)

راه‌کارگر از طریق "همکاری" سرمایه‌داران (بالاقل بخشی از آنها) در اصطلاح "جنگ مقاومت"، با طبقه کارگر و نوده‌ها، صحبت می‌کند و از طرف دیگر معتقد است که سرمایه‌داران در جریان تولید "حرا سکاری و کارشکنی" می‌کنند! یعنی اگر چه غالباً سامل سرمایه‌داران به اخلاص در تولید اسب، ولی اگر هر کدا ما از آنها خواهان همکاری در جنگ مقاومت با سنده، ا فدا می‌بر علسه آنها صورت نخواهد گرفت!؟ بعبارت دیگر سراسر راه‌کارگر (که افزایش تولید را سراسر سرمایه‌داران قلمداد می‌کنند)، بخششی از سراسر راه‌ان بر "حلاف" مناسعتان حرکت کرده و نه تنها در تولید "کارشکنی" نمی‌کنند بلکه در اصطلاح جنگ مقاومت سنا "همکاری" می‌نماید! و جالبتر آنکه راه‌کارگر از طرف کارگران به ایندسه از سرمایه‌داران قول می‌دهد که "افدا می‌بر علسه آنها صورت نخواهد گرفت"!! سراسر سنی که اس رفقا برای پوشاندن التقاط و

# پیکار



انحراف رویزیونیستی خویش، چه کارها که نمیکنند! راه کارگرکارا به آنجا میرساند که نتواند تنها جنگ ناعادلانه کنونی بین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق را "جنگ مقاومت" مینامد، بلکه با وا رونه کردن حقایق، افزایش تولید را که یکی از اهداف سرمایه داران و رژیم مدافعان آن جنگ کنونی است، بفرز آنها جلوه میدهد. بعلو راه کارگر روشن نمیکند که همکاری با کارشکنی بخشهای مختلف سرمایه داران با جنگ و تولید چگونه و به چه دلیل صورت میگیرد؟ و اساسا چرا باید در چنین شرایطی بین سرمایه داران و دنیوی سیاست متفاد دوجود داشته باشد؟ راه کارگر برای پوئانندن این تناقضات خود به شیوه ای اپورتونیستی متوسل گردیده و با حمله به ما و ادعای تحریف گفته های پیش از جانب ما، سعی در گمراه کردن آب دارد، حال آنکه انحراف راه کارگر آنقدر روشن است که در سرتا پای مقاله اش خود را نشان میدهد. راه کارگر صحبت از ضرورت "مقابله با خطر فلاکت" میکند و مدعی است که چه جنگ ارتجاعی باشد چه عادلانه با یید با آن مقابله کرد! این رفتار آنقدر در ایده های رفرمیستی غرق شده اند که خود را تا حد سنگاه خیریه تنزل داده و وظیفه کمونیستها را در هر صورت مقابله با بحران و فلاکت قلمداد می کنند. اگرچه غرق شدن توده ها در فلاکت، امکان آگاه و متشکل نمودن آنها و مبارزه شان بر علیه بورژوازی را با مشکلاتی مواجه مینماید، اما از آنجا که کمونیستها معتقدند بنا بودی آنها بیی فلاکت توده ها تنها در سوسیالیسم امکان پذیر است، لذا برخلاف اپورتونیستها و رویزیونیستها که فلاکت توده ها را بهانه ای برای آشتی دادن توده ها با بورژوازی قرار میدهند، کمونیستها برعکس از این فضا روستمی که بر توده ها وارد میاید، در جهت هر چه بیشتر نشان دادن ماهیت نظام سرمایه داری به آنها و نشان دادن راه مبارزه طبقاتی بعنوان تنها راه نجات زحمتکشان استفاده میکنند. آری تفاوت راه انقلابی و راه اصلاح طلبانه اینجا است!

## الگوسازی و تحریف نقل قول نین:

راه کارگر برای "اثبات" تزه های رویزیونیستی اش به تحریف نوشتجات نین، مطالبی میل خود دست میزند. راه کارگر پایه تحلیل و استدلالش را حلات نین در مقاله "خطر فلاکت" قرار میدهد و در برابر برخواننده ای که اطلاعات محدودی از تاریخ روسیه و آثار رفیق نین دارد، خود را حق جلوه میدهد. راه کارگر "فراموش" میکند به خواننده بگوید که گفته نقل شده از نین در چه زمانی و تحت چه شرایطی نوشته شده است. مقاله "خطر فلاکت" از نین در سپتامبر ۱۹۱۷

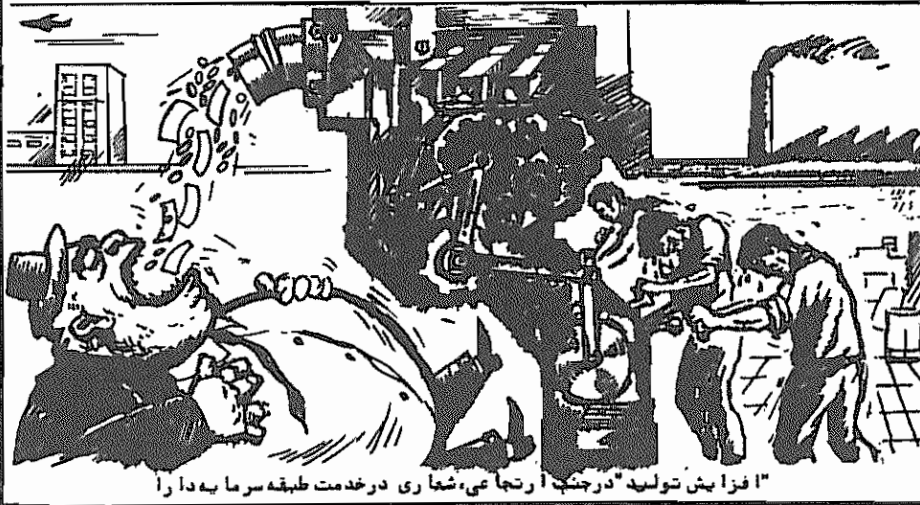
(حدود یکماه به انقلاب کسیرا کتبر مانده) می نویسد. در این زمان در روسیه موقعیت انقلابی برقرار بود و شورا های مسلح کارگران و دهقانان یکی پس از دیگری قدرت را در کارخانه ها و مراکز تولیدی بچنگ میاوردند. کمونیستها رهبری اغلب شورا های مسلح کارگری را در دست داشتند و سرمایه داران چاره ای نداشتند جز آنکه به هر شکل که میتوانستند با قدرت شورا ها مقابله نمایند، با حتی فرار را برقرار ترجیح دهند. خلاصه شرایط آنگونه بود که یکماه بعد از بوستن این مقاله توسط نین بزرگترین انقلاب روسیه را ملاکتی مسلم تهدیدی می کنند. سرمایه داران تعداد و دشمنان را در کارشکنی مینمایند (خواب میکنند، از کار میاندازند، لطمه میزنند و از حرکت باز میمانند) و امیدوارند که این فلاکت بی سابقه بقیه بوجهیات شکست جمهوری و دموکراتیسم شورا ها و بطور کلی اتحادیه های کارگری و دهقانان را فرا هم نموده رجعت رژیم سلطنت و استقرار مجدد قدرت مطلق بورژوازی و ملاکتین را تسهیل کند. (صفحه ۴۸۹ منتخب آثار - پراوتزا زلنین و تا کیداز ماست)

آیا راه کارگر شرایط کنونی ایران را شبیه شرایط آنزمان روسیه میداند؟ یا آنکه صرفا خواسته است از تشابه ظاهری کلمات "افزایش تولید"، "خطر فلاکت"، "کارشکنی سرمایه داران در تولید" و... در گذشته نین و نوشته های خودش، از کم اطلاعی احتمالی خواننده سوء استفاده کند؟ آیا در حالت اول (که البته راه کارگر چنین نظری ندارد) چه چیز جز آنا رشیم آشکار خواهد شد؟ و در این صورت دمکراتیسم و شورا های کارگری و دهقانان در روسیه آنزمان، هم ردیف شورا های قلاسی کنونی (ب) قرار میگیرد. و حالت دوم (که مورد نظر راه کارگر است) نیز چیزی نیست جز متوسل شدن به شیوه اپورتونیستی برای پوئانندن انحراف رویزیونیستی اش، اما راه کارگر خود درجائی از مقاله اخیرش مینویسد: "... با وجود اینکه افزایش تولید به نفع سرمایه داران است لیکن هر نوع افزایش تولید سرمایه داران را نجات میدهد. تفاوت بسیار دارند.

و از آن جمله افزایش تولید با کنترل کارگری و در شرایط یک جامعه بحرانی که در موقعیت انقلابی قرار ندارد، نفع سرمایه دار نیست. (تا کیداز و خطی از ماست) در اینجا راه کارگر به واقعیت موجود که جامعه ما اگر چه از جویا لای انقلابی برخوردار است، ولی "در موقعیت انقلابی قرار ندارد." اعتراف میکند، ولی اصرا را در آنکه در این شرایط افزایش تولید به نفع سرمایه دار نیست، اینجا درست نقطه کلیدی مسئله است که با کمی دقت بوضوح میتوان ماهیت انحرافی در کارگر و شورا را افزایش تولید او را مشاهده نمود. در جامعه ما موقعیت انقلابی حکمفرما نیست، قدرت مسلح شورا های کارگران و دهقانان، بعنوان آلترنا تیوئیر و مندسلیی وجود ندارد و اغلب کارخانجات در کنترل مستقیم و غیر مستقیم دولت است. رژیم برای به انحرا فز کشتن مبارزات توده ها و بر آوردن خواسته های ارتجاعی، جنگی بر راه انداخته و از توده ها بعنوان گوشت دم توب استفاده میکند. این جنگ علاوه بر آنکه فقر و فلاکت توده ها را بیشتر کرده، بوجهیات تشدید استعمار کارگران و زحمت کشان را فرا هم نموده است و سرمایه داران با حمایت کامل رژیم، به بهانه جنگ از کارگران تولید بیشتر و سود بیشتر میطلبند و آنگاه راه کارگر به سرمایه دار میخواند که افزایش تولید در این شرایط به نفع سرمایه دار نیست و اصلاح سرمایه دار در تولید "خوابکاری و کارشکنی" میکند! باید از راه کارگر سوال کرد: مگر چه شده که سرمایه داران مجبوشده اند از سودشان چشم ببوشند؟ نگردد رژیم جمهوری اسلامی را آنقدر برای خود "خطرناک" تشخیص داده اند که می خواهند از اینگون سازند؟ کسی چه میداند شاید هم "توطئه" مپریالیسم "باشند!

(ادامه دارد)

(ب) - لازم به تذکر است که تعداد محدود شورا های واقعی کارگری موجود در ایران، در واقع حدا کثر سندیکاهای سرخ هستند و با شورا های مسلح روسیه که ارگان قدرت کارگران و دهقانان بودند، تفاوت بسیار دارند.



"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شکاری در خدمت طبقه سرمایه دار!



بقیه از صفحه ۳ مرکز...

به جیب سرمایه داران بزرگ ریخته میشود. در عمل بخوبی دیده میشود که اکثریت قاطع این شرکتها دچار مشکلات مالی ویا دبیود و بهیچوجه سودآوری ندارند و این در حالی است که تعداد قابل توجهی از افراد چه کارگر و چه دیپلمه با حقوق بسیار کم ترا سطح عادی، به کار ردیفند مشغولند و مانند شما شرکتها و کارخانه های سرمایه داران سرمایه داران، شماره کارشان توسط سرمایه داران بلعیده میشود. برده سازی که به روی این رابطه استثمار کارگزاران کشیده شده، این است که با شرکتها با اصطلاح "منطق" به اعضاست و این دقیقا همان "سهام شدن" کارگران در سود کارخانه است "را که نیرنگی برای تشدید استثمار و وا داشتن کارگران به کار سنگین تر است راه به یاد می آید. در اینجا هم دولت بخشی از سرمایه خود را خریده و با این سرمایه های خریده شده شرکتها را وابسته به خود را تشکیل داده است. اعضا شرکتها با یکسال پس از دریافت وام آنها را بصورت اقساط به دولت پس دهند.

این شرایط و در کنار آن بالا رفتن روز افزون نرخ تورم و تشدید بحران اقتصادی، موجب بروز نا رضایتی شدید در بین اعضا شده است. این نا رضایتی ها در گذشته بصورت استعفا دادن و کنار کشیدن اعضا، در مواردی انحلال شرکتها بروز می نمود. مرکزگسترش در مواجهه با این نا رضایتی، اقدام به ترتیب برنامهای برای هر چه بیشتر تر زیر کنترل در آوردن اعضا مینماید از جمله تعهدنامه ای تهیه میکند که کلیه اعضا یا موظفند به آن عمل کنند و یا اینکه استعفا دهند. این تعهدنامه کوششی است در جهت تشدید جوخقان در محیط کار و همچنین افزایش استثمار، طبق این تعهدنامه صلاحیت یک عضو را سردمداران گسترش ممکن تعیین میکنند و نه خود اعضا در تعهدنامه آمده است: "... هرگونه تخلف از این موارد بوسیله مرکزگسترش قابل پیگیری بوده و رای صادر از طرف مرکزگسترش را بدون هیچ عذرو بهانه خواهیم پذیرفت." به خوبی میتوان مشاهده کرد که طبق این اصل شرکت آزاد است بدون هیچ عذرو بهانه ای هر کس را که مایل بودا خراج کند. در جای دیگر میخوانیم: "... (متعهد مینوم) که به نسبت و گروههای که مخالف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل میکنند و استیفا نداشتند و خود متعهد به عمل در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مینمائیم. ضمنا متعهد مینومیم که از مکانات شرکت و بخصوص وقت کار شرکت برای تبلیغات سیاسی استفاده ننمائیم"

اگر بخواهیم همین حرفها را ترجمه کنیم این میشود که تعهد میکنم مثل یک ماشین چشمها و کوششیم را ببندم و برای شما جان بکنم چرا که در "چهارچوب قانون اساسی" جمهوری اسلامی ایران کار کردن یعنی جان کشدن و رنج کشیدن. یعنی نوکری جیره و موابج سرمایه داران بودن. طبق این تعهدنامه کسی حق افشاکاری این سیستم ظالمانه را ندارد. سیستمی که در آن عده ای سرمایه دار با همدستی و حمایت نمانندگان نشان در رأس دولت، میکوشند که با سرکوب انقلاب و با زسازی کامل سرمایه داران و وابسته تا زبانه های استثمار را برکمر کرده زحمتکاران ایران فرود آورند.

این تعهدنامه آنچنان کار در راه استخوان اعضا رسانیده که چند روز پس از ابلاغ تعهدنامه آنها، حدود ده نفر از اعضا جلوی مرکز جمع شدند و طرف دفتر به راه افتادند و بیرون دفتر آقاخان که یکی از مسئولین مرکز است تجمع کردند. و در همین حال یکی از اعضا درحالی که تعهدنامه را با صدای بلند میخواند، تک تک بندهای آنرا برای دیگران افشا میکرد و نشان میداد که چگونه این تعهدنامه با منافع اعضا متضاد است. بهر حال بعد از مدتی آقاخانسی اجبارا در جمع حاضر میشد و بعد از خواندن چند آیه شروع به صحبت میکند: "صحبت من با کسانی است که با آنها در مورد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی توافق دارم و آنها هستند که میتوانند حرفهای مرا بپذیرند. من میدانم که دستهای شما را وادار به اینکار کرده است و مطمئنم همین شما افراد انقلاب که اصلا اسلام و انقلاب را قبول ندارید رخنه کرده اند". در اینجا حاضرین شدیداً اعتراض کردند و از او استنسید بدون سرچسب زدن به موضوع تعهدنامه میبپردازد آقاخانسی که در اصل جز فسطه چیزی نداشت که تحویل دهد، عاقبت دست خود را روی میگذارد و اعتراف میکند که: "ما میخواهیم با گرفتن این تعهدنامه کاری کنیم که هیچکس نتواند به دلخواه خود استعفا دهد و مجبور باشد حداقل ۲ سال اینجا کار کند". در جواب این حرف یکی از اعضا گفت "جناب آقاخانسی، در واقع این شرایط که خود شما بوجود آورده اید موجب میشود که اعضا استعفا دهند و اگر نه کسی مایل به بیکار شدن نیست. آقاخانسی جوابی نداشت که به این حرف بدهد و در ادامه سخنانش اشاره میکند که: "در این شرکتها سازمانهای ضد انقلابی مثل مجاهدین و بیکار و گروههای دیگر نفوذ کرده اند و ما میخواهیم جلوی اینها را بگیریم". آری جناب آقاخانسی دست خود و همکارانش را روی میگذارد! ترس ایشان از رشد سیاسی اعضا شرکتها و بالا رفتن آگاهی آنها، گاملا از گفته های اخیر پیداست. یکی از حاضرین فریاد میزند که: "آقای آقاخانسی شما از روی خون شهیدان این

ملت عبور کرده اید و حالا بخت میزنند اید و فرزندان همین ملت زور میگویند. آقاخانسی با عصیانیت جواب میدهد که: "من اگر خونم هم ریخته شود نمی گذارم فدای انقلابیون کارما را خراب کنند." یکی دیگر از اعضا که یک بابیش را در جریان انقلاب از دست داده درحالی که به پای مصنوعیش اشاره میکنند با خشم فریاد میزند که: "آقاخانسی، ما را شهید بده ریختن خون نکند. ما در انقلاب زخمی شدیم تا آزادی واقعی را به چنگ آوریم و حالا شما ما را به بازی گرفته اید؟" ولی آقاخانسی (و بقیه مسئولین) با سماجت و قیاحانه ای در مقابل خواسته های اعضا مخالفت میکنند و در جواب کسی که خواستار تشکیل اتحادیه ای از شرکتها و تعاونی برای رسیدن به خواسته های آنها شده بود با عصیانیت فریاد میزند که: "من صد درصد با این حرف مخالفم تشکیل اتحادیه و شور و خواست کمونیستهاست و من زیر بار این جور حرفها نمیروم. ولی با تشکیل انجمن اسلامی که افراد کمیتی و مومن در آن نمایندند شوند که ملا موافقم" به راستی که سرمایه داران و نمایندگانشان از شکل کارگران و حشمت فراوانی دارند و کلماتی چون "اتحادیه" و "شورای واقعی" مانند پتکی است که بر مغزشان کوبیده شود. آری! آنان از آگاه شدن ما میهراسند و چنین است که قانون "منوعیست تبلیغات سیاسی در محیط کار" را علم میکنند تا سدی جلوی رشد شکل و اتحاد ما بگذارند و به همین دلیل آقاخانسی سعی در برانگیزه کردن کارگران میکند و میگوید "یکی یکی نزدیک ما میاید و لی "جمع" نشوید!! آری! آنان از اتحاد ما در هر آنند چرا که خوب میدانند تنها در صورتی که به نیروی یکدیگر تکیه کنیم قادر خواهیم بود به خواسته های حداقلی برسیم و در غیر این صورت شکست خواهیم خورد.

در صورت اجتماع آنرویدون توافق بیایان رسید، این جریان اعتراضی چند نتیجه مفید در برداشت:

- ۱- به مسئولین مرکزگسترش نشان داده شد که اعضای شرکت در مقابل فشارها و اجفاسات آنها ساکت نمی نشینند و مبارزه دست میزنند.
- ۲- کسانیکه در اجتماع آنروز شرکت داشتند ما هیت فدکاری و سرمایه داران را به برنامهای مرکزگسترش را علیرغم ظاهر عوامفریبانه آن که "این شرکتها مال خود شماست" ما میخواهیم به استقلال اقتصادی برسیم... بیشتر شناختند.
- ۳- بیکار را دیگر ما هیت ضد انقلابی و فدکاری و کسانی که بهیتر ما زمانهای انقلابی و کمونیستی را مورد حمله قرار میدهند، روشن شد. در اجتماع آنروز آقاخانسی "سازمانهای مجاهدین، بیکار و... را مورد حمله قرار داد، ولی در جریان مبارزه آنروز بسیاری تعداد دیگری از زحمتکاران افغان را روشن شد. کسانیکه از سازمانهای کمونیستی و انقلابی و حشمت دارند، از بهیتر شدند و مدافع چه کسانی هستند

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

بقیه از صفحه ۶ محاصره...

۱- فشار بر زحمتکشان شهر و روستا جهت قطع حمایت آنها از سازمانهای انقلابی و پیشمرگان مسلح. میدانی که هر آینه جنبش مقاومت و در رأس آن پیشمرگان مسلح انقلابی به توده های زحمتکش شهری و روستایی متکی نبود، بسزوی سکت می انحصار مدوا سا دوام و بقاء و رشد روز افزون جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد، بستگی تا به میزان حمایت توده های زحمتکش کرد دارد. محاصره اقتصادی نیز از جمله ابزار است در دست رژیم که با توسل به آن وبا وارد کردن فشار هر چه بیشتر بر زحمتکشان شهزها و روستا های کردستان، مانع از حمایت آنها از پیشمرگان گردیده و مقاومت مسلحانه پیشمرگان را از پشتوانه توده های خود محروم سازد.

۲- تضعیف قوای پیشمرکه: محاصره اقتصادی کردستان از جمله اقداماتی است برای در تنگنا قرار دادن پیشمرگان از لحاظ تامین آذوقه و مایحتاج خود رژیم این کار را بدو صورت انجام میدهد: الف- قطع ارسال هرگونه کمک روستاییان به پیشمرگان بوسله سرکوب زحمتکشان روستاها ب- تعویب پیشمرگان و ورود روستایی مستقیم و محاصره نظامی آنها و قطع راههای ارتباطی پیشمرگان با اهالی منطقه، بدین ترتیب میتوان گفت که هیچکدام از این حرکات سرکوبگرانه رژیم نشوایسته است در روستاها مبارزات مسلحانه پیشمرگان خنثی و اردو سازد، ضربات پیشمرگان قهرمان بر نیروهای رژیم در کردستان بسیار سنگین واقعیتی است.

۳- انجام تبلیغات وسیع و اجرای نمائشات قلابی و عوام فریبانه از تقسیم مواد غذایی توسط پاسداران، ارتش و سایر ارگانهای ضد خلقی: رژیم جمهوری اسلامی برای کسب و جلب اعتماد زحمتکشان کردستان، سلافا صلب بعد از محاصره اقتصادی و همزمان با آنها جم گسترده به پیشمرگان جنبش مقاومت به انجام نمائشات تلویزیونی مبتنی بر تقسیم غذا بین کردها در برخی از شهرها دست زد. این حرکت رژیم از دو جنبه حائز اهمیت میباشد: الف- تبلیغ حول این مسئله که کردستان در محاصره اقتصادی نیست و هرگونه مواد غذایی و ما بحتساج عمومی از طریق دولت بدست خلق کرد میرسد، ب- اعمال فشار رگرسنگی بر روی خلق کرد و سپس

تقسیم مقدار محدودی از مواد غذایی بین اهالی یک منطقه محدود و نمائش آن در تلویزیون، با این هدف که اعتماد و اطمینان زحمتکشان را به خود جلب کند.

۴- ایجاد تفرقه و برادر کشی بین ترک و کرد: از بعد از محاصره اقتصادی، رژیم جمهوری اسلامی با تقسیم مواد غذایی و رساندن مایحتاج عمومی و بویژه مواد سوختی بین ترکهای منطقه و تحریب خرید و فروش با کردها بویژه در شمال غربی کردستان، همواره در پی این بوده که بر اختلافات قومی و مذهبی بین ترک و کردها من زده و سا ایجاد برادر کشی بین آنها - با اهداف ضد خلقی خود جا مه عمل بیوشاند، کما اینکه در برخی موارد بویژه در روستا های اطراف نقرده ناحدی در اعمال چنین سیاستی موفق بوده است.

اگرچه تلاش رژیم در محاصره اقتصادی و بیکار گیری شیوه های مذکور و تشدید محاصره بویژه بعد از جنگ، عمدتاً با شکست مواجه شده است و ما هر روز شاهد و جگیری جنبش مقاومت و ضربات پیشمرگان به نیروهای رژیم در کردستان هستیم اما نباید فراموش نمود که تداوم محاصره اقتصادی میتواند ضربات جدی بر روند جنبش مقاومت وارد سازد، بنابراین تلاش نیروهای انقلابی در شتاب فتن بهیاری خلق کرد و جلب حمایت کلبه زحمتکشان آگاه از خلق ستم دیده کرد، بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد، ارتجاع حاکم از یک سو محاصره اقتصادی همه جا نینه خلق کرد و از سوی دیگر با تشدید کشتار زحمتکشان در شهرها و روستا های کردستان در سایه جنگ ارتجاعی کنونی سعی دارد مقاومت انقلابی خلق زحمتکش کرد و در رأس آن پیشمرگان را در هم شکسته و نیروهای مسلح خلق کرد را فرسوده سازد، بنا بر این شکستن محاصره اقتصادی، تقویت جنبش مقاومت محسوب شده و وظیفه فوری و مبرم خلقها و زحمتکشان آگاه، کمونیستها و کلبه نیروهای انقلابی است جمع آوری و ارسال هرگونه کمک دارویی، غذایی پوشاک مواد سوختی و دیگر مرفهات زندگی به کردستان از گامهای اولیه ما در راه نجات و وظایف انقلابی ما در قبال جنبش خلق کرد است. با تمام نیرو با استفاده از هرگونه امکانات - ولو محدود - بیاری خلق ستم دیده و زحمتکش کرد بشتابیم.

### ملاحظات کوتاه

#### آقای پیمان هم کز کز میخواند!

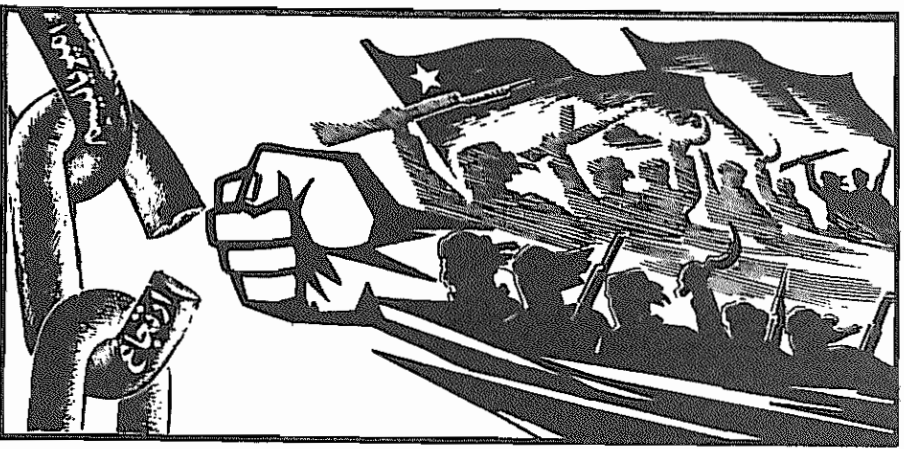
روزنامه امت آقای پیمان که در انباشت ضد امپریالیستی و ضد استعماری بودن خطا ما هر چه داشت روی دایره ریخت و کفکبرش به تدهیبک خورد، بناچار دست به حمله علیه مجا هدین خلق رد و زیر سرپوش برخی انتقادات علیه مناسبات رهبری مجا هدین بالیبرالها، مقالات متعددی با صلااح "رديه" بر مجا هدین خلق نوشت که آنهم نفعی نبخشید، نزدیک شدن به حزب جمهوری اسلامی ادا مه منطقی رای مشبت آقای پیمان به ولایت - فقیه و قانون اساسی بود، ولی ایشان چون با لایحه های "مترقی" هم با شد، با خبرگزاری تا س مما حبه میکنند و انتطیق سیاسی با خط حزب توده را از جنبه های گوناگون، در دستور قرار میدهند. که آخرین آن "فدا انقلابی" شمردن سازمان پیکار است، البته پیش از این نیز یکی دو بار رچیزی شبیه این در روزنامه امت آمده بود ولی این بار و فجا نه تراست، امت مورخه ۱۰ دیماه نوشته است: "بنظر ما سازمان (مجا هدین) ... سهم عمده ای در انحراف افکار جوانان و هواداران خود دارد. بی سبب نیست که اغلب کسانی که از سازمان جدا میشوند، اگر جذب گروههای مذهبی نشوند، دامن سازمانهای ضد انقلابی نظیر پیکار رکشاده میشوند..."

توس روزنامه امت هما نظور که در دو سه سطر بعد میگوید این است که هواداران مجا هدین از مذهب دلیر گردیده و "بدا من گروههای مارکسیستی کشاده شوند."

توس آقای پیمان بیهوده نیست چرا که از ما هیت طبقاتی ایشان ما به میکردن کار روزنامه امت هر چه میخواهد "علیه استعمار" حرف بزنند! اوتا وقتی با دشمنان آشتی نا پذیر سر ما به داری و استعمار ریعنی کمونیستها، دشمنی میورزد چر دوست سر ما به داری نیست.

#### هر چه بیشتر بهم بونی گندش بیشتر بالا نیاید

چند هفته پیش سندی را افشا کردیم به امضای رجائی که بر اساس آن ۲۵ میلیون تومان دیگر از قرار ماهی ۵ میلیون تومان به آیت الله منتظری داده شده تا خرج مروجین مذهبی و روحانیون کند، این کار ابتدا مثل آبی بود که به خانه مورچگان ریخته شود در همه جا غلغلها افتاد: "عجب آقا! بنظور! چیزی نگذشت که"



# مرگ پر بختیار، نوگرپی اختیار

● ۱۶ دیماه ده وین سالروز نخست وزیری  
شا هپهور بختیار آخرین "صدر اعظم" شاه  
جلاد  
● جنابات بختیار مزدور و ماهیت ضد  
انقلابی لیبرالیسم میان پیوسیده را  
نظایان ساخت

در روزهای که مریا دخروشان توده های  
انقلابی کوچکها و خبا با آنها را تجلی گاه کینه  
طبقاتی مردم زحمتکش نسبت به رژیم دمنش و  
وا بسته شاه جلاد ساخته بود، و در روزها شگه در اثر  
مبارزات توفنده و انقلابی زحمتکش ایران،  
نا لوده رژیم پهلوی از همپا شیده شده بود، بختیار  
خا شن ار طرف شاه به نخست وزیری رسید. در ۱۶  
دیماه ۱۳۵۷ روز نخست وزیری شاه هپهور بختیار،  
زحمتکش ن مهن ما با پشت سر نهادن روزهای  
پر شور و نغمین کننده ای عمر صرف آنچنان بر رژیم  
منفور شاه و امپریالیسم تنگ کرده بودند که اغلب  
لیبرالهای سلطنت طلب چون سنجایی، بازرگان  
و... بر خلاف نیت و خواست باطنی شان "عزیمت  
شاه را طلب میکردند. بختیار خا شن که در سال ۶۰  
همراه با سنجایی و فروهر طی نامه ای سرگشاده  
به شاه، بغدادی "دموکراسی" به "پیشگاه" و شتافته  
بود، گمان میکرد که مستوا آخین توطئه  
امپریالیسم را برای حفظ و بقا رژیم و بسته  
شاه عملی ساخته و با سودجویی از سابقه همکار  
اش با دولت ملی ممدق در سیرا و ج با بنده جنشی  
انقلابی توده ها خلل وارد آورده و آرا به انحراف  
و سازش بکشانند. مردم مبارری که "شنبه خونین"  
تبریز، جمعه سابه "تهران، کشتار روحشیا نه قم،  
۱۳ آبان "تهران و... را در پیش چشم خسود  
دا شدند، مردمیکه میدهند فر دای عجز و لا به  
تیهکارانه شاه جلاد، از راه ری دژیم برای کشتار  
سمنتر توده ها بمیدان میا بدوارتش ضد خلقی  
و آمریکا ش شاه در گوشه و کنار مهن ما، حما  
خون بر آه می اندازد هر گرا ضرنیودند قدسی  
به عقب نهادن ده و تن به سازش بدهند، آنها با خرم  
نفرت سرنگونی رژیم شاه را سرمدا دهند و در راه  
انقلاب پیرو مندا نه به پیش میرفتند. در چنین  
شرایطی طبیعی سوده که سازی سیاسی که بختیار  
"لیبرال" با زیرگام اصلی آن سودا تکست مواجه  
شد، او در آغاز با ژست های مرسکارانه، نویسد  
"آرادی" "مندا بدمار" "تحلال ساواک" "مزد،  
کما سن در رندا نهرا که بهمت توده ها و در اثر

مبارزه انقلابی آنان صورت میگرفت، بخسود  
نسبت میداد، از قطع روابط با "سراشیل" و  
"آفریقا جنوبی" سخن میراند، از "قاص" خون  
شهیدان محبت میگردد، و برای فریب توده ها  
و نما بیش "قدرت توده ای" خودتظا هرات ساختگی  
"قانون اساسی" را ترتیب میداد و سوزوران  
ساواک، ارتش و پلیس شاه را همراه با خانواده  
ها بشان به خبا با آنها مکتشا ندولی توده ها می  
دانستند که کسی که بخا طرحظ رژیم شاهنشاهی  
و از طرف شاه جلاد ما موریت دارند میتوا بدادامه  
دهنده راه شریف اما می و از راهی نباشد، آنها با  
فریادهای "مرگ بر بختیار، نوگرپی اختیار" به  
خبا با آنها ریخته و آبا کئی بردستان تیهکارا بن  
لیبرال خا شن ریختند، آوج فراینده جنبش  
انقلابی توده ها، ماهیت دروغین "لیبرالیسم"  
عنا صری چون بختیار که بر سر مافع مردم  
امپریالیستها به معامله می نشینند را افشا کرد  
بختیار از زوشی مردم مریا زرا به خاک و خون می  
کشید، ۸۰ مهن تهران را بوجود می آورد و در گوشه  
و کنار مین صدها نفر را بجرم آزادیخواهی قتل  
عام میکرد و از زوشی دیگر پنهانی با با زرگانها  
و بهشتی ها به معامله می نشست تا با با در میان  
آنها نقشه هویز را راه جراد آورده و از با شیده  
شدن کامل نظام محاکم جلویگیری نماید، و لسی  
توده ها به آنها مهلت ندادند که با صحنه سازی با  
"تقدیم" استعفا بختیار به آبت الله خمینی  
و "عفو" بشان توطئه امپریالیسم آمریکا و سن  
"حما میان" دروغین خلق به سراغ ما مدخواه برسد  
قیام مهن ۵۷ سر رسید - گرچه بهشتی ها و  
بازرگانها مانع از با شیده شدن کامل سرمایه  
داری و بسته شدند - ولی بختیار خا شن بدستان  
پر توان توده ها دستگیر شد، بختیار با بیاری  
دوستان لیبرالش و مشخما با زرگان خیانت پیشه  
از انتقام انقلابی زحمتکش جان سالم بدر برد  
و به آغوش آریا بان امپریالیستش شتافت تا به  
نوعی دیگر به توطئه های خیانتکارانه اش  
ادامه دهد. "اما مدارای کونا و بختیار رو عمل کرد  
های خا شن نه و جانییت کارانه اش توده ها را بیش  
از پیش با ماهیت واقعی لیبرالهای ضد انقلابی  
آشنا ساخت، اکنون نیز که توده ها روز بروز از  
جمهوری اسلامی روی تافته و به مبارزه با این  
رژیم ارتجاعی بر میخیزند، بختیار مزدور سیوده  
میگردد تا با بهره گیری از امکانات بیدریغی که  
امپریالیستهای غریبی در اختیارش گذاشته و  
میگذارند خود را به آلترناتیوی در برابر رژیم  
جمهوری اسلامی تبدیل سازد. عریبه های ضد  
انقلابی را دیوبختیار که یکی از بلندگوهای  
تله ماسی امپریالیستهای درب خلقهای ماست نخواهد  
توانست کوچکترین کمکی به بختیار مزدور در به  
انحراف کفاندن توده ها بنماید. توده های  
زحمتکش بیش از پیش به بوجی شمارهای لیبرالهای  
ضد انقلابی پی برده و بخوبی میدانند که آزاد ی

## ملاحظات کوتاه

آیت الله منتظری اعلامیه ای داد که از سمت  
"پول تحویل گرفتن و خرج روحا نیون کردن"  
استعفا داد (روزنا ما اطلاعات ۱۷ آذر ۵۹) و  
صورت داد که ۲۲ میلیون تومان برای روحا نیون  
سنی تحویل گرفته است که ما اسنرا درسندی  
دیگرا فنا کردیم (پیکار ۸۶)  
معلوم بود که بجای قضیه را دست گذاشته -  
ایم، بهیزاد نیوی آمد که موضوع اول را ما ستالی  
کنندولی ضمن قاطی کردن مسائل و کم حافنگسی  
ناشی از دروغ و گوشی، اینرا ه ما فاش کردیم -  
۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان خرج سفر آقای رجائی به  
نیویورک شده! با سن ترتیب یک کننده یگر با لا  
آمد! حالا عمکرا ولادی نما ینده مجلس اسلامی  
ورثیس سا زمان اوقاف، در آمده که ما به  
روحا نیون سنی ۳۷ میلیون تومان داده ایم.  
(روزنا جمهوری ۱۱ دیماه)  
سندی هم که ما با امضای بنی صدر (بعنوان  
رئیس شورای انقلاب) در پیکار ۸۷ منتشر کردیم  
حکا بیت از این میگردد که ۳۶ میلیون تومان به  
روحا نیون داده اند، این را فام که هر کدا جدا و  
مستقل از دیگری است نشان میدهد که حدا قصل  
طی مهن چند ما ه گذشته ۲۵+۲۲+۳۷+۳۶ یعنی  
۱۲۰ میلیون تومان (بر اساس اسناد معدودی که  
بدست ما رسیده یول به جیب روحا نیون و مورجین  
مذهبی سرا ز سر شده است! این کندا ابراهر چه بیشتر  
به هم بزنی کندش بیشتر با می آید!

آنها جز با مبارزه انقلابی خود آنها و بدست خود  
آنان مبرور نیست.

بختیار خا شن به پشتگرمی همپالکی های  
لیبرال خود در حبه ملی و دیگر ضد انقلابیون  
ورشکسته میگوید با حما بیت امپریالیستها بخص  
امپریالیستهای فرانسوی، خود را در شرا بیسط  
بحران کنونی با اصطلاح آلترناتیو کند، او در  
را دیوی ضد انقلابی ای که از رژیم ارتجاعی  
عراقی بهاریت گرفته است و قبحا نه دم از "آزادی  
میزند، بختیار را خیرا طی اطلاعیه ای از طرف  
با اصطلاح "دفتر سیاسی" اش ایجا د "نهمت مقاومت  
ملی" را اعلام کرده است.

به این نوگر سر برده امپریالیستها و  
همپالکی های داخلی اش با بدگفت توده های  
آکا و خلق به کما شنی که خیلی از شما فریبکا رتند  
جز با نفرت و خشم انقلابی سخن نمی گویند، شما که  
جای خود دارید!

☆☆☆

### به استقبال جنبش او جگیر نموده توده ها بش تانیم



## دعوی قدرت و خرید اسلحه از شوروی

## یادداشت‌های سیاسی هفتگانه

حزب جمهوری اسلامی مانند هر ارتجاع دیگری خائنانانه توده‌ها را می‌فرسید، احساسات مذهبی-شان را به بازی می‌گیرد و با استفاده از ناآگاهی-شان در پی تحکیم قدرت خویش است. توهّم توده‌ها به آیت‌الله خمینی (که هر روز بیشتر در حال فروریختن است) پراشش معنی است تا اینکه لرزان قدرت فدمردمی اش را بر آن تکیه زند. یکی از بزرگترین سوءاستفاده‌های حزب از توده‌ها، کشیدن آنها به راهیماشی در جهت اهداف ارتجاعی است. رورهای خاص مذهبی که بخش زیادی از توده‌ها خود را مقید به شرکت در آن مراسم میکنند، بهانه مناسبی است تا حزب جمهوری "فواشدهائی" بسیاری از این مراسم ببرد. در راهیماشی هفته گذشته در روز چهارشنبه نیز، حزب جمهوری کوشید تا با زهم زخون حسین برای اهداف ارتجاعی استفاده کند. در همان هنگام که توده‌های ناآگاه و بر سر روی خود می-کوبیدند و بدین ترتیب در درونج ستم طبقه‌ای را که زیر حاکمیت جمهوری اسلامی تیزداد می-یافته است تملی می بخشیدند و بدین ترتیب تخدیر میشدند، حزب جمهوری سخنگوی معلوم - الحال و معروفش جناب جلال الدین فارسی را گسیل داشت تا با استفاده از ناآگاهی و توهّم توده‌ها، در تحکیم قدرت خویش بکوشد. طبیعتی است مطالب فراوانی در "اقاضات" فارسی میتوان یافت که ما هیتتدا انقلابی را آشکار میکنند اما فقط بدون نکته آن اشاره میکنیم.

### دعوی قدرت هم چنان ادامه دارد

سخنرانی جلال الدین فارسی به نوعی یک مانور قدرت حزب جمهوری و دهن کجی به لبرالها بود فارسی کاندیدای ریاست جمهوری حزب، فرد مورد تاکید حزب برای نخست و بربری و بلاخره سماینده پیشنهادی برای وزارت امور خارجه بوده، که بنی مدرشدت ما او مخالفت کرده است حزب در میان شعارهای مربوط به روزا ربعیس "فرمانده کل قوا، خمیسه، خمیسه" و وزیر خارجه فارسی، فارسی "را سخا طر مخالفت بیشتر با لبرالها گنجانده بود. حزب با معرفی فارسی برای سخنرانی در این روز میگوشتد از یکسو تبلیغاتی بد نفع فارسی بر آنداخته، بنی - صدرا برای پذیرش فارسی بعنوان وزیر خارجه تحسینا ریگذا ردوا از طرف دیگر با سخنرانی فارسی بر ضد لبرالها، آنها جم کسنداش را علیه آنها تداوم بخشد فارسی سبزدری همین سیاست ندیدد به لبرالها تاخت بنی صدرا ورنکسته ساسی و دترهنگار بهای رئیس جمهور را آن گروهک لبرال "تا مدکه به اتفاق" منا فقیه در مشهد به خانه‌ای دشنام داده اند. "بنی صدر دیگر لبرالها را به بیزید تشبیه کرد". و گفت هم - چنانکه برید جرئت شدت به حضرت محمد حمله کند، برای حمله به حضرت محمد خاندان علی حمله میکرد، لبرالها نیز جرئت ندارند - آیت الله خمینی حمله کنند و در نتیجه به چهرهای روحانیت مانند خاندان حمله میکنند. او

لاهوری و شیخ علی شهبازی و دیگر روحانیون مخالف حزب را مثنی روحانی نما که "بامنافیان و مدام و بختیا ر خوبند"، خوانند، در واقع دشنام-های شدید فارسی به لبرالها و عنا سردیگر که ادا به همان برخورد های، خشن هفته های گذشته دوجناح رقیب نسبت به یکدیگر است. نشان می-دهد که حزب و لبرالها، این دشمنان توده‌ها چگونه بر اشرحت مبارزه طبقه‌ای جاری بر سر - قدرت بحان هم افتاده اند، این سخنرانی سار - دیگر صحت نظرها که دعوی میان این دوجناح نمیتواند بنا میناقضات وحدت و... حل گردد و بنا او جگری مبارزات توده‌ها، شدیدتر نیز خواهد شد، نشان میدهد و تلیف انقلابیون است که با استفاده از ترک برداشتن حاکمیت بر سر دعوی دوجناح ارتجاعی اثرنا تسوا انقلابی را جابگیرین سازند.

### نغمه خرید اسلحه از امپریالیسم روس

نکته مهم دیگر در سخنان فارسی تاکید ضمنی وی به ضرورت خرید اسلحه از روسیه بود، او با هزار تیرنگ میگویند، خرید هتگت اسلحه را سود مردم ایران جلوه دهد، اما خلقهای قهرمان ما نیک میداند که جمهوری اسلامی چگونه زحمتگان ایران را غارت میکند و حاصل رنج آنها را به جیب امپریالیستهای غارتگری ریزد. آقای فارسی به بهانه مبارزه با امپریالیسم صحبت از خریدهای کلان اسلحه میکند تا در کردستان و خوزستان و کردگان و زنان بیگنا را بمباران کنند و در سراسر ایران، کارگران و زحمتگان و انقلابیون را کشتار کنند و نیز در جنگ ارتجاعی اش با مزدوران بعث عراق، بر سر صدور انقلاب اسلامی از ایران و یاروهای عراقی بزرگ مدام توده‌های ایران را مانند توده‌های عراق به گونست دم توپ سرمایه داران بدل کند و از غارت زحمتگان ما امپریالیستهای چنانکار را شروتمندتر نماید آقای فارسی صحبت از سلاحهای میکند که کوبا و

بقیه در صفحه ۳۱

## سالگرد تولد

## رفیق ماؤو را

## گرامی بداریم



## سال "نو" میلادی را تبریک میگوئیم

سازندهای پرشور کمونیستی به برونلانی سراسر جهان و خلقهای تحت ستم و انقلابی که بیکار رجویا نه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنند برای آنان سالی سراز پیروزی و موفقیت در راههای آزاستشما روا استعمار و تلاش در راه انقلاب و سوسیا لیسم آرزو میکنیم.

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست